

افسانہ زندگی

دکتر
محمد هادی قندهاری

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
مبحث اول: اصالت مهدویت در باور ملل و ادیان.....	۵
سیری کوتاه در افکار و عقاید ملل مختلف جهان.....	۶
باور دانشمندان نسبت به لزوم وجود حکومت جهانی.....	۷
ادیان و مذاهب، نوید بخش ظهور منجی.....	۹
مبحث دوم: اصالت مهدویت در اسلام.....	۲۰
راه اول بررسی کتابها و نظرات دانشمندان اهل تسنن.....	۲۰
راه دوم بررسی پدیده متمدیان.....	۲۲
الف - منسوبین به مهدویت:.....	۲۳
ب - مدعیان مهدویت:.....	۲۶
نتایج حاصل جهت اثبات اصالت و عمومیت مهدویت در بررسی تاریخ مهدیماها.....	۳۳
نکات موجود در بررسی تاریخ منسوبین و مدعیان مهدویت.....	۳۴
مبحث سوم: آشنایی بیشتر با مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه.....	۳۸
الف) شرط نجات از مرگ جاهلی.....	۳۸
ب) معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شرط ایمان.....	۴۰
مبحث چهارم: میلاد حضرت مهدی تا آغاز امامت.....	۴۷
دلایلی بر تولد آفتاب.....	۴۸
مدعی دروغین.....	۵۲
پاسخ به یک پرسش.....	۵۳
مبحث پنجم: غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.....	۵۶
دلایل غیبت.....	۵۸
فوائد امام غایب.....	۵۹
نواب خاص.....	۶۲
نواب عام.....	۶۴
جاه طلبان فرصت طلب.....	۶۶
همراه ما، در میان ماست.....	۶۶
مبحث ششم: طول عمر حضرت مهدی.....	۶۹
الف - اثبات از طریق منطق و عقل.....	۷۰
ب - اثبات از طریق قوانین طبیعت.....	۷۲
ج - اثبات از طریق سنت های الهی.....	۷۶
مبحث هفتم: کارنامه ی قیام و ظهور حضرت مهدی ارواحنا فدا.....	۸۲
مبحث هشتم: حکومت امام مهدی.....	۹۱

۹۶.....	مبحث نهم: برخی از فضائل امام مهدی
۱۰۰	مبحث دهم: یاران امام مهدی
۱۰۱	صفات یاوران مهدی
۱۰۱	۱- عبادت و پارسایی.....
۱۰۲	۲- قدرت و تلاش.....
۱۰۲	۳- ایمان و بصیرت.....
۱۰۳	۴- دلبستگی و فرمانبرداری.....
۱۰۵	مبحث یازدهم: حقوق امام مهدی بر ما
۱۰۵	حقّ هدایت و تعلیم.....
۱۰۵	حقّ پدری و مادری.....
۱۰۶	حقّ امام بر رعیت.....
۱۰۷	مبحث دوازدهم: وظایف ما درباره‌ی امام مهدی
۱۰۷	محبت.....
۱۰۸	دعا.....
۱۰۸	انتظار.....
۱۰۹	ارتباط.....
۱۱۱	مبحث سیزدهم: احادیث امام مهدی

بسم الله الرحمن الرحيم

وذكر وليه
عجل الله تعالی فرجه الشریف

پیشگفتار

مهدویت، باوری شورانگیز به قیام مصلحی الهی است که با رستخیز پرشکوه خود نابرابری‌ها، بیدادگری‌ها و نابسامانی‌های جامعه‌ی انسانی را پایان می‌بخشد. سعادت و آسایش را ارزانی همگان می‌نماید و زمین را در سایه‌ی پرچم حکومت عدالت جهانی دیگرگون می‌سازد.

این باور را در مبانی عقیدتی بسیاری از قوم‌ها و ملت‌های جهان می‌توان یافت.^۱ از دیرباز دلهره از پیش آمده‌های آتی، خاطر هر انسانی را آزار می‌داده و ترس و هراس از سرنوشتی تلخ و ناگوار آنان را اندیشناک می‌ساخته است. مکاتب فلسفی بشر نیز از همین رهگذر و با دیدی گسترده‌تر آینده‌ی جهان بشری را

^۱ علاقمندان را به کتاب‌های «ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان» نوشته‌ی سید اسد الله هاشمی شهیدی، «آینده‌ی جهان» نوشته‌ی دکتر جلال برنجیان، «فرجام‌شناسی حیات انسانی» نوشته‌ی دکتر غلامحسین تاجری نسب و دیگر کتاب‌ها و مقالات مربوط به انتظار مصلح جهانی ارجاع می‌دهیم.

پیش‌بینی می‌نموده‌اند؛ و چه بسیار از آنها را می‌یابیم که در این مسیر پر تشویش به سیاه‌چال بدبینی و نومیدی افتاده‌اند. در حالی که تعالیم الهی پیامبران با خوش‌بینی تمام، مژده‌ی فرجامی نیکو را به انسان‌ها داده است. قرآن کریم نیز به عنوان گویاترین و کامل‌ترین نماینده‌ی این گروه نوید امن و امان را بدین گونه می‌دهد:

۱- ﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۱

همانا زمین از آن خداست؛ و آن را به هر کس از بندگان که بخواهد وامی گذارد؛ و سرانجام از آن پرهیزکاران خواهد بود.

۲- ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۲

به تحقیق در زبور داود به دنبال یادآوری قبلی (در تورات) نگاشتیم: که همانا زمین را بندگان نیکوکار و شایسته‌ی ما به ارث خواهند برد.

۳- ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۳

و می‌خواهیم بر کسانی که در زمین به زبونی کشیده شده‌اند منت نهیم و آنها را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارثان [زمین] کنیم.

۴- ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾^۴

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورند و کارهای نیک پیشه کنند وعده داده است که آنان را در زمین نماینده و جانشین خود گرداند، هم چنان که اقوام پیش از ایشان را خلیفه گردانید؛ و دینی را که برایشان

^۱ سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۲۸.

^۲ سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۱۰۵.

^۳ سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۵.

^۴ سوره‌ی نور، آیه‌ی ۵۵.

.....-۴-

.....

.....

.....

.....

.....

.....

برگزیده و بدان خشنود است^۱ در روی زمین جایگزین نماید و ترس و هراس آنان را به آرامش و امان دگرگون سازد، در آن هنگام مرا خواهند پرستید و هیچ را همسنگ من باور نخواهند داشت. چنین آیات^۲ و بشارت‌هایی سرچشمه‌ی اعتقاد به مهدویت در اسلام و شاهد و نشانه‌ای بر اصالت آن است. از این رو موضوع مهدویت یکی از بارزترین اعتقادات اسلامی می‌باشد؛ و هر پژوهش‌گری در حوزه‌ی دین اسلام ناگزیر از بررسی آن خواهد بود؛ به‌طوری که پس از موضوع «خلافت و امامت» می‌توان «مهدویت» را بحث‌برانگیزترین موضوع در تاریخ اسلام دانست، که در طول تاریخ برگ‌های شورانگیز، اندوهبار و امیدزایی را به خود اختصاص داده است؛ و ریشه‌ی بسیاری از انقلاب‌ها و تحولات تاریخی بوده است. اینک ما در این مجموعه مباحثی را پیرامون «مهدویت» در طی ۱۲ مبحث جداگانه مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهیم.

مبحث اول: اصالت مهدویت در باور ملل و ادیان.

مبحث دوم: اصالت مهدویت در اسلام.

مبحث سوم: آشنایی بیشتر با مهدی منتظر.

مبحث چهارم: از میلاد حضرت مهدی تا آغاز امامت.

مبحث پنجم: غیبت حضرت مهدی .

مبحث ششم: طول عمر حضرت مهدی .

مبحث هفتم: کارنامه‌ی قیام و ظهور حضرت مهدی .

^۱ دین کاملی که خدا از ما به سبب پیروی آن خشنود است دین اسلام و مذهب شیعه است؛ زیرا که خداوند پس از نصب حضرت علی به خلافت چنین نازل فرمود:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳)؛ «امروز دین شما را کامل نمودم و نعمتم را بر شما تمام کردم و خشنود شدم به این که اسلام دین شما باشد.»

^۲ علاوه بر شیعه برخی علمای سنی مانند: خواجه کلان بلخی در «ینابیع المودة» و بیهقی در «البعث والنشور» اذعان دارند که آیات فوق اشاره به قیام مهدی آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد.

- مبحث هشتم: حکومت امام مهدی .
- مبحث نهم: برخی از فضائل حضرت مهدی .
- مبحث دهم: یاران امام مهدی .
- مبحث یازدهم: حقوق امام مهدی .
- مبحث دوازدهم: وظائف ما درباره‌ی امام مهدی .
- مبحث سیزدهم: احادیث امام مهدی .

.....-۴

.....

.....

.....

.....

.....

مبحث اول: اصالت مهدویت در باور ملل و ادیان

مطالعه‌ی سرگذشت جامعه‌های بشری و بررسی مکتب‌های فکری در طول تاریخ، نشان‌گر این است که انسان‌ها همواره به یک سلسله مسائل بنیادی، اعتقادی راسخ داشته‌اند؛ به نحوی که گذشت زمان، ظهور مکتب‌های جدید فکری و تحوّل‌های شگرف در علم و صنعت، اصالت این گرایش‌ها را تغییر نداده است. از جمله‌ی این مسائل، اعتقاد به ظهور منجی و مصلح جهانی است. اگر چه اعتقاد به ظهور این منجی در آخرالزمان، در میان پیروان ادیان الهی، فروغ بیشتری دارد، ولی بشر همواره در انتظار این مصلح به سر برده است و عقیده دارد که روزی این منجی خواهد آمد و به نابسامانی‌ها و بی‌عدالتی‌ها خاتمه خواهد داد؛ و انسان را به سر منزل مقصود، سعادت و کمال، که خواسته‌ی دیرینه‌ی او بوده، خواهد رساند. انتظار ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی، و امید به آینده و استقرار صلح و عدل جاویدان، امری فطری و طبیعی است که با ذات و وجود آدمی سر و کار داشته و با آفرینش هر انسانی همراه است؛ زمان و مکانی نمی‌شناسد و به هیچ قوم و ملّتی اختصاص ندارد. از این رو بسیاری از انسان‌ها مطابق فطرت خود چشم به روزی دوخته‌اند که جهان بشریت در پرتو ظهور رهبری آسمانی و با تأیید و عنایت پروردگار، از ظلم ظالمان و ستم ستمگران نجات یابد. شور و بلوا در جهان پایان پذیرد. انسان‌ها از وضع فلاکت‌بار موجود نجات یابند و از نابسامانی، ناامنی و تیره‌روزی خلاص شوند؛ و سرانجام به کمال مطلوب و زندگی شرافتمندانه‌ای که شایسته‌ی مقام انسان است، نایل آیند. به همین دلیل، در تمام اقوام، ادیان و مذاهب، از مصلحتی که در آخرالزمان ظهور خواهد نمود و به جنایت‌ها و خیانت‌های انسان خاتمه خواهد داد و شالوده‌ی حکومت واحد جهانی را براساس عدالت و آزادی واقعی بنیان خواهد نهاد، سخن به میان آمده است. تمام پیامبران و سفیران الهی نیز در این زمینه به مردم با ایمان جهان نویدهایی داده‌اند. در ادامه برخی از این باورها را مرور می‌کنیم.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

سیری کوتاه در افکار و عقاید ملل مختلف جهان

با نگاهی به افکار و عقیده‌های مردمان مختلف جهان هم‌چون: مصریان باستان، هندیان، چینی‌ها، ایرانیان، یونانیان و... این حقیقت را به خوبی درمی‌یابیم که از گذشته‌های بسیار دور اعتقاد به یک منجی الهی و آسمانی از مهم‌ترین باورهای مردم جهان بوده است.

اینک به قسمتی از این باورها و اندیشه‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. ایرانیان باستان معتقد بودند که: «گُرزا سیَّه» قهرمان تاریخی آنان زنده است و در «کابل» خوابیده، و

صدهزار فرشته او را پاسبانی می‌کنند؛ تا روزی که بیدار شود و قیام کند و جهان را اصلاح نماید.

۲. گروهی از مصریان باستان که در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد در شهر «ممفیس» زندگی

می‌کردند، معتقد بودند که: سلطانی در آخرالزمان با نیروی غیبی بر جهان مسلط می‌شود؛ اختلاف طبقاتی را از بین می‌برد و مردم را به آرامش و آسایش می‌رساند.

۳. برهمنیان در انتظار مصلحی به نام «ویشنو» بودند تا سوار بر اسبی سفید و شمشیری آتشین در

دست، ظهور نماید و مخالفان را از میان بردارد و تمام دنیا «برَهْمَن» گردد و سعادت‌مند شود.

۴. چینی‌ها بر این باورند که «کرشنا» ظهور خواهد کرد و جهان را نجات می‌دهد.

۵. نژادِ اسلاو بر این عقیده بودند که از مشرق زمین یک نفر برخیزد و تمام قبایلِ اسلاو را متحد سازد

و آنها را بر دنیا مسلط گرداند.

۶. ژرمن‌ها معتقد بودند که یک نفر فاتح از طوایف آنان قیام نماید و «ژرمن» را بر دنیا حاکم گرداند.

۷. سِلْت‌ها گویند: پس از بروز آشوب‌هایی در جهان، «بوریان بور ویهیم» قیام می‌کند و دنیا را به

تصرف خود درخواهد آورد.

۸. اقوام اسکاندیناوی چشم به راه «اودین» هستند که با نیروی الهی ظهور کند و مردم را از بلاهای

بسیار و جنگ‌های جهانی ویران‌گر نجات دهد و بر همگان چیره گردد.

^۱ برای مطالعه‌ی بیشتر به کتاب «ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان» نوشته‌ی سید اسد الله هاشمی شهیدی مراجعه نمایید.

..... ۴-.

.....

.....

.....

.....

.....

این‌ها نمونه‌هایی از برخی افکار بود که با مضامین مختلف - اما برخاسته از اندیشه‌ای واحد- نوید دهنده به آینده‌ی درخشان، برای مردم جهان هستند. تمامی آنها قائل به این نکته‌اند که: مردی در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و جهان فرو رفته در تیرگی را با عنایت الهی، به سوی نور، روشنایی و سعادت‌مندی خواهد برد.

باور دانشمندان نسبت به لزوم وجود حکومت جهانی

عقیده به آینده‌ی روشن و تشکیل حکومت واحد جهانی که در تعالیم انبیاء الهی از آنان یاد شده، امری مطابق فطرت و طبیعت است. به همین جهت، دانشمندان و اندیشمندان بزرگ جهان در انتظار روزی به سر می‌برند که حکومت واحد جهانی، براساس معیارهای الهی و انسانی تأسیس گردد و جهان نوینی پدید آید که بشر را در زیر یک پرچم و تحت فرماندهی یک فرمانده، متحد سازد و از همه‌ی رنج‌ها و دردها رها سازد.

۱. انیشترین دانشمند و فیزیکدان بزرگ، بر این باور بود که: حکومت‌های متعدد خواه، ناخواه به نابودی بشر منجر خواهند شد؛ و مردم جهان سرانجام باید یکی از این دو راه را انتخاب کنند: یا باید حکومت جهانی با کنترل بین‌المللی انرژی تشکیل شود، و یا حکومت‌های ملی جداگانه‌ی فعلی، همچنان باقی بمانند و منجر به انهدام بشر شوند.^۱

۲. برتراند راسل دانشمند و اندیشمند مشهور انگلیسی در ضمن بحث مهمی پیرامون لزوم تشکیل حکومت واحد جهانی می‌نویسد: اکنون از لحاظ فنی مشکل بزرگی در راه یک امپراتوری وسیع جهانی وجود ندارد؛ و چون هم اکنون خرابی‌های جنگ بیش از قرون گذشته است، یا باید حکومت واحد جهانی را بپذیریم، و یا این که به عهد بربریت برگردیم و به نابودی نژاد انسان راضی شویم.^۲

^۱ جهان بعد از ظهور، ص ۸۰، به نقل از مفهوم نسبیت انیشترین، ص ۳۵.

^۲ تأثیر علم بر اجتماع، ص ۵۶.

۳. دانه ادیب مشهور ایتالیایی نیز می‌گوید: واجب است که تمام زمین و جماعتی که در آن زیست دارند به فرمان یک امیر باشند، که آنچه را مورد حاجت است، مالک باشد، تا جنگ واقع نشود و صلح و آشتی برقرار شود.^۱
۴. کانت اندیشمند مشهور آلمانی می‌گوید: ایجاد نظم جهانی، منوط به وضع یک قانون جهانی است. این همان است که مذاهب آن را خواسته‌اند؛ و این همان است که پیامبران از دورانی بس کهن، برای تحقق بخشیدن به آن به‌پا خواسته‌اند و خروش‌ها برآوردند، و بدین گونه خواستند روشنگر تاریکی‌ها باشند.^۲
۵. مهاتما گاندی رهبر آزادی‌بخش هند گوید: اگر این جهان نتواند روزی به صورت جهانی واحد در آید، هیچ میلندارم در آن زندگی کنم.^۳
- آری! امروز موج گسترده‌ای در جهان پدید آمده که در آن روانشناسان، دانشمندان و اندیشمندان از راه‌های نجات بشر، بازگشت انسان به خویشتن و حکومت واحد جهانی سخن می‌گویند. آنها معتقدند که اوضاع کنونی جهان قابل دوام نیست و امروزه جهان بشریت بر سر دو راهی مرگ و حیات قرار گرفته است. توجه خاص دانشمندان به «بازگشت به معنویت» و «تشکیل حکومت واحد جهانی» نشان دهنده‌ی این واقعیت است که آنها از مشعل‌داران دانش و علوم مادی و پیش‌قراولان تمدن کنونی و حکومت‌های فعلی جهان مأیوس شده و دیگر امیدی به مُنادیان آزادی و مدعیان دروغین بشر دوستی، برای رهایی محرومان و مستضعفان جهان را از زیر چکمه‌ی جنایتکاران تاریخ ندارند..
- آن‌ها نیز هم‌چون سایر اقوام و ادیان و مذاهب بر این باورند که کلید نجات جهان در دست منجی‌ای آسمانی است که در آخرالزمان به پا خواهد خواست و جهان را از آلودگی‌ها پاک و انسان را به حقیقت انسانی خود، بر پایه‌ی آیینی آسمانی باز خواهد گرداند.

^۱ امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۳۳۲.

^۲ یاد حضرت مهدی، ص ۶۲.

^۳ همه‌ی مردم برابرند، ص ۲۱۴.

.....-۴-

.....

.....

.....

.....

.....

ادیان و مذاهب، نوید بخش ظهور منجی

بر اساس تعالیم انبیا و نویدهای کتب آسمانی و مقدس ادیان دیگر، علی‌رغم بدبینی بی‌شماری که نسبت به آینده‌ی جهان دیده می‌شود، به این نکات اشاره شده است که: «اوضاع کنونی جهان قابل دوام نیست؛ دیر یا زود گردونه‌ی زمان به نفع محرومان خواهد چرخید، و چهره‌ی جهان دگرگون خواهد شد؛ مفساد اجتماعی و کشمکش‌های کنونی جای خود را به آرامش و امنیت خواهد داد و چشم‌انداز آینده‌ی جهان و سرنوشت بشر روشن است.»

نگاهی کوتاه به کتاب‌های مذهبی ادیان گوناگون این امر را به خوبی نشان می‌دهد که وقتی جهان دچار فتنه و آشوب گردد، آتش ظلم و بیدادگری همه‌ی جهان را فرا گیرد، جنگ‌های خانمان‌سوز و ویران‌گر مردمان جهان را به ستوه آورد، زمامداران جهان از اداره‌ی امور کشورها عاجز و ناتوان گردند، برای خاموش کردن آتش فتنه‌ها و جنگ‌ها راه چاره‌ای نیابند، در این موقعیت حساس و بحرانی، مصلح بزرگ جهان با اتکا به قدرت الهی، قیام خواهد کرد؛ به یک اصلاح عمومی در تمام جهان دست خواهد زد، زورگویان، زورمداران و قدرت‌طلبان افسارگسیخته‌ی عالم را سر جای خود خواهد نشاند و به همه‌ی بدبختی‌ها، تیره‌روزی‌ها و گرفتاری‌های بشر خاتمه خواهد داد.

آنچه در ادامه‌ی این مبحث می‌آید، ارائه‌ی مطالبی از کتاب‌های مقدس سایر ادیان در مورد منجی آخرالزمان است.

۱. بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب‌های مقدس هندیان:

- در کتاب «اوپانیشاد» که یکی از منابع و کتاب‌های معتبر هندوها به شمار می‌آید، بشارت به ظهور موعود عدل‌گستر چنین آمده است: «این مظهر ویشنو (مظهر دهم) در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی، در حالی که شمشیر برهنه‌ی درخشانی به صورت ستاره‌ی دنباله‌دار در دست دارد، ظاهر می‌شود و شیرین را تماماً هلاک می‌سازد، و خلقت را از نو تجدید و پاکی را رجعت خواهد داد... این مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد.»^۱

^۱ اوپانیشاد، ترجمه‌ی محمد داراشکوه (از متن سانسکریت) ج ۲، ص ۶۳۷.

.....
.....
.....
.....
.....
.....

- در «پاتیکل» که از دیگر کتاب‌های مقدس هندیان می‌باشد بشارت ظهور حضرت مهدی این‌گونه آمده است: «چون مدت روزها تمام شود، دنیای کهنه نو شود و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا شود از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی «ناموس آخر الزمان» و دیگری «صدیق اکبر»، یعنی وصی بزرگتر وی که «پشن^۲» نام دارد. و نام آن صاحب ملک تازه، «راهنما» است، به حق، پادشاه شود و خلیفه‌ی «رام^۳» باشد، و حکم براند، و او را معجزه بسیار باشد، هر که پناه به او برد و دین پدران او اختیار کند، سرخ‌روی باشد نزد رام.
- و دولت او بسیار کشیده شود، و عمر او از فرزندان «ناموس اکبر» زیاده باشد، و آخر دنیا به او تمام شود. و از ساحل دریای محیط و جزایر سرانندیب و قبر بابا آدم و از جبل القمر تا شمال هیکل زهره، تا سیف البحر و اقیانوس را مسخر گرداند، و بتخانه‌ی «سومنات» را خراب کند. و «جگرنات» به فرمان او به سخن آید و به خاک افتد، پس آن را بشکند و به دریای اعظم اندازد، و هر بتی که در هر جا باشد بشکند.»^۴
- در کتاب «جوک» که از آن رهبر جوکیان هندو است و او را پیامبر می‌دانند، در باره‌ی بشارت ظهور حضرت مهدی و رجعت گروهی از مردگان در دوران حکومت عدالت‌گستر آن حضرت، چنین آمده است: «آخر دنیا به کسی برمی‌گردد که خدا را دوست می‌دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او «خجسته» و «فرخنده» باشد. خلق را، که در دین اختراع‌ها کرده و حق خدا و پیامبر را پایمال کرده‌اند، همه را زنده گرداند و بسوزاند، و عالم را نور گرداند، و هر بدی را سزا دهد، و یک «کرور» دولت او باشد که عبارت از چهار هزار سال است، خود او و اقوامش پادشاهی کنند.»^۵
- در کتاب «دید» که از کتاب‌های مقدس هندیان است، بشارت ظهور حضرت مهدی این‌گونه آمده است: «پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای

^۱ بشارات عهدین، ص ۲۷۲؛ علائم الظهور، ص ۱۸.

.....-۴-.....

.....

.....

.....

.....

.....

خلایق باشد و نام او «منصور» باشد و تمام عالم را بگیرد، و به دین خود در آورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد، و هر چه از خدا بخواهد برآید.^۱

• در کتاب «دادتگ» که از کتاب‌های مقدس برهمنیان هند است، بشارت ظهور حضرت مهدی این‌گونه آمده است: «بعد از آن که مسلمانی در آخر الزمان به هم رسد و اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان و فسق عالمان و تعدی حاکمان و ریای زاهدان و بی‌دیانتی امینان و حسد حاسدان بر طرف شود و به جز نام چیزی از آن نماند، دنیا مملو از ظلم و ستم شود، و پادشاهان، ظالم و بی‌رحم شوند، و رعیت بی‌انصاف گردند و در خرابی یکدیگر کوشند و عالم را کفر و ضلالت و فساد بگیرد، دست حق به در آید و جانشین آخر «ممتاطا» ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد و بگردد همه جا (همه‌ی جهان را) و بسیار کسان را بکشد، و خلایق را هدایت کند، و آن در حالتی باشد که ترکان، امیر مسلمانان باشند، و [او] غیر از حق و راستی از کسی قبول نکند.»^۳

• در کتاب «ریگ‌ودا» که یکی از کتاب‌های مقدس در هند است، بشارت ظهور حضرت مهدی این‌گونه آمده است: «ویشنو (نجات‌دهنده)، در میان مردم ظاهر می‌گردد... او از همه کس قوی‌تر و نیرومندتر است... در یک دست «ویشنو» (نجات‌دهنده) شمشیری به مانند ستاره‌ی دنباله‌دار است و در دست دیگر انگشتری درخشانده دارد. هنگام ظهور وی، خورشید و ماه تاریک می‌شوند و زمین خواهد لرزید.»^۴

^۱ بشارات عهدین، ص ۲۴۵؛ او خواهد آمد، ص ۱۰۳؛ علائم الظهور، ص ۱۸.

^۲ ممتاطا: در زبان هندی به معنای «محمد» است.

^۳ علائم الظهور، ص ۱۸؛ او خواهد آمد، ص ۱۰۳.

^۴ او خواهد آمد، ص ۱۰۳ به نقل از کتاب ریک‌وادا، ماندالای ۴، ۱۶ و ۲۴.

- در کتاب «شاکمونی» که از کتاب‌های مقدس هندیان است، بشارت ظهور حضرت مهدی این‌گونه آمده است: «پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلاق دو جهان «کشن» بزرگوار تمام شود، و او کسی باشد که بر کوه‌های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند، و بر ابرها سوار شود و فرشتگان کارکنان او باشند، و جن و انس در خدمت او شوند، و از «سودان» که زیر خط «استوا» است تا سرزمین «تسعین» که زیر قطب شمالی است و ماورای بحار ماورای اقلیم هفتم و گلستان ارم تا باغ شداد را صاحب شود، و دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد، و نام او «ایستاده» باشد، و خداشناس باشد.»^۲

۲. بشارات ظهور حضرت مهدی در منابع زرتشتیان:

موارد زیادی در منابع زرتشتیان موجود است که در آن‌ها به ظهور منجی نوید داده شده است. قسمتی از آن‌ها را مرور می‌کنیم:

- در کتاب «زند» - که از کتاب‌های مقدس زرتشتیان است - درباره‌ی از بین رفتن ظالمان و وراثت صالحان که پس از درهم شکستن بیدادگران، زمام امور جامعه‌ی بشری را به دست خواهند گرفت، چنین آمده است: «لشکر اهریمنان با ایزدان دایم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد؛ اما نه به طوری که بتوانند ایزدان را محو و منقرض سازند؛ چه، در هنگام تنگی از جانب اورمزد - که خدای آسمان است - به ایزدان که فرزندان اویند یاری می‌رسد و محاربه ایشان نه هزار سال طول می‌کشد، آنگاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازند، و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند، و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار

^۱ کشن در لغت هندی اسم پیامبر اکرم است.

^۲ بشارات عهدین، ص ۲۴۲؛ علائم الظهور، ص ۱۷؛ او خواهد آمد، ص ۱۰۲.

.....-۴-.....

اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست.^۱

• جاماسب، در کتاب معروف خود «جاماسب نامه» - که حوادث گذشته و آینده‌ی جهان در آن ثبت شده، و احوالات پادشاهان، انبیا، اوصیا و اولیا را بیان می‌کند - ضمن مطالبی که از قول زرتشت راجع به پیامبران بازگو می‌نماید، در مورد پیامبر گرامی اسلام و دولت جاودانه حضرت مهدی و رجعت گروهی از اموات چنین می‌گوید: «پیغمبر عرب، آخر پیغمبران باشد که در میان کوه‌های مکه پیدا شود، شتر سوار شود و قوم او شترسواران خواهند بود، با بندگان خود چیز خورد و به روش بندگان نشیند، او را سایه نباشد و از پشت سر، مثل پیش رو ببیند. دین او اشرف ادیان باشد. و کتاب او باطل گرداند همه‌ی کتاب‌ها را و دولت او تازیک - یعنی پادشاهی - عجم را بر باد دهد و دین مجوس و پهلوی را بر طرف کند و نار سدیر و آتش‌کده‌ها را خراب کند و تمام شود روزگار پیشدادیان و کیانیان و ساسانیان و اشکانیان.»

آنگاه درباره‌ی ظهور مبارک حضرت مهدی چنین می‌گوید: «و از فرزندان دختر آن پیغمبر که خورشید جهان و شاه زنان نام دارد کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیغمبر باشد در میان دنیا، که مکه باشد و دولت او تا به قیامت متصل باشد و بعد از پادشاهی او دنیا تمام شود و آسمان جفت گردد و زمین به آب فرو رود و کوه‌ها برطرف شود، و اهریمن کلان را که ضد یزدان و بنده عاصی او باشد بگیرد و در حبس کند و او را بکشد.

نام مذهب او برهان قاطع باشد و حق باشد و خلاق را به یزدان بخواند، زنده گرداند خلق را از بدان و نیکان، نیکان را جزا دهد و بدان را سزا دهد. بسیاری از خوبان و پیغمبران زنده شوند و از بدان گیتی و دشمنان خدا و کافران را زنده گرداند و از پادشاهان اقوام خود را

^۱ بشارات عهدین، ص ۲۳۷.

زنده کند که فتنه‌ها در دین کرده باشند و خوبان بندگان یزدان را کشته باشند، و همه‌ی متابعان اهریمن و تبه‌کاران را بکشد و نام این پادشاه بهرام باشد...

و ظهور او در آخر دنیا باشد... و خروج او در آن زمان شود که تازیان بر فارسیان غالب شوند و شهرهای عمان خراب شود به دست سلطان تازیک، پس او خروج کند و جنگ کند و دجال را... بکشد.

و برود و قسطنطنیه را بگیرد و غلم‌های ایمان و مسلمانی در آنجا برپا کند. عصای سرخ شبانان با هودار (که موسی باشد) با او باشد و انگشتر و دیهیم سلیمان با او باشد و جن و انس و دیوان و مرغان و درندگان در فرمان او خواهند بود...

و همه‌ی جهان را یک دین کند و دین گبری و زرتشتی نماند. پیغمبران خدا و حکیمان و پری‌زادان و دیوان و مرغان و همه‌ی اصناف جانوران و ابرها و باده‌ها و مردان سفیدرویان در خدمت او باشند...^۱

۳. بشارات ظهور حضرت مهدی در تورات:

- در «زبور حضرت داود» که تحت عنوان «مزامیر» در لابلای کتاب‌های «عهد عتیق» آمده، نویدهایی درباره‌ی ظهور حضرت مهدی به بیان‌های گوناگون داده شده است و می‌توان گفت در هر بخشی از «زبور» اشاره‌ای به ظهور مبارک آن حضرت، نویدی از پیروزی صالحان بر شریران، تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم و آیین جاوید و مستقیم، موجود است. اینک متن زبور: «به سبب شریران خویش را مشوش مساز...» (۹) زیرا که شریران منقطع می‌شوند؛ اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد. (۱۰) و حال اندک است که شریر نیست می‌شود که هر چند مکانش را جستجو نمایی ناپیدا خواهد بود (۱۱) اما متواضعان وارث زمین شده از

^۱ لمعات النور، ج ۱، ص ۲۵-۳۳.

.....-۴-.....

کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد (۱۲) شریر به خلاف صادق، افکار مذمومه می‌نماید، و دندان‌های خویش را بر او می‌فشارد (۱۳) خداوند به او متبسم است، چون که می‌بیند که روز او می‌آید (۱۴) شریران شمشیر را کشیدند و کمان را چله کردند تا آن که مظلوم و مسکین را بیندازند، و کمان‌های ایشان شکسته خواهد شد (۱۶) کمی صدیق، از فراوانی شریران بسیار بهتر است (۱۷) چون که بازوهای شریران شکسته می‌شود و خداوند صدیقان را تکیه‌گاه است (۱۸).

خداوند روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود (۱۹) در زمان «بلا» خجل نخواهند شد و در ایام قحطی سیر خواهند بود (۲۰) لکن شریران هلاک خواهند شد و دشمنان خداوند، مثل پیه بره‌ها فانی؛ بلکه مثل دود تلف خواهند شد؛ (۲۲) زیرا متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند شد (۲۹) صدیقان وارث زمین شده، ابتدا در آن ساکن خواهند شد (۳۴) به خدا پناه برده، راهش را نگاه دار، که تو را به وراثت زمین بلند خواهند کرد و در وقت منقطع شدن شریران این را خواهی دید (۳۸) اما عاصیان، عاقبت مستأصل، و عاقبت شریران منقطع خواهند شد.^۱

• در کتاب «دانیال نبی» نیز بشارت ظهور حضرت مهدی مطابق بشارت‌های انبیای گذشته، چنین آمده است:

«امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده، قائم است، خواهد برخاست. و چنان زمان تنگی خواهد شد که از حینی که امتی به وجود آمده است تا امروز نبوده، و در آن زمان هر یک از قوم تو، که در دفتر مکتوب یافت شود، رستگار خواهد شد. و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد، اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجلت و حقارت جاودانی. و حکیمان مثل روشنایی افلاک خواهند درخشید، و آنانی که بسیاری را به راه عدالت رهبری می‌نمایند مانند ستارگان خواهد بود تا ابدالآباد.

^۱ عهد عتیق، کتاب مزامیر، مزمور ۳۷، بندهای ۹-۳۸.

اما تو ای دانیال! کلام را مخفی دار و کتاب را تا زمان آخر مهر کن. بسیاری به سرعت تردد خواهند نمود و علم افزوده خواهد گردید... خوشا به حال آن که انتظار کشد.^۱

۴. بشارات ظهور حضرت مهدی در انجیل:

بر اساس بشارات فراوانی که در کتاب انجیل آمده است، حضرت مسیح به دنبال قیام حضرت مهدی در «فلسطین» آشکار خواهد شد و به یاری آن حضرت خواهد شتافت، پشت سر حضرتش نماز خواهد گزارد، تا یهودیان و مسیحیان و پیروان وی تکلیف خویش را بدانند و به اسلام بگروند و حامی حضرت مهدی گردند. از این رو مسیح چه در دوران پیامبری اش و چه در آخرین لحظات قبل از عروجش، به یاران و شاگردان خود توصیه‌ها و سفارش‌های اکیدی درباره‌ی بازگشت خود به زمین نموده و آنان را در انتظار گذاشته و امر به بیداری، هوشیاری و آمادگی فرموده است. به جهت اثبات این ادعا، به قسمتی از این بشارات اشاره می‌شود:

- انجیل متی: «آسمان و زمین زایل خواهد شد؛ لیکن سخن من هرگز زایل نخواهد شد... اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد؛ حتی ملائکه‌ی آسمان، جز پدر من و بس؛ لیکن چنان که ایام نوح بود ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد بود... اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه‌ی مقدس خویش آید آن‌گاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست و جمیع امت‌ها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می‌کند؛ به قسمی که شبان میش‌ها را از بزها جدا می‌کند و میش‌ها را بر دست راست و بزها را بر چپ خود قرار دهد. آن‌گاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید: بیایید ای برکت‌یافتگان از پدر من! و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است به میراث گیرید.»^۲

^۱ کتاب مقدس، کتاب دانیال نبی، ص ۱۳۰۹، باب ۱۲، بندهای ۱-۱۲.

^۲ کتاب مقدس، انجیل متی، ص ۴۴، باب ۲۵، بندهای ۳۱-۳۴.

.....-۴-.....

- انجیل مرقس: «آن‌گاه عیسی در جواب ایشان سخن آغاز کرد که: زنهار کسی شما را گمراه نکند؛ زیرا که بسیاری به نام من آمده خواهند گفت که: من هستم و بسیاری را گمراه خواهند نمود. اما چون جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها را بشنوید مضطرب مشوید؛ زیرا که وقوع این حوادث ضروری است. لیکن انتها هنوز نیست. زیرا که امتی بر امتی و مملکتی بر مملکتی خواهند برخاست و زلزله‌ها در جای‌ها حادث خواهد شد و قطعی‌ها و اغتشاش‌ها پدید می‌آید و اینها ابتدای دردهای زه می‌باشد. لیکن شما از برای خود احتیاط کنید... ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد؛ نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. پس بر حذر و بیدار شده دعا کنید زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود.»^۱
- انجیل لوقا: «کمرهای خود را بسته، چراغ‌های خود را افروخته بدارید. شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند، که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد بی‌درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد... پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید.»^۲
- انجیل یوحنا: «و بدو قدرت بخشیده است که داوری هم بکند؛ زیرا که پسر انسان است. و از این تعجب مکنید، زیرا ساعتی می‌آید که در آن جمیع کسانی که در قبور می‌باشند آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد، هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات، و هر که اعمال بد کرد به جهت قیامت داوری»^۳

^۱ کتاب مقدس، انجیل مرقس، ص ۷۷، باب ۱۳، بندهای ۱-۹.

^۲ کتاب مقدس، انجیل لوقا، ص ۱۱۶، باب ۱۲، بندهای ۳۵-۴۰.

^۳ کتاب مقدس، انجیل یوحنا، ص ۱۵۲، باب ۵، بندهای ۲۶-۲۸.

- رساله‌ی پلوس به رومیان: «زیرا یقین می‌دانم که دردهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد، هیچ است...^۱ و آن‌که برای حکمرانی امت‌ها مبعوث شود، امید امت‌ها بر وی خواهد بود.»^۲

آن‌چه گذشت، بخشی از نویدها و بشارت‌های جاوید کتاب‌های مقدس بود که همه‌ی آن‌ها با مضامین مختلف، آمدن یک مصلح بزرگ جهانی به نام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه را در آخرالزمان نوید داده، و به روشنی گواهی می‌دادند که مسأله‌ی ظهور منجی عدل گستر اختصاص به اسلام ندارد؛ بلکه از نظر همه‌ی امت‌ها و ملت‌ها، امری مسلم و قطعی است، که بدون تردید تحقق خواهد یافت.

آری! مطابق وعده‌های انبیا و نویدهای کتاب‌های آسمانی، سرانجام روزی فرا خواهد رسید که ظهور قدرت و عدالت الهی، آخرین جانشین رسول گرامی اسلام بنیان‌گذار حکومت واحد جهانی مهدی موعود منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف از پشت پرده‌ی غیبت ظهور خواهد فرمود، و با ظهور مبارک او پرده‌های ظلمت به کنار خواهد رفت، تاریکی برچیده خواهد شد و پلیدی و ناپاکی را محو خواهد کرد و جهان مملو از پاکی و نور خواهد گشت.

به امید آن روز مبارک...

^۱ رساله‌ی پلوس رسول به رومیان، ص ۲۵۲، باب ۸، بند ۱۸.

^۲ رساله‌ی پلوس رسول به رومیان، ص ۲۶۱، باب ۱۵، بند ۱۲.

.....-۴-

.....

.....

.....

.....

.....

.....

سؤالات

- ۱- اعتقاد به ظهور منجی و مصلح جهانی در مطالعه‌ی جامعه‌های مختلف بشری و مکتب‌های فکری، چه نتیجه‌ای در پی دارد؟
- ۲- به اعتقاد برتراند راسل، برای آن‌که نژاد انسان به عهد بربریت باز نگردد و نابود نشود، چه مسأله‌ای را باید پذیرفت؟
- ۳- نام کتاب‌های مقدس هندیان که در آنها بشارت ظهور حضرت مهدی آمده است را بنویسید.
- ۴- لقب «قائم» از القاب حضرت مهدی را در تورات جستجو کنید و آن بخش از متن تورات را که به این مطلب اشاره کرده است، مرقوم کنید.

..... ✍

.....

.....

.....

.....

.....

مبحث دوم: اصالت مهدویت در اسلام

اعتقاد به ظهور مصلحی بزرگ از خاندان پیامبر اکرم، که برقرار کننده آرامش و امنیت همگانی و برپادارنده پرچم عدالت جهانی باشد، مورد قبول عموم مسلمین است و جز معدودی از مخالفین، همگی قیام رادمردی دادگستری موسوم به «مهدی» را چشم به راهند. لکن مخالفین دیر باور، چنین اعتقادی را ساخته و پرداخته شیعه می‌پندارند و برهان‌شان این است که چرا شیعیان بیشتر از اهل تسنن دم از مهدی می‌زنند؟ و چرا ارادت بیشتری به ساحت قدس او دارند؟ در پاسخ باید گفت: این چگونگی به علت برتری شیعیان در زمینه علم حدیث و دسترسی به تعلیم نبی مکرم و عترت پاک او است و از رهگذر بشارات همین بزرگواران است که شخصیت والای مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را بهتر و روشن‌تر می‌شناسد. از سویی دیگر، پذیرش امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و سلسله‌ی پاک پدران ایشان به عنوان خلفای پیامبر اکرم و حجت‌های الهی پس از نبی مکرم در استواری این اعتقاد بسیار مؤثر بوده است. برای پاسخگویی کامل به این سؤال دو راه در پیش داریم:

راه اول: بررسی کتاب‌ها و نظرات دانشمندان اهل تسنن

دانشمندان دینی اهل تسنن در بیشتر از صد کتاب خود روایاتی را نقل کرده‌اند که پیرامون مهدی منتظر و قیام شکوه‌مند او سخن می‌گویند.^۱ جالب‌تر این که بیش از سی نفر از بزرگان علمای عامه، کتاب‌هایی مستقل درباره مهدویت و خصائص قائم موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نگاشته‌اند و اصالت این عقیده و صحت روایات این مبحث را اثبات کرده‌اند.

^۱ نام این کتاب‌ها و برخی از احادیث آنها را در کتاب شریف «عَبَقَاتُ الْأَنْوَارِ» مرحوم میرحامد حسین و جلد هفتم «اثبات الهداة» مرحوم شیخ حر عاملی و «المهدی» مرحوم صدر و «مُتَخَبُّ الْأَثَرِ» مرحوم آیت الله صافی گلپایگانی می‌توان یافت.

..... ۴- ..

.....

.....

.....

.....

.....

در اینجا به نام ده نفر از ایشان اشاره می‌کنیم:

۱. حافظ ابوداود سجستانی؛ نویسنده کتاب المهدی () (بخشی از سنن ابی داود).
۲. حافظ ابونعیم اصفهانی؛ نویسنده الاربعین و مناقب المهدی و صفة المهدی ().
۳. حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی؛ نویسنده البیان فی اخبار صاحب الزمان ().
۴. حافظ جلال الدین عبدالرحمن سیوطی؛ نویسنده عرف الوردي فی اخبار المهدی ().
۵. حافظ شهاب الدین ابن حجر هیثمی؛ نویسنده القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر ().
۶. شیخ جمال الدین یوسف دمشقی؛ نویسنده عقد الدرر فی اخبار الامام المنتظر ().
۷. علاء الدین متقی هندی؛ نویسنده البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان () و تلخیص البیان.
۸. ابوالمعارف قطب الدین دمشقی؛ نویسنده الهدیة الندیة.
۹. شمس الدین محمد بن طولون؛ نویسنده المهدی () الی ما ورد فی المهدی.
۱۰. ملا علی القاری؛ نویسنده المشرّب الوردي فی مذهب المهدی ().

و این است بخشی از آن چه بزرگان محدثین اهل تسنن در کتاب‌های خود آورده‌اند؛ که در برابر تمام نقل‌های آنان جزئی بیش به حساب نمی‌آید.

* بررسی برخی از احادیث آمده در کتاب‌های اهل تسنن:

الف - رسول اکرم بارها این مضمون را فرمودند که: «مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ»^۱؛ هر

کس خروج و قیام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) را منکر شود به تحقیق کافر خواهد بود.^۲

ب - پیامبر اکرم روایات فراوانی دارند که مضمون همه‌ی آنها این است: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا

يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ وَلَدِي اسْمُهُ اسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا

^۱ «عرف الوردي فی اخبار المهدی» از حافظ سیوطی، و کتاب «الیقین» از نادره الفلک حافظ محمد نظری و «اخبار المهدی» از ابوبکر بن خثیمه و بسیاری کتاب دیگر که نام آنها در کتاب «عَبَقَاتُ الْأَنْوَارِ» و «المهدی» و «مُتَخَبُّ الْأَثَرِ» آمده است.

^۲ متخَبُّ الْأَثَرِ، فصل ۲، باب ۱.

مُلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»! اگر از بقای دنیا یک روز بیشتر نمانده باشد، خدا آن روز را آنچنان دراز می‌گرداند، تا مردی از خاندان مرا برانگیزاند که نامش نام من و کنیه‌اش کنیه‌ی من است و زمین را از عدالت و داد آکنده سازد، همان‌گونه که از ستم و بیداد پر شده باشد.^۲

ج - نبی معظم اسلام در بیان فرجام کار امت اسلام چنین فرمودند:

در آخر الزمان بلای شدیدی به امت من از پادشاهان می‌رسد، بلایی که اشدّ از آن شنیده نشده؛ تا جایی که زمین پهناور برایشان تنگ گردد و ستم و بیداد زمین را فرا گیرد و اهل ایمان هیچ پناهگاهی نمی‌یابند که از فشار بی‌عدالتی بدان پناه برند. در این هنگام خداوند مردی از خاندان مرا برمی‌انگیزد تا زمین را همان‌گونه که از جور و جفا پر شده از برابری و داد مالا مال گرداند. اهل زمین و آسمان از او خشنود خواهند شد؛ و زمین آنچه در دل دارد بیرون می‌ریزد و آسمان آنچه داراست فرو بارد. مردگان در زمان حکومتش آرزوی حیات و زندگی می‌کنند؛ به خاطر نیکی‌ها و خوبی‌هایی که به سبب او به اهل زمین می‌رسد.^۳

با بررسی این مطالب به روشنی در می‌یابیم که برادران اهل تسنّن با بودن چنین شواهد روشنی، ناچارند مهدویت را به عنوان یک اصل اعتقادی در دین مبین اسلام بپذیرند؛ و بی‌خبران و مغرضان را نیز این توان نیست تا این اعتقاد بنیادین را از آیین مقدّس اسلام و تعلیم نبی اکرم دور بشمارند.

راه دوم: بررسی پدیده‌ی متمدیان

عقیده به ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دو پدیده‌ی مشابه در تاریخ اسلام به جا نهاده است: «منسوبین به مهدویت و مدّعیان دروغین مهدویت».

^۱ «سُنَن» ترمذی و «سُنَن» ابن ماجه و «المُسْتَدْرَك» حاکم نیشابوری و «يُنَابِيعُ الْمَوَدَّة» خواجه کلان قُندوزی و

^۲ منتخب الأثر، فصل ۲، باب ۱.

^۳ «المُسْتَدْرَك» حاکم نیشابوری و «صَوَاعِقُ» حافظ ابن حجر و «يُنَابِيعُ الْمَوَدَّة» خواجه قُندوزی و برخی دیگر.

..... ۴- ..

.....

.....

.....

.....

.....

عامل عمده‌ی پیدایش و گسترش این دو پدیده‌ی تاریخی، همانا انتظار سخت و چشم داشت شدیدی است که مردمان ستم‌دیده و بی‌پناه نسبت به نهضت یک منجی دادگستر داشته و دارند.

به عبارت بهتر، هر زمان که جور و جفای زمامداران شدت می‌یافت و بی‌عدالتی، بی‌نوایی و بیماری، طبقات محروم جامعه را در رنج و سختی می‌انداخته و سوز و ناله‌ی یتیمان و بیوه‌زنان دل شکسته، قلب‌های صاحب‌دلان را به آتش می‌کشیده است؛ توده‌ی مردم، رادمرد رشیدی را خواهان می‌شدند تا به این نابسامانی‌ها و پریشانی‌ها پایان بخشد.

در چنین فضایی گاه برخی شخصیت‌های خوشنام و نام‌آور، به خاطر دشمنی و ستیزشان با حکام بیدادگر، به عنوان «مهدی» شناخته و از سوی عده‌ای معرفی می‌شدند، بی‌آنکه خود داعیه‌ای داشته باشند.

گاهی نیز فرومایگانی وقت‌شناس و خدانشناس، به طمع قدرت و ثروت، خود را به ناحق منجی موعود و قائم منتقم می‌خوانند و جمعی سرخورده‌ی پریشان احوال و بی‌علم را به دور خود گرد می‌آورند.

گروه نخست همان «منسوبین به مهدویت» هستند و گروه دیگر به «مدعیان دروغین مهدویت» معروفند.

اینک برخی از مشهورترین آنها را با تحلیلی از عوامل مؤثر در پیشرفت‌شان بررسی می‌کنیم.

الف - منسوبین به مهدویت:

۱. محمد بن حنفیه: وی از فرزندان با فضیلت امیرمؤمنان است که از بزرگان بنی‌هاشم به شمار می‌رفت. پس از واقعه‌ی جانسوز کربلا و هلاکت یزید ملعون و قیام عبدالله بن زبیر، محمد بن حنفیه با او بیعت نکرد و لذا از طرف حکومت به زحمت افتاد و زندانی شد. در همین هنگام مختار پسر ابوعبیده‌ی ثقفی به بهانه‌ی خون‌خواهی امام حسین و یارانش در عراق بر حکومت شورید و چون لازمه‌ی خون‌خواهی این بود که او از جانب صاحب خون (ولی دم) مجاز و مأمور باشد، مختار به امام سجّاد روی آورد و چون آن حضرت به وی روی خوش نشان ندادند و آن کار را در صلاحیت او ندانستند، مختار به دروغ خویشتن را نماینده‌ی محمد بن حنفیه معرفی نمود و جمعی را برای رهایی او به مکه فرستاد، و آن‌ها وی را از زندان خلاص کردند.

...

.....

.....

.....

.....

.....

مختار با همین نیرنگ توانست هواخواهانی گردآورد و تا چندی بر کوفه و اطراف آن حکومت کند؛ لیکن چون محمد بن حنفیه را چهارمین امام و قائم موعود معرفی می‌کرد، محمد از او رنجید و رسماً اعلام کرد که مختار مرا برای پیشرفت و تمشیت امور خویش می‌خواهد؛ لذا از او کناره گرفت.

چندی بعد مختار در گرماگرم مبارزاتش شکست خورد و کشته شد؛ اما پیروانش که به «کیسانیه» معروف بودند، هم‌چنان بر مهدویت محمد بن حنفیه باقی ماندند و حتی مرگ محمد را باور نداشتند. آن‌ها وی را ساکن جبل رضوی (از کوه‌های حجاز) پنداشتند، و این اشتباه ناشی از برداشت غلط آن‌ها از سخنان پیامبر اکرم راجع به غیبت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. کیسانیه به غلط مرگ محمد بن حنفیه را به غیبتش تعبیر نمودند؛ تا امید باز یافته را از دست ندهند.

۲. زید بن علی بن حسین : این مرد پرهیزکار و با فضیلت - که از شدت نیایش و عبادت در مسجد النبی به ستون آن شهرت یافته بود- از جور و جنایت و جفا و خیانت دستگاه فاسد حکومت مروانیان به ستوه آمد و در کوفه بر ضد هشام بن عبدالملک قیام نمود و با یاران معدودی به نبرد با حکمران وقت پرداخت؛ لیکن در گرماگرم ستیز به سبب تیری که بر پیشانی‌اش نشست شهید گردید و یارانش شبانه وی را در اعماق نهری مدفون ساختند و آب بر آن مزار جاری نمودند؛ ولی خونخواران دیو سیرت بنی مروان، جسدش را یافتند و سرش را به عنوان پیش‌کشی به دمشق فرستاده و بدن خون آلودش را در کوفه به دار آویختند. بدن بی‌جان و برهنه‌ی او به مدت پنج سال در معرض باد و باران و آفتاب سوزان عراق بر سر دار در اهتزاز بود؛ تا این‌که ولید بن یزید به خلافت رسید و فرمان داد اندام متلاشی زید به آتش سوزانده شود و خاکسترش بر آب ریخته شود.

«زیدیه» یعنی پیروان جناب زید؛ چنین پنداشتند که او امامی به حق و قائم آل محمد بوده و پس از مردن باز خواهد گشت و قیام خواهد نمود.

۳. جارودیه: ایشان پیروان ابی جارود زیاد بن منذر می‌باشند و مذهبشان این است که امامت پس از پیامبر، خاص علی بن ابیطالب است و صحابه‌ای که او را رها نموده و دیگری را به خلافت برگزیدند، کافر شدند. آن‌ها امام حسن و امام حسین را پس از امیرالمؤمنین امام می‌دانند؛ ولی پس از آن دو بزرگوار، همه‌ی

..... ۴- ..

.....

.....

.....

.....

.....

فرزندان این دو امام را در امامت یکسان می‌شمارند و بر این باورند که هر یک از آنها که دارای علم و شجاعت بود و قیام نمود، وصی امام است.^۱

پیروان ابی‌جارود معتقدند چون امام حسین درگذشت، امامت به دو تن از اولاد آن دو رسید، که یکی علی بن حسین زین العابدین و دیگری حسن بن حسن بود. پس هر کس از فرزندان علی بن الحسین ادعای امامت نماید و چنین پندارد که امامت مخصوص فرزندان امام حسین است و در فرزندان امام حسن جا ندارد؛ امامت او باطل است، اما اگر کسی از فرزندان این دو امام قائل باشد که امامت مخصوص و شایسته برای اولاد آن دو امام است، و ادعای امامت کند و مردم نیز از او خوشنود باشند و گردش جمع شوند و با وی بیعت نمایند، رواست که امام باشد.^۲ این فرقه درباره‌ی امام مهدی اختلاف دارند. گروهی بر این باورند که مهدی منتظر همان محمد بن عبد الله بن حسن می‌باشد، که در مدینه و در حکومت منصور به قتل رسید. اما جمعی دیگر محمد بن قاسم بن علی بن الحسن را که در طالقان خروج کرد و در زندان معتصم از دنیا رفت را موعود اسلام می‌پندارند. در این جمع گروه سوم بر این باورند که یحیی بن عمر از نوادگان زید بن علی که در کوفه خروج کرد و در حکومت المُسْتَعِیْن بالله کشته شد همان موعود و منجی وعده داده شده است.^۳

۴. اسماعیلیه: پس از شهادت امام صادق، عمده‌ی شیعیان به امامت امام موسی کاظم قائل شدند و امامت را در فرزند بزرگ امامان، از نسل ایشان تا امام دوازدهم که در غیبت کبری است کشانیدند. اما گروهی قائل به امامت اسماعیل بن جعفر بن محمد شدند و گفتند که: حضرت صادق به نصی گفته است که: اسماعیل از بعد من امام است؛ ولی چون اسماعیل پنج سال پیش از شهادت پدر در سال ۱۴۵ هـ.ق در مدینه درگذشت و چون امامت از پدر به پسر می‌رسد و جز در مورد حسنین از برادر به برادر دیگری

^۱ معارف و معاریف، ج ۴، ص ۴۵.

^۲ تاریخ عقاید و مذاهب شیعه (المقالات و الفرق)، ص ۷۵.

^۳ بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۹.

منتقل نمی‌شود، امامت به فرزند اسماعیل محمد می‌رسد و نه به موسی بن جعفر که برادر اسماعیل است.

آنگاه پا فراتر می‌گذارند و ادعا می‌کنند که که امام صادق بر جان پسر خود اسماعیل، از شرّ بنی عباس ترسید؛ پس تقیه کردند و اعلام کردند که اسماعیل مرده است، در حالی که وی تا پنج سال پس از فوت پدر زندگی می‌کرده و او را در بازار بصره مشاهده کرده‌اند که مردی فلج را با مسّ دست شفا داده است. آنان در اسلام حضرت رسول اکرم را ناطق، حضرت علی را اساس، امام حسن و امام حسین و امام زین العابدین و امام باقر و امام صادق و پس از ایشان، اسماعیل را ائمه‌ی هفتگانه دانستند. محمد بن اسماعیل را قائم و خلفای فاطمی را جزء امامان دور قائم می‌دانند و می‌گویند هر امام را دوازده حجت باشد و هر یک از حجت‌ها در منطقه‌ای مخصوص از روی زمین، مأموریت دعوت و سرپرستی شیعه را برعهده دارند. اسماعیلیه علم و اعتقاد را غایت وجود بشر می‌دانند و به بهشت و دوزخ جسمانی معتقد نیستند و بهشت را نفس انسان کامل و دوزخ را نفس انسان جاهل و دور از خدا تأویل می‌کنند.^۱

ب - مدّعیان مهدویت:

۱- ابومحمد عبیدالله مهدی: او در نیمه‌ی دوم قرن سوم هجری آغاز به دعوت نمود و پس از سعی بسیار، به کمک یارانش در سال ۲۹۷ هجری قمری به حکومت رسید. او خود را مهدی امیرالمؤمنین خواند و شهر مهدیه را در شمال آفریقا ساخت و پایتخت خود قرار داد. وی پایه‌گذار حکومت فاطمیین در آفریقای شمالی است، که تا اواخر قرن پنجم هجری بر آن نواحی سلطه داشتند. مرگ او در سال ۳۴۴ اتفاق افتاد.

۲- محمد بن عبدالله بن تومرت: در نیمه‌ی اوّل قرن ششم در آفریقا قیام نمود و خود را رسماً مهدی موعود می‌خواند. مردی نیرنگ‌باز و بلند پرواز بود و به هر زشتکاری، بزهکاری، خیانت و جنایتی برای پیشبرد اغراض خویش و سرکوبی دشمنان دست می‌زد؛ تا سرانجام به فرمانروایی مراکش و برخی نواحی شمالی

^۱ معارف و معاریف، ج ۲، ص ۲۱۲.

.....-۴-

.....

.....

.....

.....

.....

آفریقا رسید. چون وی از دنیا رفت، جانشینانش حدود یک قرن بر شمال آفریقا و قسمتی از اسپانیا حکومت داشتند.

۳- مهدی گُرد: در قرن یازدهم هجری، در کشور عثمانی، جوانی یهودی به نام اسحاق خود را منجی یهود خواند و گروهی از یهودیان به وی توجّه نمودند. چون روحانیون مسلمان ترک، او را دَجّال لقب دادند، شهرت یافت که ظهور دَجّال مقدمه‌ی قیام حضرت مهدی است و نهضت او قریب الوقوع می‌باشد. در چنین موقعیتی فرزند یکی از شیوخ کردستان عثمانی، خود را مهدی اسلام نامید و چندین هزار گُرد را به دور خود گردآورد؛ و در پی این ماجرا هیاهویی به پا شد. به دستور سلطان عثمانی هر دوی ایشان یعنی مهدی دروغین و دَجّال را گرفته و به دربار شاه فرستادند. این دو نیز با ملاحظه‌ی جلال و عزّ و شکوت سلطان توبه کرده و حلقه‌ی غلامی شاه را به گوش آویختند و در شمار ندیمان او قرار گرفتند.

۴- میرزا غلام احمد قادیانی: وی از اهالی قادیان (بخشی از ایالت پنجاب هند) بود که در سال ۱۲۵۰ هجری قمری به دنیا آمد. او پس از مقداری تحصیل در نزد استادان و مدّتی خدمت در دستگاه حکومت انگلیسیان (چون در آن زمان هند جزء مستعمرات انگلستان و تحت اداره‌ی آن کشور بود) خود را مجدّد اسلام در قرن چهاردهم نامید و کتاب «براهین احمدیه» را در آخرین سال‌های قرن سیزدهم تألیف نمود. سپس پا را فراتر نهاده خود را مهدی موعود نامید و مسیح مَعهُود خواند و کتاب‌ها و رساله‌های بسیاری (نزدیک به هشتاد جلد) نگاشت. او سرانجام در سال ۱۳۲۶ هجری قمری درگذشت و در همان قادیان به خاک سپرده شد. از اصول اساسی فکری این مهدی دروغین، اطاعت کامل از حکومت انگلستان و منع مبارزه و جهاد مردم هند برای استقلال و آزادی بود.^۱ (تو خود حدیث مفصّل بخوان از این مجمل)

قرائنی نیز در دست می‌باشد که قادیانی در اواخر کار، خود را پیامبر هم نامیده بود.

۵- محمّد احمد بن عبدالله سودانی: او در آغاز جوانی جزو دراویش بود و تظاهر به زُهد و تقوی می‌نمود؛ اما به دلایلی از میان اهل طریقت به خواری و خفّت رانده شد؛ لذا از قُطب و مریدان کنیه به دل گرفت. همین عقده‌ی روحی، انگیزه‌ی او برای ادعای مهدویت گردید. محیط آشفته و فشار حکام ستمگر انگلیسی

^۱ تریاق القلوب، نوشته‌ی غلام احمد قادیانی.

و مصری نیز مردم سودان را مستعداً انقلاب کرده بود. در آغاز قرن چهاردهم هجری و در چنین شرایطی ندای قائمیت «محمد احمد» بلند گردید و در مدت کوتاهی عامه‌ی مردم سودان به دورش جمع شده، او را منجی خواندند. محمد احمد با عمال حکومت انگلستان و نیز با پادشاهان مصری به مبارزه پرداخت و چندین نبرد با آنها نمود که در اغلب آنها پیروز گردید و جمعی از افسران ارشد انگلستان نظیر کلنل هیکس و ژنرال گردون را با سپاهشان به قتل رساند و نابود نمود؛ چنان که در جنگ با کلنل هیکس از یازده هزار سرباز او فقط سیصد نفر زخمی و نیمه جان بازگشتند.

محمد احمد و مریدانش که درویشان نام داشتند، تمامی سودان را تصرف کردند و حکومت انگلستان (دولت گلاستون) را سخت به زحمت انداختند. اما در اوج پیروزی اجل گریبان این مهدی‌نما را گرفت و او پس از تب شدیدی مرد. محمد احمد بساط مهدویت خود را با تقلید مضحکی از دوران رسول اکرم برپا کرده بود. زنش را عایشه ام‌المؤمنین خواند و به اطرافیانش لقب ابوبکر و عمر و حسن بن ثابت و خالد بن ولید داده بود.

پس از مرگ محمد احمد، جانشین اولش ابو عبدالله تعایشی (ابوبکر) به جایش نشست که به هیچ وجه قدرت و اراده‌ی او را نداشت؛ لذا به دنبال برخورد با کلنل کیچر انگلیسی شکست خورد و سپاه او منهدم گردید و سودان بار دیگر به تصرف انگلیسیان درآمد؛ آن‌ها نیز پس از دست یافتن به قبر محمد احمد، از شدت کینه و خشم، جسد وی را درآوردند و جمجمه‌اش را به انگلستان فرستادند؛ و به قولی آن جمجمه هنوز در موزه‌ی بریتانیا موجود است.

۶- میرزا علی محمد شیرازی (معروف به باب): وی در نخستین روز ماه محرم سال ۱۲۳۵ هجری قمری در شیراز به دنیا آمد. پدرش میرزا محمد بزّاز بود که در آغاز کودکی او از دنیا رفت و مادرش فاطمه بیگم نام داشت. در خردسالی او را به مکتب خانه‌ی معمول آن زمان فرستادند. از قضا معلم این مکتب خانه از طایفه‌ی شیخیه (پیروان شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی) بود؛ از این رو به طور طبیعی آراء شیخیان از همان دوران کودکی در ذهن باب شکل گرفت.

.....-۴-

.....
.....
.....
.....
.....
.....

میرزا علی محمد در جوانی به شوق دیدار سید رشتی و بهره‌گیری از درس او رهسپار عراق شد و چند ماهی در درس او به فراگیری علوم معمول آن روز پرداخت. پس از بازگشت از عراق، میرزا علی محمد گاهی در شیراز و گاهی در بوشهر به کسب و کار پرداخت، و چون سید رشتی درگذشت میان شیخیان در مورد جانشینی او اختلاف پیش آمد. میرزا علی محمد نیز کوشید تا زیر عنوان «باب امام» بر مسند ریاست شیخیه تکیه زند و به رقابت با دیگر مدعیان برخیزد. چند ماه بیشتر از وفات سید رشتی نگذشته بود که سید باب، یکی از شیخیان به نام «ملا حسین بشرویه» را در شیراز دید و داعیه‌ی باییت خود را در شب پنجم جمادی الاولی سال ۱۲۶۰ هجری قمری بر او عرضه داشت. در آن شب ملا حسین از میرزا علی محمد دلیلی بر درستی سخنش خواست؛ و او نوشته‌ی کوتاهی در تفسیر سوره‌ی یوسف نوشت که بعدها این نوشته تکمیل شد، و نام «قیوم الاسماء» به خود گرفت. ما در اینجا برای شناخت ادعای باب خلاصه‌ی ترجمه‌ی قسمتی از آن را می‌آوریم:

«خداوند مقرر فرمود که این کتاب (تفسیر سوره‌ی یوسف) از نزد حضرت محمد بن حسن بن علی بن محمد بن... بن حسین بن علی بن ابی طالب بر بنده‌اش خارج شود تا برهان او بر اهل عالم باشد».^۱

در سال ۱۲۶۱ هجری قمری یکی از مریدان باب به دستور او در اذان اسلامی جمله‌ی «اشهد أن علیاً قبل نبیل باب بقیه الله» را افزود. و در توضیح این که: علی قبل نبیل مقصود همان میرزا علی محمد است؛ زیرا عدد نبیل و محمد به حساب ابجد یکسان می‌باشد و این عبارت بیان می‌دارد که میرزا علی محمد نایب و باب حضرت بقیه الله امام زمان است.

به هر حال پس از این رویداد، غوغایی در شیراز به پا شد و حاکم آنجا باب را احضار نمود. در آغاز سوء تفاهمی پیش آمد که به سبب آن سیلی محکمی بر گونه‌ی باب نواختند و میرزا علی محمد با خوردن همین یک سیلی دست از همه‌ی گفتارهای سابقش کشید و در پاسخ امام جمعه‌ی شیراز گفت: من نه وکیل قائم موعود هستم و نه واسطه‌ی بین امام غائب و مردم.^۲

^۱ رَحِیقِ مَخْتُوم، نوشته‌ی اشراق خاوری، ج ۱، ص ۲۲ (ص ۳۴ چاپ جدید).

^۲ تلخیص تاریخ نبیل، تألیف اشراق خاوری، ص ۱۳۸.

چند روز بعد نیز بر فراز منبر مسجد وکیل، در مقابل عموم مردم چنین بر زبان آورد: لعنت خدا بر کسی که مرا وکیل امام غایب بداند.^۱

بدین گونه میرزا علی محمد با زبونی و ناپایداری چشمگیری از ادعای بابت خود برگشت و بر خود و مریدانش لعنت فرستاد.

در اواسط سال ۱۲۶۲ هجری قمری با شیوع یک بیماری همه گیر، سید باب به یاری مریدانش به اصفهان گریخت و در آنجا مورد حمایت شدید حاکم شهر، منوچهرخان گرجی از سرسپردگان معروف همسایه‌ی شمالی ایران قرار گرفت. حاصل این حمایت بی دریغ این بود که میرزا علی محمد دوباره به هوس ریاست افتاد و بانگ بابت برداشت. کم کم در شهرها هیاهو شد و مردم از دولت مرکزی خواستند تا وی را از شهر بیرون برد. محمد شاه به معتمد الدوله گرجی فرمان داد تا وی را به تهران بفرستد، ولی معتمد، مردم را فریب داده، باب را به ظاهر با گروهی سوار به سوی تهران روانه نمود ولی در خفاء ترتیبی داد تا او را پنهانی به قصر خورشید که مسکن حاکم بود بازگردانند.^۲ چند ماهی نگذشت که اجل گریبان معتمد را گرفت و آنگاه راز سکونت باب در قصر خورشید برملا گشت. حاکم جدید موضوع را به تهران گزارش داد و دوباره فرمان آمد تا سید باب را روانه تهران کنند. سپس در نزدیکی پایتخت دستور دیگری آمد که وی را به آذربایجان برده در قلعه‌ی ماکو زندانی نمایند و چنین شد. کمتر از یک سال میرزا علی محمد در ماکو گرفتار بود و چون بایان به دیدار او می‌شتافتند و با مخالفین به ستیز می‌پرداختند، دولت وی را در جمادی الاولی ۱۲۶۴ هجری قمری به چهریق در حوالی شهر شاهپور آذربایجان فرستاد تا کمتر در دسترس مریدان باشد. به هنگام اقامت باب در چهریق، گروهی بابی به رهبری میرزا حسنعلی نوری و زن زیبایی به نام طاهره قزوینی در دشت مصفای بدشت (از توابع شاهرود) گرد آمده و نمایش شرم آوری را برپا ساختند. این فرومایگان اسلام را پایان یافته اعلام کردند و میرزا علی محمد را بر مسند پیامبری نشانده و ظهور او را قیامت کبری دانستند و سرانجام خود را خدای عالمیان خواندند!!

^۱ تلخیص تاریخ نبیل، ص ۱۴۱.

^۲ تلخیص تاریخ نبیل، ص ۲۰۰.

.....-۴-

.....

.....

.....

.....

.....

آنگاه چون هنوز سید باب آئین تازه‌ای نیاورده بود خود را بی‌تکلیف شمردند و به هرزه‌گری و پرده‌دری پرداختند!! تا جایی که برخی از مریدان باب با شنیدن این کردار ناهنجار دست از بایبگری برداشتند و ملاحسین بشرویی که لقب «باب‌الباب» داشت، حاضران در دشت بدشت را لایق تنبیه شدیدی چون کیفر اعدام دانست.

به دنبال این پیشامد، ولیعهد زمان یعنی ناصر الدین میرزای قاجار به فرمان پدرش محمد شاه، میرزا علی محمد را به تبریز فراخواند تا کاوش بیشتری در افکار او شود. در اولین هفته ورود به تبریز، سید باب خود را به یکی از مریدانش برای نخستین بار قائم موعود اسلام معرفی نمود و به پیروی از بدشتیان داعیه‌ی مهدویت کرد.^۱

به هر حال، مجلس با حضور ولیعهد و چند تن از آخوندهای درباری که بیشتر شیخی مسلک بودند برپا گردید و پس از گفت و شنودی پراکنده، سرانجام اهل مجلس در اختلال حواس باب، هم رأی شدند و او را نابخرد انگاشتند. آنگاه برای آزمودن وی پاهایش را به چوب بستند؛ میرزا علی محمد با خوردن یازده ضربه چوب به پوزش و بخشش خواهی پرداخت و لایه و انابه آغاز کرد تا رها گردد. سپس توبه نامه‌ای به ولیعهد نگاشت و در آن خود را از هر گونه داعیه‌ای بیزار و برکنار خواند و از رفتار و گفتار گذشته‌اش چنین توبه نمود:

اگر کلماتی که خلاف رضای او بوده از قلم جاری شده غرضم عصیان نبوده و در هر حال مستغفر و تائبم حضرت او را؛ و این بنده را مطلق علمی نیست که منوط به ادعایی باشد
أستغفر الله وأتوب إليه من أن ينسب إليّ أمر؛ و بعضی مناجات و کلمات که از لسان جاری
شده دلیل بر هیچ امری نیست و مدعی نیابت خاصه حضرت حجه الله را محض ادعا مبطل
است و این بنده را هیچ ادعایی نبوده و نه ادعایی دیگر...^۲

اندک زمانی بعد، باب را به چهاریق بازگرداندند و در همین ایام (شوال ۱۲۶۴ هجری قمری) محمد شاه از دنیا رفت و کشور به نابسامانی گرایید. در این فرصت پیروان باب سر به شورش برداشته، سه جنگ خونین

^۱ تلخیص تاریخ نبیل، ص ۳۱۷.

^۲ کشف الغطاء، نوشته‌ی ابوالفضل گلپایگانی، ۲۰۴ و ۲۰۵.

داخلی در سه منطقه ایران به راه انداختند. نخستین نبرد در نزدیکی شهر شاهی (کنار مقبره‌ی شیخ طبرسی) به رهبری ملاحسین بشرویی در رجب ۱۲۶۵ هجری قمری آغاز گردید، که با نابودی بایان و قتل باب الباب پایان یافت. دومین جنگ را یحیی دارابی در نیریز فارس برپا نمود و با شکست و مرگ او در شعبان ۱۲۶۶ هجری قمری این خونریزی پایان داده شد. سومین نبرد نیز در زنجان به سرکردگی ملا محمد علی زنجان‌ی در ربیع الاول ۱۲۶۷ هجری قمری درگرفت و با قتل او این نبرد نیز پایان یافت. این سه جنگ برای هر دو حریف آسیب جانی و زیان مالی فراوان به بار آورد و انگیزه‌ای برای حکومت، جهت اعدام سید باب گردید.

بهائیان جانفشانی رزم آوران این نبردها را، برهان درستی و صحت ادعای مهدویت باب می‌شمردند، در حالی که این سخن گزافی بیش نبود؛ زیرا اگر فداکاری بایان دلیل بر حقانیت باب باشد، جانفشانی مسلمانان نیز شاهد نادرستی ادعای وی خواهد بود. (حقیقت نیز این است که شکست و پیروزی یا فرار و جانبازی پیروان یک آیین نمی‌تواند ملاک حقانیت آن‌ها باشد. جالب‌تر این‌که هدف جنگجویان آن سه نبرد بنا بر مدارک تاریخی تقویت مقام مهدویت باب نبوده، بلکه ایشان با پذیرش بابیت میرزا علی محمد برای قیام حضرت حجت و آماده ساختن زمینه‌ی نهضت او کوشیدند.)

سید باب در چهریق، دور از مریدان به سر می‌برد و بی‌خبر از آنان به ادعاهای گزاف و ناروا زبان می‌گشود. او کتابی به نام «بیان» در دو قسمت عربی و فارسی نگاشت و در آن کتاب، خود را موعود اسلام خواند و به نسخ احکام قرآن پرداخت و سرانجام در سال آخر عمر با نگارش رساله‌ی «هیکل الدین» مقام خود را به خدایی ترقی داد!! و البته مریدان وی به سبب تماس نداشتن با او تا زمان مرگ باب یا حتی سالیانی پس از آن، از چنین گزافه‌گویی‌هایی آگاهی نداشتند و بعدها با انتشار کتاب باب، این ادعاها برملا گشت.

در اوج جنگ‌های داخلی بود که دولت وقت به ریاست مرحوم امیرکبیر چاره را در نابودی باب دید و با اینکه علما وی را پریشان عقل دانسته، قتلش را جایز نمی‌دیدند؛ حکومت از برخی آخوندهای شیخی فتوا گرفت و او را در تاریخ ۲۸ شعبان ۱۲۶۶ هجری قمری در تبریز تیرباران کرد.

.....-۴-

.....

.....

.....

.....

.....

.....

در اینجا نکته‌ی مهم، توجّه بسیار زیاد دولت روسیه به جریان تیرباران و جسد میرزا علی محمد می‌باشد؛ تا آنجا که کنسول روسیه در تبریز در مراسم حضور می‌یابد و گریست^۱ (اشک تمساح آیا این است یا اشک شادی؟). فردای آن روز فردی با نقّاشی چیره دست بر سر نعلاب آمده، از آن تصویری می‌کشد.^۲ جالب آن‌که مخفی کننده جسد یعنی احمد میلانی نیز از کسانی بود که تحت حمایت روسیه قرار داشت.^۳ این شواهد ما را در گفتار قبلی خود پیرامون منوچهرخان گرجی استوارتر می‌کند.

و اینچنین تاریخ‌نگین زندگانی میرزا علی محمد (باب) به پایان می‌رسد. اما متأسفانه هم‌اکنون پیروان و جانشینان او در سراسر جهان با حمایت اسرائیل و دولت‌های مستکبر پراکنده شده‌اند و به تبلیغ این دین کثیف می‌پردازند.^۴

نتایج حاصل جهت اثبات اصالت و عمومیت مهدویت در بررسی تاریخ متمدیان

۱ - هر کالای تقلبی و بدلی زمانی در بازار مصرف رایج می‌شود که در جامعه نوع اصیل آن رواج داشته و مقبول مردم باشد. چنانچه در سرزمینی که الماس و گوهر را شناسند، الماس و جواهر بدلی و قلابی خریداری نخواهد داشت. همانگونه که امروزه اسکناس نهصد تومانی تقلبی هرگز مورد پذیرش واقع نخواهد گردید، زیرا اصلی ندارد. بر همین پایه، وجود پدیده‌هایی به نام منسوبین و مدّعیان، گواه بر این مطلب می‌باشد که مهدویت در اسلام اعتقادی اصیل و ریشه‌دار است؛ چرا که اگر مهدویت بی‌اساس و موهوم بود، معنا نداشت که شخصیت‌هایی چون زید بن علی به عنوان مهدی شناخته شوند و یا فرومایگانی چون ابن تومرت در سایه دعوی مهدویت به چنان قدرت و شوکتی برسند.

^۱ کواکب الدرّیه، ج ۱، ص ۲۴۸.

^۲ قرن بدیع، ج ۱، ص ۲۵۷؛ ظهور الحق، ص ۲۵.

^۳ کواکب الدرّیه، ج ۱، ص ۲۴۹.

^۴ جهت مطالعه‌ی بیشتر ر. ک. مجله‌ی ایام، شماره‌ی ۲۹.

۲ - از آنجا که عقیده به قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مردم ایجاد تحرک و انقلاب می‌نماید، بازار این مهدی‌نمایان گرم شده و می‌بینیم که در طول تاریخ رواج یافته و حتی پیشرفت‌هایی هم کرده‌اند؛ لکن هیچکدامشان را به عنوان مهدی واقعی نمی‌شناسیم؛ زیرا که علاوه بر نداشتن دیگر نشانه‌ها و شئون امامت، نتوانستند به وعده‌ی قطعی الهی یعنی برنامه عظیم و جهانی مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جامه عمل بپوشانند و جور و ستم را نابود سازند، برابری و دادگستری را تعمیم دهند و امنیت و آرامش عمومی در سایه حکومت جهانی اسلام را به ارمغان بیاورند. همین نکته برهان بزرگی بر ردّ ایشان است.

۳ - پیدایش این دو پدیده‌ی تاریخی در میان کلیه‌ی فرق اسلامی اعم از شیعه و سنی و رواج آنها در میان هر دو فرقه، بیانگر این مطلب است که مسئله مهدویت در بین همه‌ی مسلمین عمومیت دارد و عقیده‌ی منحصر به فرد شیعیان نمی‌باشد. بنابراین گفتار آنانی که مهدویت را ساخته‌ی شیعیان یا ایرانیان می‌دانند، با توجه به این نکته نظر آنها مردود خواهد بود.

نکات موجود در بررسی تاریخ منسوبین و مدّعیان مهدویت

الف - در برخی موارد، پیدایش یا گسترش این دو پدیده مرهون دسیسه‌های سیاسی می‌باشد. چنانچه پاره‌ای از منسوبین را سیاست پیشگان مکار به قصد گرفتن زمام حکومت، مشهور به مهدی ساختند؛ و آنگاه در سایه شهرت و محبوبیت ایشان به اغراض سیاسی و یا خواهش‌های نفسانی خویش نایل شدند. برخی از مدّعیان نیز مورد تأیید و تحریک، یا حمایت و حفاظت سیاست‌های استعماری بیگانگان بودند و آشکارا تشویق یا تقویت می‌شدند؛ که در فراز مربوط به میرزا علی محمد شیرازی (باب) نمونه‌هایی از آن را بررسی کردیم.

ب - در ایجاد مدّعیان دروغین مهدویت علاوه بر عوامل خارجی محیط، پاره‌ای عوامل درونی نیز دخالت داشته است.

.....-۴-

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مانند: غریزه‌ی جاه‌طلبی و انگیزه برتری جویی؛ که ناشی از روحيات پُر عقده و تمایلات سرکوفته می- باشد؛ مانند تعبیرات و تأویلات و توجیهات بی‌پایه و ابلهانه‌ای که نوعاً تراوش مغزهای به اصطلاح ریاضت کشیده و آفتاب خورده و خشکیده است.

ج - در جریان کار منسوبین برخی روایات ساختگی در تأیید ادعای مهدویت آنان از طرف مریدان و هواخواهانشان جعل و پراکنده شد که بعدها دستاویز مدّعیان برای اثبات خودشان گردید. دقت در مضامین آنها، عنایت به تاریخ منسوبین و مدّعیان، و توجه به دیگر احادیث مربوط به مهدویت، جعلی بودن این عبارات را آشکار می‌سازد، مانند این عبارت که عباسیان از آن در تأیید مهدویت محمد بن عبدالله نفس زکیه کمک گرفتند «إِنَّ الْمَهْدِيَّ إِسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ فِي لِسَانِهِ رَنْةٌ»؛ همانا نام مهدی محمد بن عبدالله است و در زبانش لکنت می‌باشد.

ایشان همچنین در روایات پیامبر اکرم به دنبال جمله‌ی «اسمه اسمی»؛ یعنی: اسم او اسم من است، عبارت: «و اسم أبيه اسم أبي»؛ و نام پدرش نام پدر من است، را زیاد کردند؛ و نیز برای تحکیم موقعیت، به ابومسلم خراسانی و دیگر سیاه‌جامگان، این عبارت به عنوان روایت وانمود گردید: «إِذَا رَأَيْتُمْ رَايَاتِ السُّودِ قَدْ جَاءَتْ مِنْ قَبْلِ الْخُرَاسَانِ فَاتُوهَا فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ اللَّهِ الْمَهْدِيَّ»؛ هرگاه دیدید پرچم‌های سیاه از جانب خراسان می‌آید پس به سوی آن بشتابید، زیرا که خلیفه‌ی خدا مهدی در بین ایشان است؛ و دیگر روایاتی که کیسانیه و زیدیه ساختند بر این که مهدی می‌میرد و آنگاه زنده می‌شود.

د - مدّعیان مهدویت می‌کوشیدند تا خود را با روایات مطابق نشان دهند و این تقلید کورکورانه و تطبیق ابلهانه، بدلی بودن آنها را بیشتر هویدا می‌ساخت، چنانچه ابن تومرت نامش را از آغار به محمد تغییر داد تا همنام حضرت مهدی (عج) شود و محمد احمد هم خیمه‌شب‌بازی زمان رسول خدا را به راه انداخت. برخی نیز چون مهدی بنگالی به مکه رفتند تا از آنجا دعوی خود را آغاز

نمایند؛ و میرزا علی محمد شیرازی هم به ملاحسین بشرویی فرمان داد تا با پرچم‌های سیاه از جانب خراسان حرکت کند.^۱

به امید ظهور یگانه‌امید ملت‌ها

سؤالات

- ۱- اصالت مهدویت نزد اهل تسنن را بررسی کنید و با دلایلی بیان فرمائید که مهدویت در نزد ایشان نیز جایگاه مهمی دارد؟
- ۲- متمهدی یعنی چه؟ بررسی پدیده‌ی متمهدیان چه اهمیتی دارد؟
- ۳- آیا فقط شیعیان مهدی‌نما داشته‌اند؟ چه نتیجه‌ی حاصل می‌شود؟
- ۴- شخصیت میرزا علی محمد شیرازی را بررسی و تحلیل کنید.

^۱ تلخیص تاریخ نبیل، ص ۳۲۸.

..... ۴- ..

.....

.....

.....

.....

.....



مبحث سوم: آشنایی بیشتر با مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه

با نظر به مباحث گوناگونی که در مورد مدعیان دروغین مهدویت مطرح شد؛ هر عقل سلیمی به این نکته پی می برد که: با توجه به اینکه شناخت و اطاعت از حضرت مهدی به عنوان امام زمان بر اساس فرمان الهی بر تمامی مردم واجب و لازم است؛ پس باید صفات، نشانه ها و ویژگی های ایشان را به درستی و بر اساس آیات قرآن و روایت رسیده از ساحت مقدس معصومین بشناسیم تا در حادثه ها و رخدادهایی همچون ظهور مدعیان دروغین، دچار سردرگمی و حیرت نشویم؛ و از امامی پیروی و اطاعت نماییم که تعیین شده از سوی خداوند متعال است. چنانچه ائمه ای معصومین نسبت به گرفتاری ها و سرگردانی های دوران غیبت که مردم به آن مبتلا می شوند، تذکرات و توصیه های بسیاری داشته اند.

اما دلایل دیگری نیز وجود دارد که با توجه به آنها درمی یابیم که شناخت و کسب معرفت نسبت به ساحت مقدس امام زمان مان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر تمامی مردم واجب و لازم است که در ذیل به اختصار به دو دلیل اشاره می نماییم:

الف) شرط نجات از مرگ جاهلی

شیعه و اهل تسنن روایت مهمی را - در حد تواتر - از رسول خدا نقل کرده اند به این عبارت که: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفِ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»! کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.

مرگ جاهلی یعنی مردن بدون شناخت خدا و رسول خدا و کسی که به معرفت امام زمان خود نایل نشده در واقع از گمراهی زمان جاهلیت که خدا و پیامبر اکرم را نمی شناختند خارج نشده است.

^۱ بحار الانوار، ج ۲۳، باب ۴؛ کمال الدین باب ۳۸، حدیث ۹؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۸۳ و ج ۳، ص ۴۴۶ و ج ۴، ص ۹۶؛ صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۳.

.....-۴-.....

از امام صادق درباره‌ی حدیث فوق سؤال شد که: «جَاهِلِيَّةٌ جَهْلَاءُ، أَوْ جَاهِلِيَّةٌ لَا يُعْرِفُ إِمَامَهُ؟»؛ منظور از جاهلیت جهل مطلق است نسبت به همه چیز، یا فقط نشناختن امام است؟ حضرت صادق در پاسخ فرمودند: «جَاهِلِيَّةٌ كُفْرٌ وَنِفَاقٌ وَضَلَالٌ»؛ یعنی جاهلیت او از سنخ جاهلیت کفار، منافقین و گمراهان است.

در واقع منظور از جاهلیت در روایت پیامبر اکرم، ایام کفر و ضلالت قبل از اسلام است. بنابراین معنای این حدیث چنین خواهد شد: اگر مسلمانی - یعنی کسی که توحید، نبوت، قرآن، قیامت و دیگر مبانی دین را پذیرفته، نسبت به واجبات دینی اهتمام داشته و آنها را اعم از نماز، روزه، حج، خمس و... را به درستی انجام می‌دهد - بمیرد و امام معصوم زمان خویش را نشناخته باشد، نامسلمان مرده و دین او همان کفر و ضلالت کفار و مشرکین قبل از اسلام تلقی خواهد شد و از اسلام، توحید، نبوت، تقوی و عبادات خود نفعی نخواهد برد.

دلیل این سرانجام برای چنین انسانی براحتی قابل اثبات است زیرا انسانی که امام زمان خود را شناسد در واقع خدا و فرستادگان او را نشناخته و این یعنی به سیر هدایت راه نیافته و بدیهی است که چنین انسانی در سیر ضلالت و گمراهی حرکت خواهد کرد، هر چند که به ظاهر اعمال عبادی را انجام دهد و دم از دین و دیانت بزند. این همان اتفاق تلخی است که برای پیروان مدّعیان دروغین مهدویت رخ داد. آنان تنها به دلیل عدم شناخت امام زمان خود، به پیروی از افرادی دروغگو و گمراه پرداختند و سرمایه‌ی عظیم و گرانقدر عمر و زندگانی‌شان را به نابودی کشاندند. هر چند که در بعضی موارد برخی از پیروان آنها با نیت خیر وارد این جریان شدند و شاید به انجام اعمال عبادی نیز می‌پرداختند؛ اما دلیل عدم معرفت امام زمان (عج) به وادی گمراهی و ضلالت افتادند.

^۱ اصول کافی ج ۱، ص ۳۷۷، حدیث ۳.

ب) معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شرط ایمان

هر انسان خداجوی و هر فرد مسلمان دوست دارد که زندگی خود را در مسیر سعادت که خداوند متعال و خالق هستی آن را تعیین نموده است طی کند و تا پایان عمر در این سیر گام بزند. به عبارت دیگر با ایمان زندگی کند و با ایمان نیز از دنیا برود.

اما به راستی ایمان چیست و چه کسی می تواند خود را در جرگه مومنان بشمارد؟ خداوند متعال در قرآن کریم بین اسلام و ایمان - مسلمان بودن و مؤمن بودن - تفاوت قایل شده است؛ آنجا که می فرماید:

﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ ءَأَمَّا قُلٌّ لِّمَ تُوْمِنُوْا وَلَكِنْ قُوْلُوْا أَسْلَمْنَا﴾! اعراب مدعی ایمان شدند، ای پیامبر به آنان بگو که ایمان ندارید، ولی بگویید که ما اسلام آوردیم.

پس بین مسلمان و مؤمن تفاوت است؛ اما این تفاوت در کجاست؟ مؤمن چه اعتقادی دارد که مسلمان ندارد؟

فردی از امام صادق درباره ی فرق اسلام و ایمان پرسید. امام فرمودند: «الإِسْلَامُ هُوَ الظَّاهِرُ الَّذِي عَلَيْهِ النَّاسُ: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَإِقَامُ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ وَحَجُّ الْبَيْتِ وَصِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَهَذَا الْإِسْلَامُ،

وقال: الايمان معرفة هذا الأمر مع هذا فإن أقرَّ بها ولم يعرف هذا الأمر كان مُسْلِمًا وكان ضالًّا! اسلام همان اعتقاد آشکاری است که مردم بر آن هستند؛ یعنی: گواهی به توحید خداوند متعال و نبوت پیامبر اکرم، برپا داشتن نماز و پرداخت زکات، انجام حج و روزه داری ماه مبارک رمضان؛ ولی ایمان عبارت است از اعتقاد به امامت اهل بیت همراه با مبانی قبل (توحید، نبوت و...)، پس اگر فرد به اسلام اقرار نمود و ولایت اهل بیت را شناخت مسلمان گمراه است (مؤمن نخواهد بود).

^۱ سوره ی حجرات، آیه ی ۱۴.

^۲ تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۱۲، حدیث ۵ (ذیل آیه ی فوق)؛ کافی، ج ۲، ص ۲۴ و ۲۵، حدیث ۴.

.....-۴-

.....

.....

.....

.....

.....

.....

در روایت دیگری ایمان را توصیف فرموده‌اند:

«لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْأَيُّمَةَ كُلَّهُمْ وَإِمَامَ زَمَانِهِ وَيَرْدَّ إِلَيْهِ وَيُسَلِّمَ لَهُ»؛ مؤمن نخواهد بود؛ مگر اینکه خدا و پیامبرش و همه‌ی امامان را بشناسد و به معرفت امام زمانش نائل آید و مسائل را به او ارجاع دهد و تسلیم فرمان او باشد.

با توجه به این دو روایت به روشنی درمی‌یابیم که شرط ایمان، معرفت داشتن، اعتقاد و باور به امام زمان است و این میسر نمی‌شود مگر با شناخت صحیح و درست. چنانچه اگر شخصی خدا، پیامبرش و تمامی امامان را بشناسد، اما نسبت به امام زمان خود بی‌معرفت باشد نمی‌تواند خود را مؤمن بداند، چرا که در جرگه‌ی ایمان وارد نشده است.

درگنجینه غنی حدیثی شیعه پیرامون خصوصیات وجود گرامی حضرت مهدی عجل الله فرجه روایات بسیاری موجود است که مقام مهدویت را در شخصیت والای حضرت حجة بن الحسن العسكري عجل الله تعالی فرجه الشریف اثبات، و از دیگر مدعیان و منسوبین نفی می‌کند. با دقت مختصری در مضامین این روایات، می‌توان دریافت که این ویژگی‌ها در هیچکس جز آن وجود مقدس جمع نیست و ما پیش از نقل برخی از آنها، فهرست چند دسته از این روایات را به همراه تعدادشان از کتاب شریف «منتخب الاثر» تألیف عالم بزرگوار آقای صافی گلپایگانی می‌آوریم تا بر اهل انصاف روشن گردد که این صفات و ویژگی‌ها مختص دوازدهمین امام شیعه است و بس.

۴۸ حدیث

حضرت مهدی هم کنیه‌ی رسول اکرم است.

۱۴۸ حدیث

حضرت مهدی نهمین فرزند امام حسین است.

۱۰۳ حدیث

حضرت مهدی هفتمین نسل از امام محمد باقر است.

۹۹ حدیث

حضرت مهدی فرزند ششم امام صادق است.

۹۸ حدیث

حضرت مهدی نسل پنجم امام موسی کاظم است.

۹۵ حدیث

حضرت مهدی چهارمین فرزند امام رضا است.

^۱ کافی، ج ۱، ص ۱۸۰، حدیث ۲.

- حضرت مهدی سومین نسل امام جواد است. ۹۰ حدیث
- حضرت مهدی نوهی امام هادی است. ۱۴۶ حدیث
- حضرت مهدی پسر امام حسن عسکری است. ۱۴۶ حدیث
- حضرت مهدی فرزند سیده‌ی کنیزان است. ۹ حدیث
- حضرت مهدی دوازدهمین و آخرین پیشوا از ائمه است. ۱۳۶ حدیث
- حضرت مهدی ولادتش از مردم پنهان است. ۱۴ حدیث
- حضرت مهدی م از بیعت و پیمان با ستمگران آسوده است. ۱۰ حدیث
- حضرت مهدی دارای غیبتی طولانی است. ۹۱ حدیث
- حضرت مهدی دو غیبت دارد که یکی طولانی و دیگری کوتاه است. ۱۰ حدیث
- حضرت مهدی عمری بس طولانی دارد. ۳۱۸ حدیث
- حضرت مهدی چهره‌ای جوان دارد که با مرور زمان پیر نگردد. ۸ حدیث
- حضرت مهدی دارای سنت‌ها و ویژگی‌های برخی از انبیاء است. ۲۳ حدیث

اینک به چند روایت که حاوی مضامین پیشین است توجه فرمایید:

۱ - نخستین روایت به «حدیث لوح حضرت صدیقه» مشهور است و مقدمه‌ی آن چنین است که امام صادق از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌نماید که: روزی جابر برای عرض تهنیت میلاد امام حسین مشرف به محضر حضرت فاطمه می‌شود و در آنجا لوحی سبز رنگ را می‌بیند که با خطی از نور بر آن مطالبی نگاشته‌اند. راجع به آن می‌پرسد و حضرت زهرا بیان می‌فرمایند که این نوشته از جانب خدا برای پدرم رسول الله هدیه آمده و ایشان آن را به من بخشیده‌اند سپس جابر رونوشتی از آن برمی‌دارد. این لوح مفصل بوده و مضامینی عظیم و متعالی دارد که ضمن آن نام پیامبر اکرم و جانشینان ایشان یک به یک آمده است. ما در اینجا فقط ابتدا، انتها و بخشی از آن را که مورد نظر می‌باشد، از کتاب شریف اصول کافی به عنوان شاهد می‌آوریم:

^۱ قسمت ترجمه اصول کافی کتاب الحجة، باب ما جاء فی الاثنی عشر والنص علیهم، ص ۴۷۰، حدیث ۳.

.....-۴.....

.....

.....

.....

.....

.....

«بسم الله الرحمن الرحيم هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَنُورِهِ وَسَفِيرِهِ وَحِجَابِهِ وَدَلِيلِهِ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ... أَخْرَجَ مِنْهُ الدَّاعِيَ إِلَى سَبِيلِي وَالْخَازِنَ لِعِلْمِي الْحَسَنَ وَ أَكْمَلَ ذَلِكَ بَابِيهِ مُحَمَّدَ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَبَهَاءُ عِيسَى وَصَبْرُ أَيُّوبَ فَيُذِلُّ أَوْلِيَائِي فِي زَمَانِهِ وَتَتَهَادَى رُؤُسُهُمُ التُّرْكُ وَالْدِّيَلَمُ ... أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ».

به نام خداوند بخشندهی بخشایشگر، این نوشته‌ای است از جانب خداوند دانای خردمند و عزیز، برای محمد () پیامبرش و فروغش و سفیرش و حجاب و راهنمای الهی که روح‌الامین آن را از نزد پروردگار عالمیان بر او آورده است... و از صلب او [امام هادی] حسن [امام عسکری] را خارج می‌سازم که دعوت کننده‌ی مردم به راه من است و خزانة‌دار دانایی من، و این سلسله را به فرزند حسن () یعنی «م ح م د» کامل می‌نمایم که او رحمت و نوازشی بر جهانیان می‌باشد و دارای کمال موسی و نورانیت عیسی و بردباری ایوب است. پس در زمان (غیبت) او دوستان من به خواری و ذلت افتند و سرهای آنان مانند سرهای ترکان و دیلمان به ارمغان برده خواهد شد... ایشانند که بر آنان درودهایی از جانب پروردگارشان باد و ایشانند که همانا به حق راه یافته‌اند.

۲ - شیخ صدوق در کتاب شریف «کمال الدین و تمام النعمه» خود روایت می‌کند که چون امام حسن مجتبی با معاویه مجبور به صلح گردید برخی مردم او را بر این کار ملامت کردند، حضرت ضمن بیان شواهدی بر صحت و درستی عمل خود چنین فرمودند:

«أَمَّا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَيَقَعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِّطَاعِيَةِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ الَّذِي يُصَلِّي رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُخْفِي وَلَادَتَهُ وَيُغَيِّبُ شَخْصَهُ لِّئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ ذَلِكَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ ابْنِ سَيِّدَةِ الْأِمَاءِ يُطِيلُ اللَّهُ عُمُرَهُ فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظْهِرُهُ بِقُدْرَتِهِ فِي صُورَةِ شَابِّ ابْنِ دُونِ الْأَرْبَعِينَ سَنَةً ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

آیا نمی‌دانستید که احدی از ما ائمه نیست مگر اینکه در گردنش بیعتی از گردنکشان زمانش می‌باشد به جز قائم () که روح الله مسیح بن مریم () پشت سرش نماز می‌گذارد. پس به درستی که خدا میلاد او را پنهان می‌نماید و خودش را غایب از انظار می‌نماید؛ برای اینکه هنگام خروج بیعتی در گردنش نباشد. او نهمین

نسل از فرزندان برادریم حسین و پسر بانوی کنیزان است. خدا عمرش را در غیبتش طولانی می‌گرداند. پس -خداوند متعال- به قدرت خود او را به صورت جوانی کمتر از چهل سال هویدا سازد به خاطر اینکه بداند خدا بر هر چیزی تواناست.^۱

۳ - شیخ صدوق همچنین در کمال الدین خود از امام صادق روایت مفصلی را آورده است که خلاصه گفتار ایشان را در اینجا به صورت چند فراز می‌آوریم:

«همانا خدای متعال برای قائم () ما سه خصوصیت از انبیاء پیشین مقدر فرموده، میلاد او مانند ولادت موسی () و غیبت او همچون عیسی () و تأخیر [در فرج] او مانند تأخیر [در فرج] نوح () تقدیر یافته و علاوه بر اینها خدا عمر طولانی عبد صالح خضر () را، دلیلی بر درازی عمر او قرار داده است... اما میلاد موسی ()، پس فرعون هنگامی که دریافت که پادشاهش به دست موسی () نابود خواهد شد دستور احضار کاهن‌ها را داد و ایشان نسب موسی () را که از بنی اسرائیل خواهد بود به او گفتند، و فرعون در جستجوی او قریب بیست هزار کودک را کشت ولی به نگهداری و صیانت الهی نتوانست موسی را بکشد؛ به همین گونه بنی‌امیه و بنی‌عباس لعنة الله علیهم چون واقف شدند بر اینکه نابودی حکومت‌های ستمگران به دست قائم () ما خواهد بود کینه و دشمنی ما را به دل گرفتند و شمشیرهایشان را در کشتن خاندان پیامبر انداخته‌اند به این خیال که در میان آنها قائم را کشته باشند و خداوند بزرگ نمی‌گذارد تا یکی از این ستمگران به کارش آگاهی یابد... و اما غیبت عیسی ()، پس همانا یهود و نصاری بر اینکه او کشته شده، اتفاق نظر داشتند و خدا با این آیهی شریفه «او را نکشتند و به دار نکشیدند بلکه امر بر ایشان مشته گردید»^۲ آنان را تکذیب فرمود و بدین سان در غیبت قائم هر آینه امت اسلام به خاطر طولانی بودنش آن را منکر خواهند شد. پس کسانی خواهند گفت که: تعداد ائمه به سیزده نفر یا بیشتر تجاوز خواهد کرد؛ و گوینده‌ای با این گفته عصیان می‌کند که روح قائم در هیکل دیگری گویا خواهد شد؛ و اما دیر کردن نوح [امام در اینجا به تفصیل داستان نوح () را بیان می‌فرماید که خدایش فرمان داد تا تعدادی هسته خرما

^۱ کمال الدین، باب ۲۹، حدیث ۲؛ منتخب الاثر، ص ۲۰۶.

^۲ سوره نساء، آیه ۱۵۷؛ «وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ».

.....-۴-

.....
.....
.....
.....
.....
.....

بکارد و چون به ثمر رسید، دستور آمد تا هسته خرماهای تازه را نیز دوباره بکارد تا درختی بروید و این عمل هفت بار تکرار شد تا آزمایش قوم نوح () انجام شد و سست‌ایمان‌ها شناخته شدند، پس خدا امر به ساختن کشتی از چوب آن درختان کرد و آنگاه امر به آمدن طوفان نمود^۱. و همین گونه در مورد قائم ما واقع می‌شود که ایام غیبتش به درازا می‌کشد؛ آنقدر که دارنده ایمان خالص و حقیقت ناب باقی بماند؛ و هر کس که زشت سیرت است مُرتد گردد... و اما بنده‌ی شایسته خدا خضر () پس خدای بزرگ عمر او را برای اینکه پیامبری باشد یا شریعتی بیاورد یا بر گروهی امامت کند دراز نگردانید؛ چون می‌دانست که برای قائم طول عمر و غیبت خواهد بود و مردم آن را انکار خواهند کرد عمر خضر () را بدون سبب دیگری و تنها برای رفع نگرانی مردم از این مقدار عمر، طولانی نمود تا برهان دشمنان باطل گردد...»^۱

پس بر اساس روایات صریح اهل بیت روشن شد که مهدی موعود اسلام دوازدهمین امام شیعه، «حضرت م ح م د بن الحسن بن علی بن... حسین بن علی بن ابی طالب» می‌باشد که در خفا و نهانی از سیده و بانوی کنیزان زاده شده است و زمانی بس دراز از مردم غایب و پنهان می‌گردد که در آن غیبت مردم درباره او به لغزش و اختلاف می‌افتند و پس از گذشت زمانی طولانی، در سن کهولت به صورت جوانی شاداب آشکار می‌شود و به هنگام خروج، بیعت و عهد هیچ ستمگر گردنکشی را به گردن ندارد.

در پایان باید به این نکته اشاره نماییم که به طور کلی هیچ یک از مهدی‌نماها این ویژگی‌ها را نداشته‌اند. در پایان ذکر این نکته خالی از لطف نیست که با بررسی زندگی مهدی نهادها به روشنی در می‌یابیم که هیچ کدام از آنها ویژگی‌های ذکر شده در روایات بالا را نداشتند.

به امید ظهور یگانه‌منجی حقیقی عالم...

^۱ کمال الدین، باب ۳۳، حدیث ۵۱؛ منتخب الاثر، ص ۲۵۸، حدیث ۱۲.

سؤالات

- ۱- در حدیث لوح، حضرت مهدی کدام ویژگی پیامبران را دارند؟
- ۲- در حدیث لوح، وضعیت دوستان حضرت مهدی چگونه توصیف شده است؟
- ۳- امام حسن علت غیبت حضرت مهدی ارواحنا فداه و جوان بودن ایشان هنگام ظهور را چه می‌دانند؟
- ۴- سه خصوصیت انبیای پیشین که حضرت مهدی دارند، کدام است؟
- ۵- به نظر امام صادق چرا حضرت خضر عمر طولانی دارند؟

..... ۴- ..

.....

.....

.....

.....

.....

مبحث چهارم: میلاد حضرت مهدی تا آغاز امامت

میلاد حضرت حجت قارن ایام حکومت خلفای ظالم عباسی بر ممالک اسلامی بود. چون بشارت نهضت کوبنده‌ی نام آن محمد بر اساس روایات معصومین و بنا به نوشته‌ی عموم مورّخین به گوش آن درّخیمان جورپیشه رسیده بود، در کمین بودند تا هرگاه اثری از او یافتند نابودش کنند. چنان که متوکّل عباسی در سال ۲۳۵ هـ. ق فرمان داد تا حضرت هادی و بستگان ایشان را از مدینه به سامراء (پایتخت حکومت) بیاورند و در محله‌ی «عسکر» سکنی دهند، تا تحت نظر باشند.^۱ معتمد عباسی نیز به شدّت در پی یافتن نوزاد امام عسکری بود و به گروهی مُفْتَش و قابله (زنانی که در امر زایمان و به دنیا آوردن کودکان مهارت داشتند) امر کرده بود که خانه‌های علویان، به ویژه خانه‌ی امام حسن عسکری را گاه و بی گاه بازرسی کنند تا اگر نوزادی یافتند که گمان می رفت موعود مسلمین باشد، او را بی درنگ نابود سازند.^۲ از این جهت است که در احادیث، ولادت پنهانی حضرت قائم را به تولّد مخفی حضرت موسی تشبیه نموده‌اند. گذشته از این، به بیان روایات، میلاد حضرت مهدی و نیز رشد و نمو ایشان در پنهانی و خفا بود تا حضرتش گرفتار حکام ستمکار و ناچار به بیعت با ایشان نشود.

آری، حضرت حجت در سحرگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ. ق از مادر گرامیش حضرت نرجس به دنیا آمد و بنا به مصالح و ضروریاتی که گفته شد، تا هنگام زایمان آثار خارجی حمل در ایشان هویدا نبود. لذا کسی از بارداری ایشان آگاهی نیافت و فقط در آن شب حسّاس و تاریخی، امام عسکری از عمّه‌ی محترمه‌اش حکیمه خاتون درخواست فرمود تا در منزل ایشان بماند و یاور زایمان نرجس خاتون باشد؛ و اینگونه شد که «حضرت مهدی» پنهان از دید مردم تولّد و پرورش یافت.

^۱ مَرْوَجُ الذَّهَبِ مسعودی.

^۲ کافی، باب مولدُ اَبی مُحَمَّد العسکری؛ و پاورقی صفحه‌ی ۲۸۶ منتخب الاثر.

دلایلی بر تولد آفتاب

از آنجا که پنهان بودن ولادت حضرت قائم دستاویز برخی مخالفین برای انکار وجود آن بزرگوار شده، در ادامه دلایلی بر وقوع تولد ایشان می‌آوریم:

۱ - احادیث بسیاری (که فهرست و نمونه‌هایشان را پیشتر آوردیم) دلالت دارند بر اینکه مهدی فرزند حضرت عسکری و نوهی امام هادی... و پنجمین نسل امام کاظم و... پشتِ نهم حضرت سیدالشهداء است. راستی، درستی، صداقت و امانت گویندگان این روایات، خود بنفسه برهان وقوع این ولادت است.

۲ - با توجه به ضرورت وجود امام و حجّت زنده در هر عصر و زمانی، و درگذشت امام حسن عسکری، می‌بایست که پس از ایشان خَلَف صالحی به عنوان حجت خدا بر روی زمین باقی بماند تا زمین از وجود حجّت و خلیفه‌ی الهی محروم نباشد.

۳ - احادیث فراوانی حاکی از این است که امام ابومحمد حسن عسکری، به طور کتبی و شفاهی به دنیا آمدن جانشین خود را به دوستان مخصوص و شیعیان شان خبر داده بودند؛ چنان‌که یکی از اصحاب ارجمند ایشان به نام «فضل بن شاذان»^۲ در کتاب غیبت خود ضمن احادیثی که دو موردش را در زیر می‌خوانید به این حقیقت اشاره می‌نماید:

الف - محمد بن عبدالجبار گوید: از مولایم امام حسن خواستار شدم تا امام و جانشین پس از خود را معرفی کنند. حضرت فرمودند: همانا امام بعد از من فرزندی می‌باشد که هم نام و هم‌کنیه‌ی رسول اکرم و آخرین خلیفه و حجّت حقّ متعال است.

پرسیدم: از کدامیک از همسرانت می‌باشد؟

فرمود: از آنکه نوهی پسری قیصر روم است. آگاه باش که فرزندی به زودی به دنیا می‌آید و سپس مدّت درازی از مردم غائب خواهد شد تا چون دنیا را ستم فراگیرد، قیام کند.^۳

^۱ تفصیل و توضیح بیشتر درباره‌ی این حقیقت را در مبحث بعدی خواهید دید.

^۲ وی در فاصله‌ی بین ولادت تا امامت حضرت قائم (۲۵۵-۲۶۰) از دنیا رفته و کتابش را هم در همین فاصله نوشته است.

^۳ منتخب الاثر، ص ۳۴۶.

.....-۴-

.....

.....

.....

.....

.....

ب - محمد بن علی بن حمزه گوید: از حضرت عسکری شنیدم که می فرمودند: ولی خدا و حجت او بر بندگان و خلیفه‌ی من، در شب نیمه‌ی شعبان سال ۲۵۵ به هنگام سپیده دم به دنیا آمد.^۱

شیخ صدوق نیز در کتاب «کمال الدین» خود از احمد بن حسن قمی روایت می کند که گفت:

از مولای ما ابومحمد حسن عسکری نامه‌ای به جدم احمد بن اسحاق رسید که به خط مبارک در آن مرقوم نموده بودند: فرزندی برایم زاده شد، پس خبرش از مردم پوشیده باشد که آن را فقط به خویشان نزدیک یا دوستان خاص خود اعلام خواهیم کرد.^۲

۴ - حکیمه خاتون دختر امام جواد که بانویی با فضیلت و مورد اعتماد و قابله‌ی حضرت حجت بوده اند؛ در مواقع متعددی جریان میلاد آن حضرت را به تفصیل بیان داشته‌اند.^۳

۵ - جمعی از خدمتکاران امام عسکری که از تولد حضرت مهدی با خبر شده یا ایشان را در کودکی در خانه‌ی پدرش دیده‌اند، به وجود آن حضرت گواهی داده‌اند. مانند: نسیم خادم، ماریه‌ی کنیز، ابونصر خادم و ابوغانم خادم که روایات آنها در عموم کتاب‌های حدیثی همچون کتاب شریف «کمال الدین» شیخ صدوق^۴ مندرج است.

۶ - گروه کثیری از شیعیان، آن حضرت را در ایام حیات پدر بزرگوارشان، زیارت کرده، از محضر ایشان بهره‌مند شد و کراماتی نیز دیده‌اند، مانند:

- ابراهیم بن محمد نیشابوری، که در حال فرار از چنگ حکومت، به خانه‌ی امام حسن وارد شد و به زیارت حضرت مهدی مفتخر گردید. طرفه این که ایشان به وی بشارت دادند که از گزند دشمن رهایی خواهد یافت و چنین نیز شد.^۵

^۱ منتخب الاثر، ص ۳۲۰.

^۲ کمال الدین، باب ۴۲، حدیث ۱۵؛ منتخب الاثر، ص ۳۴۶.

^۳ کمال الدین باب ۴۲، حدیث ۱۰۱؛ النجم الثاقب، حاجی نوری، باب ۱.

^۴ کمال الدین باب ۴۲، حدیث ۸۰۵؛ منتخب الاثر، فصل سوم.

^۵ غیبت، فضل بن شاذان؛ منتخب الاثر، ص ۳۵۳.

- هم چنین یک گروه چهل نفری در خانه امام، ایشان را مشاهده کردند و از غیبت آن حضرت و نیابت «عثمان بن سعید» با خبر شدند.^۱
 - کامل بن ابراهیم مدنی نیز از کسانی بود که از حضرت مهدی در منزل پدر بزرگوارشان پاسخ سؤال هایش را شنید.^۲ و بسیاری دیگر که شرح آنها در این مجال اندک نمی‌گنجد.
- ۷ - گروهی از مورّخین و مؤلفین اهل سنت نیز به وقوع ولادت حضرت مهدی یقین نموده و در کتاب‌های خود آن را نقل کرده‌اند.^۳
- ما ضمن بیان چند نمونه، علاقه‌مندان برای مطالعه مدارک بیشتر را به کتاب‌های «کشف الاستار» حاجی نوری و «المهدی» مرحوم صدر و «منتخب الاثر» (پاورقی باب اول از فصل سوم) صافی گلپایگانی و «دانشمندان عامّه و مهدی موعود» مرحوم علی دوانی ارجاع می‌دهیم.
- الف: حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی در کتاب «البیان فی اخبار صاحب الزّمان» در آخر باب بیستم می‌نویسد: «همانا مهدی پسر امام حسن عسکری () است و او از زمان غیبتش تاکنون زنده و باقی است و بقاء او به دلیل بقاء عیسی و خضر و الیاس () امتناعی ندارد».
- ب: حافظ نورالدین ابن صباغ مالکی در فصل دوازدهم «الفصول المهمّة» می‌نویسد: «ابوالقاسم محمد بن الحسن () در سامرا در نیمه‌ی شعبان سال ۲۵۵ هـ ق به دنیا آمد... و مادرش کنیزی نرجس نام بود».
- ج: شیخ سلیمان بلخی معروف به خواجه کلان در صفحه‌ی ۴۵۲ «ینابیع المودّة» خود چنین می‌نگارد: «پس خبر مسلم و حتمی نزد معتبرین و ثقات این است که: ولادت قائم در شب پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ در شهر سامرا واقع گردید».

^۱ غیبت، شیخ طوسی؛ منتخب الاثر، ص ۳۵۵ و ص ۳۴۸.

^۲ غیبت، شیخ طوسی؛ منتخب الاثر، ص ۳۵۵ و ص ۳۴۸.

^۳ بیشتر اینها امامت حضرت مهدی را مثل شیعه معتقد نبودند، بلکه از نظر تاریخی توکد را پذیرفته‌اند.

..... ۴-.

.....

.....

.....

.....

.....

و نیز باب ۵۲ کتاب خود را به ذکر ۱۲ داستان از کسانی که حضرت مهدی را در ایام حیات پدرشان دیده‌اند اختصاص داده است.

هم چنین در صفحه‌ی ۳۸۶ کتاب خود، از کتاب «فصل الخطاب» نوشته‌ی حافظ خواجه پارسا عبارات زیر را آورده است: «حضرت عسکری بجز ابوالقاسم محمّد منتظر فرزندی نداشت... در پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ به دنیا آمد و مادرش کنیزی نرجس نام بود. وی هنگام وفات پدر ۵ سال داشت و از آن زمان پنهان زیست می‌کند».

د: شیخ عبدالوهاب شعرانی در مبحث ۶۵ کتاب «اللیواقیت و الجواهر» درباره‌ی حضرت مهدی این گونه می‌نگارد: «و او از اولاد امام حسن عسکری می‌باشد و زاد روزش نیمه‌ی شعبان سال ۲۵۵ هـ ق است. او زنده و باقی است تا اینکه با مسیح () مجتمع شوند». وی سپس از دیدار شیخ حسن عراقی و حضرت مهدی سخن گفته و صحّت آن رویداد را تصدیق می‌نماید.

هـ: شبراوی در کتاب «اتحاف بحبّ الأشراف» صفحه‌ی ۱۷۹ پس از بیان حالات امام عسکری می‌گوید: «پس از خود فرزندش ابوالقاسم محمّد را به جای گذاشت... و پدرش از هنگام تولّد او را به خاطر دشواری ایام و ترس از خلفای عصر- چون که ایشان در آن اوقات بنی‌هاشم را می‌جستند و می‌گرفتند و به قصد نابودی آنان را به زندان انداخته یا به قتل می‌رسانند- پنهان و پوشیده می‌داشت».

بر این دانشمندان اهل سنت ده‌ها نفر دیگر را نیز می‌توان افزود که چنین حقیقتی را نگاشته‌اند و بر آن مهر تایید زده‌اند.

در مجموع، هر شاهد منصفی گواهی خواهد داد که اثبات حادثه‌ای مخفی و پنهانی، پس از گذشت دوازده قرن، بیش از این مقدار شاهد و برهان عقلی، نقلی و تاریخی لازم ندارد چنان‌که در دنیای امروز هم تصدیق پدر و گواهی قابله یا بیمارستان را برای اثبات تولّد فرزندی کافی می‌دانند.

نتیجه آن‌که: امام یازدهم را پسری هم نام و هم کنیه‌ی پیامبر بوده که به جانشینی ایشان منصوب شده است؛ و چون خواست پروردگار این بود که این وجود گرامی دچار آسیب و گزند دشمنان و گرفتار بیعت و پیمان

با ستمگران نشود، ولادتش از عامه‌ی مردم (به جز بعضی خواص) پوشیده و پنهان شد و در زمان حیات پدر نیز از حضور در مجامع عمومی منع گردید. حتی حضرت عسکری به همین ملاحظه در وصیت خویش از فرزندش نامی نبرده است و مادر بزرگوارشان را وصی خود قرار داده‌اند؛ و این سستی بود که امامان پیش برای رهایی از چنگال خونین خلفای دژخیم و خون آشام اُموی و عبّاسی علیهم اللعنه پیش گرفته بودند.^۱

حضرت مهدی به هنگام رحلت پدر گرامیشان (هشتم ربیع الاول ۲۶۰ هـ ق) فقط پنج سال داشتند و بنا به اخبار موثق، در امامت نماز بر پیکر پاک پدرشان بر عمویشان جعفر کذاب که قصد داشت بر جنازه امام نماز بخواند، تقدّم و پیشی جسته، او را پس راندند و شخصاً بر پیکر پاک پدر نماز گزاردند.^۲ پس از این جریان خبر وجود و حضور امام مهدی به گوش حاکم وقت رسید، و مأموران او درصدد دستگیری ایشان برآمدند، و حضرت به ناچار، به امر ربّانی غیبت اختیار فرمودند. و این سرآغاز تاریخ غیبت صغری است.

مدعی دروغین

امام حسن عسکری برادری به نام جعفر داشتند که مردی هرزه، نابکار و بداندیش بود. وی پس از درگذشت امام عسکری، به هوس ریاست مدّعی جانشینی او شد. خلیفه‌ی عبّاسی نیز در ابتدا با وی همراهی نمود و بخشی از ثروت امام عسکری را به وی واگذار کرد تا شاید از این طریق میان شیعیان تفرقه و اختلاف اندازد و راهی به سوی فرزند و جانشین حقیقی حضرت عسکری بیابد. اما امام مهدی از میراث پدر که حقّ مسلم‌شان بود چشم پوشیده و خویش را شناساندند؛ و مصداق «يُقَسِّمُ مِيرَاثَهُ وَ هُوَ حَيٌّ»^۳ گردیدند. شیعیان نیز پس از چند برخورد و گفتگو و آزمون، به نیرنگ و فریب کاری جعفر آگاهی یافتند و

^۱ چنان که حضرت صادق پنج نفر را وصی قرار داد که منصور دوانیقی ملعون نیز یکی از ایشان بود و بدین ترتیب جان امام کاظم را از مرگ نجات بخشیدند؛ زیرا منصور حکم قتل وصی و جانشین امام صادق را داده بود؛ کافی کتاب الحجّه، باب النصّ علی ابی الحسن موسی .

^۲ کمال الدین، ص ۳۷۵؛ منتخب الاثر، ص ۳۶۷.

^۳ یعنی میراثش تقسیم می‌شود در حالی که زنده است، عین بیان حضرت امام حسین راجع به حضرت قائم عجل الله فرجه به نقل کمال الدین، باب ۳۰، حدیث ۲؛ منتخب الاثر، ص ۲۰۷.

.....-۴-

.....

.....

.....

.....

.....

از اطرافش پراکنده گشتند. به هر حال چون جعفر خود را ولی خدا و امام بر حق می خواند، شیعیان به او لقب جعفر کذاب دادند و این لقبی بود که رسول مکرم اسلام ضمن حدیثی او را به آن خواندند. در اینجا به لحاظ اهمیت این نکته، خلاصه‌ی این روایت را می آوریم:

ابو خالد کابلی گوید: از امام چهارم پرسیدم چرا در میان شما ائمه فقط حضرت جعفر بن محمد لقب صادق گرفته اند؟

حضرت فرمودند: پدرانم از پیغمبر بازگو کرده اند که فرمودند: چون جعفر بن محمد بن علی بن الحسین به دنیا آمد او را جعفر صادق بنامید، زیرا که از نسل پنجم او فرزندی جعفر نام خواهد آمد که به دروغ دعوی امامت خواهد داشت و او در نزد خدا جعفر کذاب و مفتری نام دارد؛ زیرا که به خدا افترا بسته و مقامی را که شایسته‌ی آن نبوده به دروغ مدعی شده است. او با پدرش مخالفت و به برادرش حسادت می ورزد و در غیبت ولی خدا از راز پنهان الهی پرده برمی دارد.

در اینجا امام سجاد گریان شده، فرمودند: گویا جعفر کذاب را می بینم در حالی که ستمگر زمانش را وامی دارد تا درباره‌ی ولی غائب خدا تفتیش و کاوش کند و بر حرم پدر او (زنان امام حسن) مأمور بگمارد تا اگر مهدی () به دنیا آمد او را بکشند و این از نادانی خلیفه نسبت به میلاد حجت و حرص او به نقشی قتل مهدی () می باشد؛ و می بینم جعفر کذاب را که به میراث برادرش چشم دوخته تا به ناحق آن را تصاحب کند.

به هر حال جعفر کذاب به هوس زعامت امور شیعیان، قصد منصب امامت نمود؛ ولی به خواست خدا رسوا گردید و توقیعی نیز از جانب حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه در رد او صادر شد که سند رسوایی و بطلان او می باشد.

پاسخ به یک پرسش

- به راستی آیا کودک پنج ساله می تواند امام و پیشوای مردم گردد؟ در آخر فراز این مبحث، در پی تبیین پاسخ سؤال بالا هستیم:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

پاسخ این است که: آری! زیرا به باور و اعتقاد شیعه، امامت منصبی الهی و مقامی ربانی است که خدا لوازمش را در وجود هر کس که بخواهد به ودیعه می‌گذارد و کسب ویژگی‌ها و خصائص اولیه‌ی آن نیاز به پرورش تدریجی و گذراندن مراحل عادی تکامل بشری ندارد؛ بلکه از کودکی و آغاز تولد در نهاد ایشان گذارده شده است و هر هنگام که اراده‌ی پروردگار اقتضا نماید بروز و جلوه می‌نماید و آنان شخصاً به انجام وظایف و اجرای تکالیف مربوطه می‌پردازند. چنانچه در میان پیامبران و امامان اشخاصی را سراغ داریم که در خردسالی یا حتی از آغاز ولادت به این مقامات نائل شده‌اند. قرآن کریم در سوره‌ی مریم، داستان حضرت یحیی پسر زکریا را چنین می‌فرماید:

﴿يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا﴾^۱؛ ای یحیی با اهتمام و نیرو کتاب خدا را به دست گیر! و به او فرمان پیامبری را در کودکی عطا کردیم.

و خداوند در داستان حضرت عیسی می‌فرماید:

﴿فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا﴾ * قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ ءَاتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا^۲؛ ۱ یهود به او اشاره کرده و گفتند: چگونه با کودکی که در گهواره آرمیده سخن گوئیم؟ عیسی () به سخن آمده و فرمود: همانا من بنده‌ی خدایم که به من قاموس زندگی داده و مرا پیامبر گردانیده است.

در میان ائمه اطهار نیز حضرت امام جواد در سن نه سالگی و حضرت امام هادی در سن هشت سالگی به امامت رسیده‌اند.^۳ پس امامت و زعامت حضرت حجت ارواحنا فداه در کودکی امر تازه و بدیعی نیست تا برای انکار آن وجود گرامی دستاویز قرار داد.

امید است قلوب تمامی ما به لطف الهی و با کسب علوم و معارف حقیقی اهل بیت از هرگونه شک و شبهه در مورد آن حضرت عجل الله تعالی فرجه پاک و منزّه باشد.

^۱ سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۱۲.

^۲ سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۲۹ و ۳۰.

^۳ کافی، ابواب التاریخ.

سؤالات

- ۱- سه دلیل برای اثبات ولادت حضرت مهدی را بیان نمایید.
- ۲- حدیث «يُقَسَّمُ مِيرَاثُهُ وَهُوَ حَيٌّ» را ترجمه نمایید و به اختصار توضیح دهید.
- ۳- چرا امام ششم لقب «صادق» دارند؟
- ۴- آیا امامت در سن کودکی قابل قبول است؟ توضیح دهید.

✍

مبحث پنجم: غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

دشوارترین باور اعتقادی در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، پنهان شدن حضرتش از دیدگان عامه‌ی مردم برای مدتی بس دراز می‌باشد.

بنابر متون اسلامی، این ویژگی سنت و شباهتی یادگار از پیامبران پیشین است. چنان‌که پیامبرانی همچون یونس، صالح و یوسف مدتی از امت خویش غایب بوده و دور از انظار آنها به سر می‌بردند.^۱

مسئله‌ی غیبت، یکی از علامت‌های قطعی و حتمی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد که عموم مهدی‌نماها فاقد آن بوده‌اند. اصالت این مسئله (غیبت حضرت) درباره‌ی امام مهدی به اندازه‌ای مهم است، که از آغاز اسلام مورد توجه بوده و حتی مرگ برخی از منسوبین (مانند محمد بن حنفیه) را به عنوان غیبت آنان تعبیر می‌کرده‌اند.

با این حال، برخی از منکرین و مخالفین، مسأله‌ی غیبت، درازی مدت آن و فایده‌ی وجودی امام غائب را دستاویزی برای ردّ و انکار اصل مهدویت یا شخص حضرت مهدی ارواحنا فداء قرار داده‌اند.

در این بخش به بررسی این مطلب و اثبات درستی عقیده‌ی شیعه در موضوع غیبت حضرت قائم عجل الله فرجه الشریف از متون اسلامی می‌پردازیم:

الف - در کتاب «الیقین» حافظ نادره الفلک محمد نطنزی، و در «فرائد السمطين» شیخ الاسلام حموئی، و «ینابیع المودة» خواجه کلان قندوزی روایتی از پیامبر اکرم نقل شده است که شیخ صدوق نیز در کتاب شریف «کمال الدین و تمام النعمة» خود آن را آورده است - که این خود نشانگر مورد قبول بودن مسئله غیبت بین شیعه و اهل سنت می‌باشد - و بنا براین قول، مسئله‌ی غیبت امری مورد قبول شیعه و اهل سنت می‌باشد. رسول اکرم روایت مذکور به جابر بن عبدالله انصاری می‌فرماید:

^۱ برای تحقیق بیشتر در زمینه‌ی غیبت انبیاء و اولیاء به کتاب شریف «کمال الدین و تمام النعمة» رجوع شود.

.....-۴-

.....

.....

.....

.....

.....

.....

«برای قائم ما غیبتی خواهد بود که خدا به واسطه‌ی آن، اهل ایمان را می‌آزماید و بی‌دینان را نابود می‌سازد. ای جابر! همانا این امر از امور الهی و سرّی از اسرار ربّانی است که حکمت آن از بندگان پوشیده است. پس بر تو باد که از شکّ و تردید در آن بپرهیزی که همانا شکّ در امر الهی کفر خواهد بود»^۱.

ب - یکی از اصحاب امام صادق، «حسن بن محبوب زرّاد» قریب یک قرن پیش از تولّد حضرت حجّت در نیمه‌ی دوم قرن دوم هجری کتابی به نام «مشیخه» نگاشته و در آن روایاتی درباره‌ی غیبت امام مهدی آورده است. در این کتاب نمونه از امام باقر نقل می‌کند که فرمودند: «برای قائم آل محمّد () دو غیبت باشد که یکی از دیگری طولانی‌تر خواهد بود»^۲.

ج - ثقة الاسلام کلینی نیز در کتاب شریف «اصول کافی» و در قسمت کتاب الحجة، باب الغیبة مرشی را توسط مفضل، از حضرت صادق نقل می‌کند که فرمودند: «سوگند به خدا که امام شما سالیانی دراز از چشم شما نهان گردد؛ تا آنجا که درباره‌اش گویند: به کجا رفت؟ آیا کشته شد؟ یا مرد؟ و یا نابود گشت؟... و شما بدین گونه آزمایش می‌شوید. در غم دوری او دیدگان اهل ایمان اشک ریزان گردد و دشواری‌ها و نابسامانی‌ها شما را همچون کشتی طوفان‌زده در هم شکنند. پس جز آنان که با خدا پیمان استوار دارند و در دل‌هایشان ایمان ثابت می‌باشد، کسی نجات نمی‌یابد...».

۴ - شیخ صدوق نیز در کتاب «کمال الدین» از حضرت صادق آورده است که: «همانا غیبت در زمان ششمین فرزند من واقع می‌شود و او دوازدهمین امام هادی، پس از پیامبر () باشد. اول آنان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و آخرین آن‌ها قائم به حق بقیة الله () در زمین و صاحب الزمان است. به خدا سوگند که اگر او به درازی عمر نوح که در میان قومش بود غائب باشد، نمی‌میرد و از دنیا نمی‌رود؛ مگر اینکه ظاهر شده زمین را از عدالت و داد آکنده سازد همان‌گونه که از ستم و بیداد پر شده باشد»^۳.

^۱ کمال الدین، باب ۲۵، حدیث ۷؛ منتخب الاثر، ص ۱۸۸.

^۲ فصل یک از باب سوّم از قسمت دوم از رکن چهارم کتاب «اعلام الوری» تألیف شیخ طبرسی؛ و منتخب الاثر، ص ۲۵۲.

^۳ کمال الدین، باب ۳۳، حدیث ۲۳؛ منتخب الاثر، ص ۲۱۵.

پس بنا به شواهد فوق و بسیاری دیگر از احادیث، موضوع غیبت از ویژگی‌های مسلم حضرت قائم می‌باشد؛ و هر کس به مهدویت اعتقاد دارد، بایستی غیبت را نیز باور کند. به طوریکه اعتقاد به غیبت امام مهدی (عج) به اعتقاد مهدویت گره خورده است.

دلایل غیبت

در پاسخ کسانی که حکمت و سبب این پنهانی طولانی را می‌جویند، باید به نکاتی اشاره نماییم:

الف - علت اصلی و حکمت کامل غیبت، مانند بسیاری مسائل مجهول دیگر بر ما پوشیده است و در برخی روایات درک کامل آن را به زمان قیام حضرت قائم وعده داده‌اند.^۱ اما به خوبی پیداست که نادانی، بی‌خبری و ناآگاهی ما از سبب و مصلحت اصل مسلمی چون غیبت نمی‌تواند زمینه ساز انکار و رد آن گردد.

ب - چنان‌که دیدیم، به گفته‌ی معصومین غیبت حضرت مهدی وسیله‌ی آزمایش ایمان قلبی و اعتقاد وجدانی مردم می‌باشد و متدینین مخلص و استوار را از منافقین کج‌اندیش و ریاکار مشخص و جدا می‌سازد.

ج - برای تأمین عدالت و امنیت همگانی و تشکیل حکومت واحد جهانی و تعمیم توحید و یکتاپرستی اسلامی، لازم است جهانیان در زندگانی مادی و حیات معنوی خود آمادگی‌هایی به دست آورند که پیدایش آنها به گذشت زمان نیاز خواهد داشت. چنانچه بنا به احادیثی زمینه‌ی فکری مساعد برای ظهور هنگامی در بشر پیدا می‌شود که تمامی مکتب‌ها و مرام‌های بشری بر سر کار آیند و در حل مسائل و رفع مشکلات جامعه‌ی انسانی با ناکامی و شکست روبرو گردند، تا بر همگان روشن شود که تنها راه نجات و روزنه‌ی امید پیروی از تعالیم آسمانی اسلام در سایه‌ی رهبری «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه» می‌باشد.

^۱ منتخب الاثر، ص ۲۶۶.

..... ۴-.

.....

.....

.....

.....

.....

د - عدم استعداد مردم برای پذیرش زعامت و پیشوایی امام عصر موجب می‌گردد تا جان ایشان نیز مانند امامان پیشین در معرض خطر جدی قرار گیرد؛ و از آن رو که ایشان آخرین گوهر خزانه‌ی ولایت و وعده‌ی خدا برای تحقق اسلام هستند، به‌ناچار تا هنگام پیدایش آمادگی لازم و زمینه‌ی مساعد، دور از چشم مردم خواهند زیست.

ه - حضرت مهدی با قیام خود بساط حکومت‌های باطل را برمی‌چیند و حکام ظالم را برمی‌اندازد؛ پس برای آن‌که در کمال آزادی بدین مبارزه برخیزد بایستی از دسترس آنها به دور بوده، بیعت و تابعیت هیچ یک از آنان را بر گردن نداشته باشد. از این روست که ولادت ایشان نیز پوشیده می‌ماند و کمی از آن هم از انظار عموم پنهان می‌شوند تا از پیمان با ستمگران به دور بماند.

فواید امام غایب

دستاویز دیگر مخالفین برای انکار غیبت حضرت مهدی این است که: پیشوای غایب و پنهان هیچ سود و فایده‌ای به حال جامعه ندارد و خداوند حکیم را نشاید که امامی را هزاران سال بدون اثر و ثمر برای موقع لزوم و حاجت ذخیره نماید و به بندگان نیز فرمان دهد تا به چنین رهبر بی‌خاصیتی را معتقد باشند.

برای پاسخگویی به این پندار نادرست، در چند فراز برخی از فایده‌های وجود امام غایب اشاره می‌کنیم. **اول:** بنا به دلایل عقلی و نقلی بسیار^۱ برای برقراری نظام هستی، وجود حجّت الهی لازم است تا رابط میان عوامل مادی و معنوی و مسیر رسیدن فیوضات و الطاف الهی باشد. او شریف‌ترین آفریده‌ی روی زمین و عبادت‌کننده حقیقی پروردگار است و زمین نمی‌تواند از چنین انسان کاملی خالی بماند. چنانچه حضرت امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه می‌فرماید آنچه را که ترجمانش این است:

«زمین از قائمی که برای اقامه‌ی حجّت الهی به پاخیزد خالی نمی‌ماند؛ چه آشکار و شناخته باشد یا ترسان و ناشناخته. به هر حال برای استقرار برهان‌های ربّانی وجود این بزرگواران لازم است. اینان چه تعدادند؟

^۱ که تفصیل این بحث را در کتاب‌های حدیث و کلام در این زمینه مانند «کمال الدین»، «کافی»، «اثبات الهداة»، «احقاق الحق» و «کفایة الموحّدين» و غیر آنها می‌توان یافت.

کجایند؟ سوگند به خدا که تعدادشان کم است، لکن در نزد خدا عالیقدر و بزرگ هستند. پروردگار به وسیله‌ی آنان حجت‌های بالغه‌ی خود را نگه می‌دارد تا آنگاه که آن براهین ربّانی را در نزد اقران خود به امانت گذارند و در قلوب امثال خویش کشت دهند. علم و دانش در حدّ بینش کامل به آنان روی آورده و به روح یقین واصل و دمساز گشته‌اند... آنان خلیفه‌های خدا در زمینند و مردم را به سوی دیانت الهی می‌خوانند.^۱

امام سجاد نیز در این باره مضامینی بدین گونه دارند:

«ما پیشوایان امت اسلام و حجت‌های الهی بر جهانیان هستیم... به سبب وجود ماست که آسمان و زمین بر هم نمی‌خورد، زمین از اهلش سلب آرامش نمی‌نماید، باران فرو می‌بارد، رحمت الهی پراکنده می‌شود و برکات زمین بیرون می‌ریزد و اگر ما نبودیم زمین اهلش را فرو می‌برد. از زمان آفرینش آدم تا کنون زمین از حجت‌های الهی خالی نمانده و تا روز رستاخیز نیز محروم نخواهد ماند، چه ظاهر و شهود باشد یا غایب و مستور، و اگر حجت خدا نباشد پروردگار به نحو شایسته و کامل عبادت و بندگی نمی‌شود».^۲

بنابراین آثار وجود گرامی حضرت مهدی ارواحنفاذ، چه پیدا و چه پنهان، از این نظر که خلیفه‌ی خدا در زمین و حجت او بر بندگان و فرد کامل و اشرف انسان‌ها است، برای همگان سودمند و مفید فایده خواهد بود.

دوم - اعتقاد و ایمان به وجود رهبری آسمانی که در لحظه‌ی نهایی غلبه‌ی باطل بر حق به پاخیزد و با قیام پیروزمندانه‌ی خود عدالت و امنیت را همگانی سازد و جور و ستم را نابود نماید؛ آرام‌بخش خاطر و نگهبان ایمان و امیدبخش دل هر انسانی است. اجتماعی که از چنین اعتقادی بهره‌مند باشد، هرگز در برخورد با

^۱ منتخب الاثر، ص ۲۷۰.

^۲ کمال الدین، باب ۲۱، حدیث ۲۲؛ منتخب الاثر، ص ۲۷۰.

مصایب و مشکلات از پا نمی‌افتد و روح حیات و نیروی جنبش و قوای سازنده و آفریننده‌ی خود را از دست نمی‌دهد و همواره خروشان و پر تحرک به پیش می‌رود.^۱

سوم - این را نیز می‌دانیم که اراده، تأیید و نیایش آن حضرت به درگاه الهی، دراحوالات دیگر آفریدگان مؤثر می‌باشد؛ به ویژه که در بسیاری از مواقع به اقتضای مهر و عطوفت، چهره می‌نماید و به یاری درماندگان می‌شتابند و گره از کارشان گشوده، رنگ پریشانی از رخسارشان می‌زدایند. در طول تاریخ از این بزرگواری‌ها و مردانگی‌ها حکایت‌هایی حماسی، پرشکوه و شیرینی به وقوع پیوسته است که برخی را نویسندگان شیعه در کتاب‌های معتبر و مستند خود آورده‌اند.^۲

پس وجود گرانبمایی «حضرت مهدی» در حال غیبت نیز مفید فایده بسیار می‌باشند؛ و چه زیبا تشبیه نمود نبی معظم این بهره‌وری را، آنگاه که جابر بن عبدالله انصاری در مورد آن پرسش کرد. و پیامبر(ص) چه زیبا انسل بهره‌وری را برای جابر بن عبدالله انصاری به تقریر کشیدند:

«سوگند به آن کس که مرا به پیغمبری برانگیخت همانا در غیبت قائم () به نورانیت او روشنی خواهند یافت و از ولایت او بهره‌مند خواهند شد همان‌گونه که مردم از خورشید بهره‌مند می‌شوند هنگامی که ابرهای تیره آن را می‌پوشاند».^۳

در پایان به معترضین این مسئله باید بگوییم که ناآگاهانه بی‌خبری خود را از فواید وجودی پیشوای غائب، ملاک انکار و نفی آن حضرت قرار ندهند؛ زیرا هر کس خدای متعال را دانا و حکیم بداند، و به این مسئله معتقد باشد؛ امور و مقدرات الهی را منکر نمی‌شود، اگر چه از درک حکمت و مصلحت آن ناتوان باشد.

^۱ نمونه‌ی زنده‌ی چنین اجتماعی، اقلیت مظلوم و ستمکش شیعه‌ی اثنی عشری می‌باشد که در طول چهارده قرن همیشه مورد ستم و جفای اکثریت مسلمین بوده و هزاران شهید از عالم و عامی داده و هنوز به برکت این ایمان پابرجا مانده و رشد می‌کند.

^۲ برای بررسی بیشتر به کتاب‌های «دار السلام» و «النجم الثاقب» مراجعه فرمایید.

^۳ کمال الدین، ص ۲۵۳؛ منتخب الاثر، ص ۱۰۱.

نواب خاص

پس از شهادت امام حسن عسکری (در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ ه.ق و در شهر سامرا) کسوت امامت زیننده‌ی قامت خلف صالح او «حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف» گردید و از همان ایام به سبب اقدامات شدید خلیفه‌ی وقت، امام پنهان از دیدگان مردم به سر برد. در نخستین مرحله‌ی غیبت (غیبت صغری) افراد معدودی از خواص بزرگان شیعه از مکان زندگی ایشان آگاهی داشته، مجاز بودند به هنگام نیاز شرفیاب محضرش شوند و نامه‌ها و عرایض‌شان را به ایشان برسانند و پاسخ دریافت دارند. این بزرگواران را «نواب خاصه» یا «وُکلا و ابواب امام» می‌نامیدند. نواب خاصه از دوستان ویژه و والا مقام خاندان ولایت و از مردم دانا و خردمند و پرهیزکار زمان خود به شمار می‌آمدند، به طوری که نه فقط جماعت شیعه به ایشان اعتقاد کامل داشتند، بلکه اهل سنت نیز با دیده‌ی احترام به آنان می‌نگریستند. این بزرگان برای اثبات مقام نیابت خود شواهدی زنده عرضه می‌داشتند که عموم شیعه را قانع می‌ساخت. حتی گاهی مردمان دیرباور آنان را می‌آزمودند، چنان که مرسوم بود با قلم خشک (بدون مرکب) بر روی کاغذ پرسش‌هایی می‌نوشتند و از نواب خاص می‌خواستند تا از حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه پاسخ مسائل را بگیرند؛ و چون پاسخ‌های درست و آنها می‌رسید به ارتباط نواب با مقام ولایت یقین می‌نمودند. در مدت غیبت صغری (که ۶۹ سال به طول انجامید)^۱ چهار نفر عهده‌دار منصب وکالت بودند که همگی در بغداد سکونت داشتند و در دیگر شهرها نیز نمایندگان برای تماس مردم تعیین کرده بودند. شیعیان حاجات، مسائل و نیز حقوق شرعیه‌ی خود را به نمایندگان یا خود نواب اربعه می‌رساندند و آنان به حضور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه تقدیم می‌نمودند.

^۱ برخی از علمای شیعه مدت غیبت صغری را از سال تولد امام به شمار می‌آورند (زیرا که در زمان حیات پدر نیز پنهان از عموم می‌زیستند) و با این حساب ایام غیبت صغری ۷۴ سال و اندی می‌گردد. اعلام الوری از شیخ طبرسی.

.....-۴-

.....

.....

.....

.....

.....

کرامات و فضائل بسیاری از چهار نفر وکیل ایام غیبت صغری در کتاب‌های غیبت نقل است که بیان آنها مخالف شیوهی اختصار این نوشتار خواهد بود.^۱

نواب اربعه عبارتند از:

۱- جناب عثمان بن سعید عمروی: از اصحاب و شاگردان خاص امام هادی و امام عسکری که در زمان ایشان از جانب ایشان وکالت داشته و سرانجام به نیابت حضرت مهدی نائل شده است. روایات بسیاری که از اعتماد کامل ائمه به ایشان حکایت می‌کند.

۲- جناب محمد بن عثمان بن سعید: از یاران امام عسکری که همچون پدرش مورد وثوق شدید امام بود و پس از وفات پدرش (عثمان بن سعید) نیابت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه را بیش از چهل سال به عهده داشته است. توقیعات فراوانی در تأیید مقام ارجمند ایشان نقل شده است. از ناحیه توره صادر شده است.

۳- جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی: از رجال برجسته‌ی خاندان نوبختی که نماینده‌ی عثمان بن سعید بود و نایب دوم به هنگام مرگ به فرمان امام وی را جانشین قرار داد. او مردی فوق‌العاده باهوش و دوراندیش و متین بود؛ و امور شیعه را با نهایت حزم و کیاست اداره می‌نمود.

۴- جناب ابوالحسن علی بن محمد سیمری: از تربیت شدگان مکتب امام حسن عسکری بود که پس از وفات نایب سوم به وکالت رسید و آخرین توقیع به سال ۳۲۹ هـ.ق، یک هفته پیش از فوت او از ناحیه‌ی مقدسه‌ی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه به وی واصل شد که متن آن چنین است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا عَلِيُّ بْنَ مُحَمَّدٍ السَّيْمَرِيِّ أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ فَأَجْمَعْ أَمْرَكَ وَلَا تُوصِلْ إِلَى أَحَدٍ فَيَقُومَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَةُ فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ

^۱ علاقمندان به مجلد غیبت از کتاب بحار الانوار، جلد ۱۳ چاپ کمپانی یا جلد ۵۱ چاپ اسلامیة رجوع فرمایند. مجلد غیبت بحار الانوار توسط آقای علی دوانی با نام «مهدی موعود» به فارسی ترجمه شده است.

جَوْرًا وَ سَيِّئَاتِي لِشِيعَتِي مَنْ يَدْعِي الْمَشَاهِدَةَ إِلَّا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»^۱

«به نام خداوند بخشنده‌ی بخشایشگر، ای محمد بن علی سیمری خدا اجر و پاداش برادرانت را در مصیبت مرگ تو زیاد گرداند. پس همانا تو تا شش روز دیگر خواهی مرد. پس کارهایت را سامان ده و به کسی پس از خود وصیت منماید که بعد از وفات تو این مقام برجیده می‌شود. پس هر آینه غیبت تامه (پنهانی کامل) آغاز گردید و ظهوری جز به اجازه‌ی خدا نخواهد بود و آن هم به دنبال گذشت زمانی دراز و سختی قلب‌ها و پُر شدن زمین از ستم و بیداد است؛ و هر آینه کسانی خواهند آمد که برای شیعیان من دعوی مشاهده (نیابت خاصه)^۲ نمایند. همانا آگاه باشید که هر کس چنین ادعا کند پیش از آنکه سفیانی خروج کرده و صیحه آسمانی آمده باشد، او دروغگو و مفتری است؛ و نیرو و توانی جز به اراده و خواست خدای بزرگ نمی‌باشد».

نواب عام

پس از درگذشت جناب علی بن محمد سیمری، غیبت کبری آغاز گردید که تا کنون نیز ادامه دارد. در این دوران زمام امور دینی مردم به دست فقیهان واجد شرایط سپرده شده است تا در مواردی که حوادث و مطالب جدیدی پیش می‌آید و حقایق دین در پس پرده‌های شبهه و تردید قرار می‌گیرد، ایشان پناهگاه امت

^۱ منتخب الاثر، ص ۳۹۹.

^۲ مقصود از مشاهده، زیارت حضرت ارواحنا فداه به دلخواه بیننده است (مشاهده = رؤیت طرفینی) یعنی آگاهی بر مکان حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه و این ادعا حاکی از نیابت خاصه است، زیرا فقط ابواب اربعه بودند که هر موقع می‌خواستند به حضورش بار می‌یافتند و عبارت بالا منافی با شرفیابی جمعی از پاکدلان به محضر انور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نمی‌باشد. پس توقیع فوق مبین انسداد باب نیابت خاصه خواهد بود.

..... ۴- ..

.....

.....

.....

.....

.....

بوده و مردم از آنان تبعیت نمایند. امام حسن عسکری (مهمترین خصوصیات این فقها را اینگونه بر می‌شمرند) ^۱

«فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ وَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضُ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا كُلُّهُمْ»؛ پس از میان فقها آن کسی که، خودنگهدار، دین‌دار، هوی‌ستیز، و تابع فرمان مولایش باشد، بر مردم عادی واجب است که از او تقلید نمایند و چنین کسانی معدودی از فقهای شیعه هستند و نه تمامی آن‌ها.

و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در این باره در توقیع شریفی خطاب به نایب دوم علی بن محمد سیمری چنین فرمودند:

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ»؛ و اما در حوادث و پیشامدهای زمانه به راویان احادیث ما مراجعه نمایید که آنان حجت من بر شماست و من حجت خدا بر آنان هستم.

روشن است که گستره‌ی حوادث واقعه، به وسعت حوادث تاریخ عصر غیبت است و دامنه‌ی فقاقت نیز به گستردگی تمام شریعت می‌باشد. بر این اساس، فقیه در دین، به معنای جامع کلمه کسی است که در امر دین صاحب علم، فهم، ادراک، بصیرت و روشن‌بینی باشد؛ به حدی که دیگر مردم به او رجوع نمایند و از دانش وی در علوم دین بهره گیرند. البته نکته‌ی پرلطف و رحمت در این باره آن است که امام زمان ارواحنا فداء با این که در دوران غیبت کبری هدایت ظاهری مردم را به فقها سپرده‌اند؛ اما این فقیهان را به حال خود واگذار ننموده‌اند؛ بلکه هر زمان که ضرورت پیش بیاید و مصلحت ایجاب نماید، آنان را مشمول دستگیری و راهنمایی خود قرار می‌دهند. کماینکه در توقیع شریفی که در سال ۴۱۰هـ ق خطاب به شیخ مفید از

^۱ وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۳۱.

^۲ وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۴۰.

ناحیه‌ی مقدس آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر گشت به این موضوع چنین اشاره فرموده‌اند:

«إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَلَا نَوَلَّيْنَا ذَلِكَ لَنَزَلِ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَاصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ»؛ همانا ما در رسیدگی به شما فروگذاری نمی‌کنیم و یادتان را فراموش نمی‌کنیم که اگر چنین نبود نابسامانی‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرو می‌ریخت و دشمنان شما را در هم می‌شکستند.

جاه طلبان فرصت طلب

به نوشته‌ی تواریخ در ایام غیبت صغری، برخی افراد ناپاک به هوس مال و منال و جاه و مقام به دروغ ادعای نیابت کردند و معدودی را گمراه ساختند، مانند: محمد بن علی شلمغانی، محمد بن نصیر ثُمیری، حسن شریعی، احمد بن هلال کرخی و... این هواپرستان، با دستاویزهای پوچ و نادرست، خود را نایب امام غایب می‌خواندند و برای پیشبرد اهداف ننگین خود از گفتن هر سخن ناحق و انجام هر کار ناپسند و زدن هر نیرنگ اهریمنی دریغ نداشتند. حتی برای جلب عوام ساده دل، از ترفیع مقام خود و بیان دعاوی امامت و نبوت و ألوهیت نیز فروگذار نمی‌کردند. در پاره‌ای مسائل جنسی آزادی‌های قائل شده، احکام و مقررات اسلامی را دگرگون می‌ساختند. ﴿برای آگاهی از عقاید کفر آمیز و رفتار نکوهیده این دو میان به کتب غیبت رجوع نمایید﴾ این مدعیان دروغین آن چنان در ادعای باطل و عقاید سخیف خود تندروی و گستاخی نشان می‌دادند که نه فقط شیعیان بلکه اهل تسنن نیز برآنان شوریدند و سرانجام جملگی سرکوب و نابود شدند.

همراه ما، در میان ماست...

به نظر می‌رسد این بخش جای کار بیشتری داشته باشد، پیشنهاد می‌شود از مطالب موجود در جزوه «اسرار غیبت» استفاده شود.

^۱ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

.....-۴.....
.....
.....
.....
.....
.....

در آخرین فراز این بخش باید خاطر نشان سازیم که بنا بر متون اسلامی وجود مقدس «حضرت بقیة الله ارواحنا فداء» در روی زمین زیست می‌کند و در همین شرایط طبیعی می‌باشد؛ و بر اساس روایات ائمه اطهار در برخی از مجامع مانند مراسم حج البتّه به صورت ناشناس حضور می‌یابند.^۱ با این وجود برخی منحرفان شیعیان را متهم می‌سازند که امام مهدی (عج) را ساکن سرداب سامرا یا سرزمین‌هایی همچون جالبقا و جاببا و یا حتی عالم دیگری به نام هورمیتا می‌دانند؛ این در حالی است که هیچ یک از دانشمندان شیعه حضور و زندگی امام در چنین مکان‌هایی معتقد نبوده و هیچ سندی هم برای اثبات این نوع سخنان بیهوده وجود ندارد^۲ افسانه‌ی سرداب تهمتی است که مغرضین اهل تسنن به شیعه زده اند و آن را دستاویزی برای کوبیدن اعتقادات اصیل شیعی قرار داده‌اند. چنانچه ابن حجر مکی در کتاب «صواعق المحرقة» خود این مطلب بی‌اساس را نقل می‌کند.

اما علمای شیعه چنین نظری را نادرست می‌دانند و به سکونت امام زمان بر روی زمین^۱ به طور مخفی و ناشناخته، اعتقاد دارند.

در این فرصت به چند روایت در این زمینه اشاره می‌کنیم:

۱. امام صادق فرمودند: «سنتی که از یوسف در قائم ما () می‌باشد، پنهان شدن است. خداوند میان او و مردم حجابی قرار می‌دهد که او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند».^۱

۲. در روایت دیگر نیز از امام صادق نقل است که ایشان فرمودند: به راستی در صاحب الامر شباهتی از یوسف است. راوی پرسید: گویا شما زنده بودن و غیبت ایشان را در نظر دارید؟ فرمودند: این امت چه چیز را منکرند؟ در حالی که برادران یوسف با آنکه پیغمبر زاده بودند و با برادرشان یوسف خرید و فروش و گفتگو می‌کردند او را نشناختند؛ تا اینکه او خود، خویشان را معرفی نمود... چگونه این امت باور نمی‌کنند که خدای متعال در دورانی دیگر هم با حجت خود همان کند که با یوسف نمود به طوری

^۱ کمال الدین، ص ۳۵۰؛ منتخب الاثر، ص ۳۰۱.

که ولی عصر () در بازارها و معابر آنها رفت و آمد کند و پا بر فرش آنان گذارد و او را شناسند، تا آن هنگام که خداوند اجازه دهد.^۱

۳. نائب دوم جناب محمد بن عثمان فرمود: «سوگند به خدا که صاحب الامر هر ساله در مراسم حج حضور می یابد، پس مردم او را می بینند و نمی شناسند و او مردم را می بیند و می شناسد».^۲
و این است مفهوم و معنای غیبت امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و ارواحنا فدا.

به امید طلوع آن آفتاب پنهانی...

سؤالات

- ۱- کدام یک از انبیا دارای غیبت بوده اند؟ نام ببرید.
- ۲- علت غیبت حضرت مهدی را توضیح دهید. (۵ مورد)
- ۳- فایده ی امام غایب را توضیح دهید.
- ۴- مدت غیبت صغری و اسامی نواب اربعه را بنویسید.
- ۵- در آخرین توقیع امام زمان به آخرین نایب، به چه مواردی اشاره شده است؟
- ۶- امام صادق شهابت حضرت مهدی به حضرت یوسف را چگونه توضیح داده اند؟

^۱ کافی، کتاب الحجة، باب الغیبة؛ کمال الدین مترجم، ص ۲۴۷ باب ۶؛ منتخب الاثر، ص ۲۵۵.

^۲ کمال الدین، ص ۴۴۰.

..... ۴-

.....

.....

.....

.....

.....

مبحث ششم: طول عمر حضرت مهدی

لازمه‌ی غیبت طولانی حضرت مهدی برخورداری ایشان از عمری طولانی است. هم چنین به انجام رسیدن قیام جهانی آن حضرت ایجاب می‌کند که ایشان از نیرو و نشاط جوانی بهره‌مند باشند و از این رو روایات بسیاری به این مهم اشاره کرده‌اند که حضرت مهدی در سنّ پیران و سیمای جوانان، قیام می‌نمایند. از آن جمله می‌توان به روایات ذیل اشاره کرد:

۱- امام سجّاد فرمود: «فِي الْقَائِمِ سُنَّةٌ مِنْ نُوحٍ وَهُوَ طَوَّلُ الْعُمُرِ»؛ در قائم سَنّی از نوح پیغمبر است و آن درازی عمر می‌باشد.^۱

۲- حضرت رضا در بیان علائم حضرت مهدی به هنگام قیام فرموده‌اند: «عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السَّنِّ شَابًّا الْمَنْظَرِ حَتَّى إِنَّ النَّاطِقَ إِلَيْهِ لَيَحْسِبُهُ ابْنُ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ دُونَهَا وَإِنَّ مِنْ عِلَامَاتِهِ أَنْ لَا يَهْرَمَ بِمُرُورِ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي حَتَّى يَأْتِيَهُ أَجَلُهُ»؛ نشانه‌ی او این است که در سنّ پیری رخساری جوان دارد، تا جایی که بیننده گمان می‌برد که او چهل ساله یا کمتر است و نشانه‌ی دیگرش اینکه تا پایان عمر به سبب مرور زمان پیر و فرسوده نمی‌گردد.^۲

۳- حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی در کتاب «الْبَيَانُ فِي أَخْبَارِ صَاحِبِ الزَّمَانِ ()» و شیخ جمال الدین دمشقی در کتاب «عَقْدُ الدَّرَرِ» و خواجه کلان قُندوزی در کتاب «بَنَائِعُ الْمَوَدَّةِ» از امام حسن مجتبی روایت کرده‌اند که فرمود: «لَوْ قَامَ الْمَهْدِيُّ لَانْكُرَهُ النَّاسُ لِأَنَّهُ يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ شَابًّا وَهُمْ يَحْسَبُونَهُ شَيْخًا كَبِيرًا»؛ چون مهدی () به پاخیزد مردم او را انکار می‌کنند؛ زیرا که به صورت جوانی شاداب به سویشان برگشته در حالی که آنان می‌پندارند که وی پیرمردی کهنسال است.^۳

^۱ کمال الدین، ص ۳۲۲؛ منتخب الاثر، ص ۲۷۵.

^۲ کمال الدین، ص ۶۵۲؛ منتخب الاثر، ص ۲۸۴.

^۳ منتخب الاثر، ص ۲۸۵. شبیه همین حدیث در کتاب غیبت نعمانی (از محدثین بنام شیعه) نیز از امام جعفر صادق آمده است.

پس دوام جوانی و عمر طولانی امام زمان از ویژگی‌های خاص و مایه‌ی امتیازایشان از مدعیان و متمم‌هیدیان می‌باشد و این خود مَحَکِی است که اهل دغل را سیه‌رو می‌کند.^۱

عموم مخالفان شیعه این ویژگی را دستاویز نموده و با انکار آن، باورمندان به «امام مهدی (عج) - و مخصوصاً بحث طول عمر -» را به باد سرزنش و استهزاء می‌گیرند. خلاصه‌ی گفتار سنت‌های ناسازگارآنان این است که: کهنسالی و جوان‌زیستی مهدی () با موازین عقلی، قوانین طبیعی و سنت الهی می‌باشد.

اینک با کمک گرفتن از بینش و دانش، گام به گام، گفتار ایشان را مورد بررسی و نقد قرار داده و به یک‌یک پرسش‌ها و اشکالات پاسخ می‌گوییم؛ تا منصفان چه داوری کنند...

الف - اثبات از طریق منطق و عقل

می‌پرسند:

به شهادت عقل و خرد انسانی، هر موجود جاننداری محکوم به نابودی و فنا می‌باشد؛ بنابراین زندگانی ابدی برای هیچ بشری ممکن نخواهد بود. چگونه شما مهدی اسلام () را جاودانه و پاینده می‌دانید و برایش عمر جاوید قائلید؟

پاسخ می‌دهیم:

ما هرگز برای قائم منتقم عمر ابدی و جاودانگی قائل نیستیم؛ بلکه ایشان را نیز همانند دیگر آفریدگان محکوم به مرگ و زوال می‌دانیم؛ با این تفاوت که ایشان از عمری طولانی و توانی بسیار برخوردار هستند و خردمندان تفاوت فاحش میان جاودانگی و عمر طولانی را به خوبی می‌دانند و هرگز عقل و خرد برای جاودانگی و کهنسالی یکسان حکم نمی‌کند.

می‌پرسند:

^۱ سن هیچ یک از مدعیان و منسوبین از صد سال تجاوز ننموده، چنان که میرزا محمد شیرازی، هنگامی که به دار آویخته شد کمتر از ۳۲ سال داشت.

..... ۴- ..

.....

.....

.....

.....

.....

عقیده‌ی شما درباره‌ی عمر بسیار زیاد مهدی () و دوام جوانی او امری خلاف عادت، غیر معمول و بی سابقه است، که عقل هر انسانی آن را بعید می‌شمارد و با دیده‌ی اعجاب و شگفتی به آن می‌نگرد؛ همین استبعاد شدید، برای انکار و یا لاقول تزلزل این اعتقاد کافی است.

پاسخ می‌دهیم:

۱- به گفته‌ی اهل خرد، «هر آنچه از عجایب و غرایب شنیدی آن را ممکن و شدنی بشمار، مگر آنکه برهانی استوار بر نبود آن بیابی.» بر این اساس عمر طولانی حجت موعود غیر ممکن و ممتنع نبوده، بلکه دارای امکان عقلی نیز خواهد بود.

۲- هیچ منطق و برهان عقلی برای مدت حیات یک انسان مرزی زمانی (جز بی‌نهایت) نمی‌تواند معین کند، چنان‌که هیچ گاه نمی‌گوییم امکان ندارد که کسی در کودکی یا جوانی بمیرد؛ چرا که انسان‌ها فقط در کهنسالی می‌میرند؛ و هم‌چنین به هیچ شخص کهنسالی نمی‌گوییم که به خاطر گذشتن از حد معمول عمر، خود را هلاک سازد و یا زنده به گور نماید!!

احساس فطری و درک وجدانی همه‌ی بشر نسبت به دوام حیات شان، بهترین و روشن‌ترین گواه خردپسند بر نبود حد مشخص عقلی برای آنان است؛ زیرا عموم مردم در هر سن و سال و حتی در بدترین حالات و حادث‌ترین لحظات به امید حیات دلخوش اند و تا آخرین لحظه‌ی عمر در خود شوق و اشتیاق زندگی می‌یابند. چنین کیفیت طبیعی گویای آن است که در نهاد و سرشت انسانی آن چه اصالت دارد زیستن است نه مردن.

۳- به فرض که طول عمر و دوام جوانی حضرت مهدی بی سابقه، کم نظیر یا حتی نادر باشد؛ مگر به حکم عقل، کمیابی و ندرت، برهان قاطعی بر عدم وجود می‌تواند باشد؟ آیا می‌توان منکر نبوغ خارق العاده‌ی برخی انسان‌ها گردید؟ مگر نوابغ فکری، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و... بی نظیر و بی سابقه نیستند؟ پس عقیده‌ی ما درباره‌ی حضرت مهدی استبعادی ندارد.

۴- عمر طولانی حضرت مهدی پدیده‌ای بی سابقه نیست، بلکه در تاریخ بشر از این قبیل افراد بسیار دیده شده‌اند به طوری که کتاب‌های ویژه‌ای بدین موضوع اختصاص یافته است.^۱ و بنابراین جای هیچ گونه ایرادی نسبت به این اعتقاد شیعه باقی نمی‌ماند.

می‌پرسند:

پذیرش امکان عمر طولانی انسان‌ها، اثبات وجود امام شیعه را نمی‌کند؛ زیرا شیعیان نمی‌توانند شخص او را بنمایند شما چگونه وجود پیشوای تان را در این عصر و زمان ثابت می‌کنید؟

پاسخ می‌دهیم:

بنا به موازین عقلی، هر کیفیتی تا زمانی که علل و اسباب سازنده‌ی آن باقی است، هم چنان به جا خواهد ماند. به عنوان مثال تا وقتی که عوامل حیات یک موجود زنده، نابود نشده‌اند او به زندگی ادامه خواهد داد. بنابراین هنگام گفتگو پیرامون وجود چیزی، اگر یک طرف بحث پیدایش آن پدیده را در زمانی اثبات نماید، نیازی ندارد که وجود آن را در زمان‌های بعد نیز اثبات کند؛ بلکه به عهده‌ی طرف دیگر است که برای عدم وجود آن پدیده، دلیل و برهان بیاورد؛ از این رو چون ما توکد حضرت مهدی عجل الله فرجه را ثابت کرده‌ایم، بر عهده‌ی مخالفین است که وفات و یا شهادت ایشان را با شواهد روشن، مسلم سازند؛ و پیداست بر این مدعا، برهانی ندارند.

ب- اثبات از طریق قوانین طبیعت

می‌پرسند:

^۱ کتاب «المعمرون» نوشته‌ی ابوحاتم سجستانی که از علمای اهل تسنن است (که پیش از ولادت حضرت مهدی عجل الله فرجه نگاشته شده است)، و کتاب «مُروُجُ الذَّهَب» مسعودی، و کتاب «دائرة المعارف» فرید وجدی ذیل لغت هرم، و «کمال الدین» شیخ صدوق، و کتاب «بحار الانوار» مرحوم مجلسی و دیگر کتاب‌های تاریخی اسلامی و غیر اسلامی، از گروه بشمار کسانی که عمر طولانی داشته‌اند، نام می‌برند. هم اکنون نیز چنین کسانی یافت می‌شوند.

..... ۴-.

.....

.....

.....

.....

.....

عقل و دانش بشری بنابر موازین روش بشری، پیری و مرگ قسم هرانسانی است پیری و مرگ را سرنوشت هر انسانی شناخته است. بر این اساس نظر شما درباره‌ی عمر طولانی حجت موعود - ارواحنا فداه - مغایر با علوم بشری و قوانین طبیعی است.

پاسخ می‌دهیم:

- ۱- اظهار نظر قطعی پیرامون قوانین طبیعی به اتکاء دانش ناقص و محدود بشری کاری جاهلانه و از روی بی‌خردی است، زیرا هیچ کس نمی‌تواند مدّعی شود که آگاهی کامل و بدون نقص به تمامی علوم جهان دارد، آن هم در حالی که قهرمانان و پیشتاان عرصه‌ی فرهنگ انسانی با فروتنی کامل به کمی معلومات و فزونی مجهولات خویش معترفند، و ناتوانی خود را در شناخت کامل قوانین شگفت انگیز طبیعت و مطالب اسرارآمیز ماوراء طبیعت ابراز می‌دارند.^۱
- در حالی دانشمندان بزرگ علوم بشری هنوز از درک، فهم و حتی بررسی دقیق حیات و مرگ عاجزند، چگونه توقع می‌رود تا از راز چگونگی طول عمر و دیرزیستی پرده برداشته شود و حدّ مشخص و معینی برای عمر تعیین گردد؟ پس عقل حکم می‌کند که نباید کوتاهی و کمبود دانش بشری در ادراک و فهم برخی از مطالب را ملاک انکار حقایق قرار داد.
- ۲- نگاه عمیقی به هدف و مقصد علوم پزشکی، نادرستی تصوّرات و فرضیه‌های مخالفین شیعه را به روشنی مشخص می‌نماید؛ زیرا بنیان علوم فوق بر این است که انسان‌ها در صورت مراعات نکات بهداشتی، از تندرستی و سلامت همیشگی برخوردار بوده، با اندامی شاداب و با نشاط سالیانی دراز زندگی خواهند کرد؛ و اگر جز این باشد این دانش‌ها بی‌حاصل می‌گردد.
- حقیقت بالا در مورد عموم سلول‌ها مصداق دارد، بدین معنا که هرگاه گروهی یاخته‌های زنده از گزند حوادث ناگوار و عوامل کشنده و مرگبار مصون بمانند، می‌توانند سالیان متمادی زیست کنند. چنانچه دکتر

^۱ برای نمونه کتاب «شفا» نوشته‌ی ابن سینا، و کتاب «حکمه الاشراق» نوشته‌ی شهاب الدین سهروردی از دانشمندان شرق و به کتاب «مفهوم نسبیت» به قلم برتراند راسل، و کتاب «علم به کجا می‌رود» به قلم پرفسور ماکس پلانگ، و کتاب‌های «انسان موجود ناشناخته» و «راه و رسم زندگی» و «نیایش» به قلم دکتر الکسیس کارل از دانشمندان غربی رجوع کنید.

آلکسیس کارل زیست‌شناس، جراح و فیزیولوژیست مشهور قرن اخیر، در کتاب «انسان موجود ناشناخته»، در فصل پنجم در این باره سخن گفته؛ می‌نویسد: «اگر ترکیبات محیط غذایی را ثابت نگهدارند، اجتماعات سلولی تا زمان نامحدودی به فعالیت خود ادامه می‌دهند... و اگر از افزایش حجم آن‌ها جلوگیری نمایند هیچ گاه پیر نخواهند شد».^۱

مانند این عبارت در کتاب‌های زیست‌شناسی بسیار است و نشان می‌دهد که طول عمر و جوان زیستی حضرت مهدی ارواحنا فدا به هیچ وجه ایراد علمی ندارد و به عکس یافته‌های علمی و پزشکی نیز این مسأله را تأیید می‌کند.

۳- دانش کنونی بشر در زمینه‌ی علوم زیستی و پزشکی، عمر طولانی و شادابی را مسأله‌ای طبیعی و مطابق با روحيات و فطرت انسان می‌داند؛ و پیری و مرگ را نوعی عارضه و مسأله‌ای غیرطبیعی می‌شمارد. چنانچه در فصل سوم کتاب «راه و رسم» نوشته‌ی دکتر کارل، تحت عنوان «قوانین اصلی زندگی انسان» پیرامون فطری بودن عمر طولانی این گونه آمده است:

«بدن تقریباً خود را در قالب هر حادثه‌ای می‌ریزد و در برابر هر موقعیت تازه و سائلی را برای مواجهه با آن برمی‌انگیزد، این وسیله هدفی جز تأمین حداکثر عمر ندارد. در مقابل هر خطر، کیفیت فیزیولوژیکی در جهت متوجه می‌شوند که بزرگترین مدت حیات را تأمین کنند...».^۲

پس بدن انسان به صورت طبیعی به عمر طولانی و سلامت جسمانی متمایل است و بر اساس فطرت و خلقتش می‌کوشد تا هر چه بیشتر بر مقدار عمر بیفزاید.

۴- علوم امروزی بشر تقریباً تمام کوشش خود را در شناخت طبیعت بی‌جان مادی متمرکز و صرف کرده‌اند، در حالی که نوع انسان از حقیقتی ماوراء ماده‌ی بی‌شعور فیزیکی، یعنی روح و جان برخوردار است؛ که نقش مهمی در حیات وی دارد. چنانچه دانشمندان در سال‌های اخیر به نقش مهم و مؤثر وضعیت روحی و روانی، در بهبود بیماری‌ها و سلامت جسمانی پی برده‌اند. بنابراین کمبود تحقیق و پژوهش در این زمینه از

^۱ انسان موجود ناشناخته، ترجمه‌ی دکتر دبیری، ص ۱۸۳.

^۲ راه و رسم زندگی، ترجمه‌ی دکتر دبیری، ص ۴۶.

.....-۴-

.....

.....

.....

.....

.....

درستی قضاوت علمی ما درباره‌ی قوانین زیستی بشر می‌کاهد؛ زیرا چه بسا که عظمت روحی و سلامت روانی و قدرت معنوی، انسان را از فرسودگی و نابودی باز دارد و به او عمر طولانی و نیروی دائمی بخشد.

می‌پرسند:

بنا بر آمارهای رسمی، عمر متوسط بشر کمتر از ۶۰ سال است؛ این نشان می‌دهد که هنوز رؤیاهای علمی به تحقق نپیوسته و نمی‌توان به اتکال آن اثبات عمرهای طولانی را نمود. پاسخ چیست؟

پاسخ می‌دهیم:

۱- آمار متوسط عمر مردم جهان نمی‌تواند گویای میزان حیات معمولی بشر باشد؛ زیرا که در دنیای امروز به سبب شیوه‌ی غلط زندگی که ناشی از رفتار صرفاً مادی انسان‌هاست، به طور مرتب از عمر افراد کاسته می‌شود؛ چنانچه ۲۵٪ از نیروی انسانی، توان مالی و انرژی فکری بشر صرف نابودی هموعانش می‌گردد. جنگ، قتل و جنایت، فقر، گرسنگی، بیماری، اعتیاد، آب آلوده، تغذیه‌ی نامناسب، آلودگی هوا، فشارهای روانی، استرس و هزاران عامل دیگر مانع رسیدن افراد به حد مناسب عمر می‌گردد؛ در حالی که دوری از این عوامل می‌تواند به میزان زیادی در افزایش عمر مؤثر باشید. بر عمر ما بیفزاید؛ چنان که در سرزمینی مانند قفقاز دوری مردم از این عوامل کشنده باعث شده که سطح متوسط عمر در آنجا بسیار بالاتر از دیگر نقاط باشد و قریب شش هزار نفر مردم آنجا بیش از صد سال داشته باشند. با توجه به اینکه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دور از غوغاها و برخوردهای اجتماعی و نگاه‌های مادی امروز، سرشار از عظمت معنوی و قدرت روحی، به مقتضای امور فطری زیست می‌کنند، عمر طولانی ایشان به هیچ وجه موجب شگفتی نمی‌شود.

۲- علم برای رسیدن به هدف خود، کوشش زیادی نموده و پیشرفت‌هایی هم داشته است. به عنوان نمونه در سال‌های اخیر داروهایی ساخته شده که می‌تواند بر عمر موجود زنده بیفزاید از این نمونه می‌توان به داروت داروی لیوسترول (Livestrol) که تا دو برابر بر عمر موجود زنده اضافه می‌کند اشاره کرد.^۱

^۱ بنا به نوشته‌ی هفته‌نامه‌ی اخبار پزشکی، شماره‌ی ۲۲۴ سال پنجم، دکتر جرج سامیتون استاد علوم پزشکی و تحقیقات بیوشیمی دانشگاه میشیگان آمریکا، این دارو را ساخته است. اثر معجزه‌آسای آن در ازدیاد عمر سلول‌های زنده، امید فراوانی در

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آمارهای رسمی نیز پیشرفت علم را در زمینه‌ی طولانی سازی حیات تأیید می‌نماید، زیرا بررسی تطبیقی آمار متوسط عمر بشر در سال‌های قرن بیستم نشان می‌دهد که میزان متوسط سن در این سال‌ها افزایش داشته است.

ج - اثبات از طریق سنت‌های الهی

می‌پرسند:

سنت جاری الهی بر این مقرر گشته است که انسان‌ها فانی و مردنی باشند؛ و با گذشت زمان پیر و فرسوده گردند، چنانچه خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾^۱؛ هر نفس چشنده‌ی مرگ است و سپس به سوی ما بازگردانیده می‌شود.

و نیز می‌فرماید: ﴿وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ﴾^۲؛ و هر کس را عمر دراز دهیم، در خلقت و آفرینش وارونه سازیم (پیر و ناتوان گردانیم)، آیا پس تعقل نمی‌کنند؟

پس هر خصیصه‌ای که برای مهدی () به عنوان کهنسالی و عمر جاویدان قائلید، مخالف سنت الهی و مردود خواهد بود.

پاسخ می‌دهیم:

۱- عمر طولانی حضرت مهدی هیچ منافاتی با سنت خداوند متعال بر مرگ همگان و آیه‌ی ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ ندارد، و ما در قسمت گذشته، پوچی این دستاویز را آشکار نمودیم.

۲- در هیچ جای قرآن عمر طولانی خلاف سنت الهی قلمداد نشده، در شش موضع که سخن از سنت الهی آمده است، بحثی از زمان مشخصی برای حیات نیست^۱ و مدت زمانی برای آن تعیین نشده است؛ فقط بر

محافل پزشکی به وجود آورده است؛ به طوری که گفته می‌شود در آینده به کمک این دارو به طور معمول می‌توان تا یکصد و پنجاه سال عمر کرد.

^۱ سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۵۷.

^۲ سوره‌ی یس، آیه‌ی ۶۸.

..... ۴-.

.....

.....

.....

.....

.....

این موضوع تأکیده شده است که سرانجام همه‌ی نفس‌ها مرگ را خواهند چشید؛ اما سخنی از مدت زمان آن نیامده است در چه مدت زمانی.

۳- به تعبیر نظریه‌پردازان و علمای علم این سنت‌های الهی دو گونه‌اند: سنت‌های نوعی و سنت‌های اقلی. **سنت‌های نوعی** شیوه‌ی عمومی و طبیعی امور می‌باشند که در جهان جاری هستند؛ مانند این که خاصیت ذاتی آتش سوزاننده بودن آن است.

اما **سنت‌های اقلی** شیوه‌ی ممکن ولی بسیار نادر می‌باشد؛ مانند اتفاقی که برای حضرت ابراهیم افتاد متفاوت با سنت نوعی آتش بود و آتش در آن هنگام سوزانده نبود.

حال چه ایرادی دارد اگر ما عمر طولانی و جوان‌زیستی حضرت مهدی ارواحنا فداه را از جمله سنت‌های اقلی به شمار آوریم و موافق اراده‌ی خداوند متعال بدانیم؟

۴- هرکس که به خدای یکتا، توانا و بی‌نیاز معتقد است و او را آفریننده‌ی جهان و بخشنده‌ی حیات بداند، هرگز بخشش عمر طولانی و جوانی دائمی را به بنده‌ای از بهترین بندگانش، خارج از قدرت و اقتدار او نمی‌شمارد؛ بلکه با قرآن کریم هم‌آواز می‌شود که:

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا﴾؛^۱ و هیچ چیز در آسمان‌ها و زمین نمی‌تواند خدا را عاجز سازد، همانا او دانا و تواناست.

۵- بنابر آیات قرآنی، زندگی و مرگ هرکس به دست خداست. او زندگی می‌بخشد و او می‌میراند؛ لذا تا هر زمان که مشیتش تعلق گیرد، دوام حیات انسان تأمین خواهد شد، چنان که می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾؛^۲ و هیچ نفسی نمی‌میرد مگر به اراده و اجازه خداوند.

^۱ نگاه کنید به آیه‌ی ۷۷ سوره‌ی اسراء، و آیات ۳۷ و ۶۲ سوره‌ی احزاب، و آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی فاطر، و آیه‌ی ۸۵ سوره‌ی مؤمن، و آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی فتح.

^۲ سوره‌ی فاطر، آیه‌ی ۴۴.

^۳ سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۴۵.

و نیز می‌فرماید: «وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ»^۱؛ و هیچ مسنی کهنسال نشود و نیز از عمرش کاسته نگردد، مگر آنکه در لوح الهی ثبت شده باشد. همانا این چنین اموری بر خداوند آسان است.

۶- برخلاف تصوّر مخالفین، قرآن کریم تصریح دارد که خدا به انسان‌ها عمر دراز عطا می‌کند، برای نمونه درباره‌ی گروهی از کافران می‌فرماید: «بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ»^۲؛ بلکه ما ایشان و پدرانشان را از متاع دنیوی بهره‌مند کردیم، تا آنکه مدّتی دراز زندگانی نمودند.

و باز می‌فرماید: «وَلَكِنَّا أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ»^۳؛ و لکن ما روزگارانی بیافریدیم که در آنها مردمان عمر طولانی نمودند.

هنگامی که خداوند مهربان به کافران و منکران، طول عمر می‌بخشد، آیا اگر به حجّت خود در زمین این موهبت را عطا نماید خلاف سنّت خود رفتار کرده است؟!۴

۷- خدای متعال در مورد حضرت یونس که به دریا افکنده شد و طعمه‌ی نهنگ شد و در شکم آن می‌زیست، می‌فرماید:

«فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ* لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»^۵؛ پس به تحقیق اگر یونس از تسبیح‌کنندگان ذات اقدس الهی نمی‌بود البتّه تا روز رستاخیز در شکم ماهی می‌ماند.

^۱ سوره‌ی فاطر، آیه‌ی ۱۱.

^۲ سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۴۴.

^۳ سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۴۵.

^۴ سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۱۴۳ و ۱۴۴.

.....-۴-

.....

.....

.....

.....

.....

.....

این آیه حکایت از قدرت نامحدود و بی‌نهایت ربّانی بر نگهداری موجودی به مدت زمان بسیار طولانی می‌نماید. از این آیه برمی‌آید که خداوند متعال در صورتی که مقرر می‌فرمود تا این مطلب اتفاق افتد؛ هم نهنگ و هم حضرت یونس را عمر طولانی می‌بخشید.

۸- قرآن مجید در داستان عزیز پیامبر که خداوند متعال یکصد سال او را میراند و سپس زنده گردانید، نکته‌ای قابل تأمل را متذکر می‌شود:

﴿فَانْظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ﴾؛^۱ به خوراک و نوشیدنی‌ات بنگر که هنوز کهنه و فاسد نگشته است.

بنا بر روایات، خوراک حضرت عزیز، انجیر یا انگور و نوشیدنی ایشان شیر بوده است که می‌دانیم این مواد به سرعت فاسد می‌شوند. آیا خداوندی که این غذاها را یکصد سال یکنواخت و تازه نگه می‌دارد، نمی‌تواند حجت خود بر مخلوقات را چند برابر عمر معمولی دیگران حیات بخشد؟

۹- گویاترین مورد در این باره سرگذشت حضرت نوح در قرآن است:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ﴾؛^۲ و به تحقیق نوح () را به

سوی قومش فرستادیم و او نهصد و پنجاه سال در میان شان درنگ نمود، پس طوفان آنها را در برگرفت.

این نهصد و پنجاه سال فاصله‌ی میان بعثت حضرت نوح تا وقوع طوفان است؛ اما تمام عمر حضرت نوح را روایات اسلامی بالغ بر دو هزار سال گفته‌اند و گمان نمی‌رود کسی با قبول چنین عمری برای حضرت نوح، در کهن سالی حضرت مهدی تردیدی به خود راه دهد، به ویژه که شباهت حضرت مهدی با حضرت نوح بر اساس روایات ائمه‌ی اطهار در همین عمر طولانی است.

۱۰- چه لزومی دارد که ما کهن سالی و جوان زیستی حضرت مهدی ارواحنا فداه را امری ساده و عادی تلقی و قلمداد کنیم؛ در حالی که این ویژگی وجه امتیاز موعود حقیقی از مدّعیان دروغین به شمار می‌آید و البته خداپرستانی که به معجزات پیامبران الهی هم چون نسوختن حضرت ابراهیم در آتش و ازدها شدن

^۱ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۵۹.

^۲ سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۱۴.

^۳ کمال الدین، ص ۵۲۳.

عصای حضرت موسی و زنده شدن مردگان از دم حضرت عیسی اعتقاد دارند، خیلی آسان می‌بایست طول عمر و بقای جوانی حضرت قائم منتظر ارواحنا فداه را بپذیرند.

۱۱- و اما درباره‌ی آیه‌ی «وَمَنْ نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ»^۱ باید گفت: این آیه‌ی شریفه فقط حکایت از این دارد که در مسیر حیات هر انسان، انقلاب و دگرگونی بر وجود او حاکم است و هراز چند گاهی او را واژگون می‌سازد تا نپندارد که خودش قیوم خویشتن است. نکته قابل توجه در این است که این آیه وقت دقیق و سن مشخصی را برای این تنکیس (پیری، شکستگی، فرسودگی و ناتوانی) تعیین نمی‌نماید تا به استناد آن بتوان با جوان‌زیستی حضرت حجت ارواحنا فداه مخالفت کرد؛ به عبارت دیگر امام زمان هم مشمول این قانون می‌باشند، با این تفاوت که تا وقت رسیدن اجلشان جهت منفی این تنکیس در ایشان به تأخیر می‌افتد.

از مجموع فرازهای پیش نتیجه می‌گیریم که عقیده‌ی شیعه پیرامون دیزریستی «حضرت مهدی» هیچ مغایرتی با موازین عقلی، قوانین طبیعی و سنت‌های الهی ندارد.

به امید ظهور آن یگانه‌ی دوران و زنده‌ی روزگاران...

سؤالات

- ۱- آیا عمر زیاد حضرت مهدی و دوام جوانی خلاف عادت و بی‌سابقه است و عقل آن را بعید می‌داند؟ توضیح دهید.
- ۲- با وجود غیبت و عمر طولانی، وجود حضرت مهدی چگونه اثبات می‌شود؟
- ۳- آیا طول عمر حضرت مهدی خلاف قوانین طبیعی است؟ توضیح دهید.
- ۴- عمر طولانی خلاف قرآن است، زیرا قرآن می‌فرماید: «هر نفس چشنده‌ی مرگ است» و... پس چگونه عمر طولانی حضرت مهدی را توجیه می‌کنید؟

^۱ سوره‌ی یس، آیه‌ی ۶۸.

..... ۴- ..

.....

.....

.....

.....

.....



مبحث هفتم: کارنامه‌ی قیام و ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه

به شهادت قرآن، هدف غایی و غرض نهایی از ارسال پیامبران، همانا برقراری برابری و داد و نابودی نابرابری و بیداد است:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾^۱؛ به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار فرستادیم و با آن‌ها کتاب و میزان نازل نمودیم تا مردم به عدل و انصاف برخیزند.

ضرورت حصول تمام و کمال این مقصد ربّانی در سرتاسر اجتماع انسانی به روشنی پیداست و به اعتقاد شیعه این هدف والا به هنگام قیام آخرین جانشین پیامبر «حضرت مهدی» و در سایه‌ی تعالیم کامل‌ترین دین (آئین اسلام) به دست خواهد آمد. لذا مسلّم‌ترین و پررنگ‌ترین فراز در روایات پیرامون قائم متقم ارواحنا فداه در متون اسلامی، نوید انقلاب شکوهمند و پیروزمندانه‌ی ایشان است که به استقرار حکومت عدالت جهانی اسلامی می‌انجامد.

پیشتر بشارت قرآن کریم به این نهضت عظیم را چنین آوردیم:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾^۲؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آن‌ها را در زمین جانشین کند، چنان که پیشینیان آنها را جانشین کرد، و دینی را که برای ایشان پسندیده، استقرار بخشد و ترس شان را به ایمنی بدل سازد، آنان مرا عبادت می‌کنند و چیزی را با من شریک نمی‌سازند.

و گفتیم که عموم شیعیان و برخی از اهل تسنن وقوع این وعده‌ی حتمی الهی (خلافت بر تمامی گیتی، سیطره‌ی اسلام، امن و امان و یکتاپرستی محض) را به دست توانای حضرت مهدی ارواحنا فداه می‌دانند،

^۱ سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۲۵.

^۲ سوره‌ی نور، آیه‌ی ۵۵.

.....-۴-

.....

.....

.....

.....

.....

.....

در این فرصت به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- از جمله وقایعی که به اتفاق شیعه و سنی به هنگام ظهور حضرت مهدی رخ می‌دهد، نزول عیسی بن مریم از آسمان و اقتدای ایشان در نماز جماعت به امام مهدی می‌باشد.^۱ این نشانه یکی از فرازهای رسوا کننده‌ی مهدی‌نماهای کاذب است.

^۳ منتخب الاثر، ص ۴۷۱ به نقل از روضه کافی.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

نکته‌ی دیگر درباره‌ی ظهور حضرت مهدی، مشخص نبودن وقت ظهور و خروج است. روایات متعددی از این حقیقت یاد کرده‌اند، چنانکه رسول اکرم در پاسخ به پرسش از وقت و زمان قیام حضرت قائم ارواحنا فداه می‌فرمایند:

«إِنَّمَا مَثَلُهُ كَمَثَلِ السَّاعَةِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً»؛^۱ مثل آن مسلماً مانند رستاخیز آخرت است که شما را جز به طور ناگهانی فرا نمی‌گیرد.

و امام صادق می‌فرمایند:

«كَذَبَ الْمُوقَّتُونَ مَا وَقَّتْنَا فِيمَا مَضَى وَلَا نُوقِتُ فِيمَا يَسْتَقْبِلُ»؛^۲ آنان که وقتی تعیین کنند دروغ می‌گویند؛ ما برای این قیام نه در گذشته زمانی معین کرده‌ایم و نه در آینده مشخص خواهیم کرد.

با این حساب هر روایتی که به نحوی برای ظهور وقتی تعیین نموده باشد، مورد ایراد و تردید خواهد بود. آری؛ بشارت به ظهور امام مهدی در تمامی کتاب‌های آسمانی پیامبران قبل بوده است. همه‌ی انبیاء و اولیاء، انتظار آن روز را می‌کشیده‌اند.^۳ ولی غیبت آن امام همام، چه زمان پایان خواهد یافت؟ خدای بزرگ چه‌هنگام به ظهور آن حضرت اذن خواهد داد؟ هیچ کس جز پروردگار متعال نمی‌داند.^۴ به همین جهت، چنان که گفته شد، هر کسی برای ظهور آن حضرت - ارواحنا فداه - وقت معینی را اعلان کند، دروغ می‌گوید. امام مهدی در توقیعی فرمودند:

^۱ کتب معتبر حدیث شیعه و اهل تسنن مانند کتب اربعه و صحاح سته روایاتی در این باره آورده‌اند. علاقمندان به کتاب شریف منتخب الاثر فصل دوم باب ۴۸، و کتاب المهدی نوشته‌ی مرحوم صدر رجوع نمایند.

^۲ منتخب الاثر، ص ۳۰ و ۱۲۲ به نقل از کفایة الاثر.

^۳ منتخب الاثر، ص ۴۶۳ به نقل از غیبت طوسی.

^۴ این مطلب در درس دوم بیان شد.

^۵ ظهور آن حضرت از نظر نامعلوم بودن وقت آن شبیه به قیامت می‌باشد. مراجعه کنید به تفسیر اهل بیت از آیه‌ی ۱۸۷ سوره‌ی اعراف.

.....-۴-

.....

.....

.....

.....

.....

«أَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ وَكَذَبَ الْوَقَاتُونَ»^۱ امر ظهور به دست خداست و آنان که برای ظهور وقت معین می‌کنند دروغ می‌گویند.

البته پایان غیبت امام - که عصر مشکلات شیعه است - و وقت ظهور آن حضرت بی‌ارتباط با دعا و تقاضای مردم نیست؛ زیرا خدای متعال با دعا و ضجّه و ناله‌ی بنی‌اسرائیل، از چهارصد سال عذاب آنان، صد و هفتاد سال باقیمانده را بخشید و با ظهور حضرت موسی آنان را از شرّ فرعون نجات بخشید. از این رو امام صادق برای تعجیل ظهور، مسلمان‌ها را به دعا و ناله به درگاه خدا همانند بنی‌اسرائیل توصیه می‌فرماید.^۲

هنگامه‌ی ظهور

ظهور امام زمان از مکه، از مسجدالحرام و از کنار خانه‌ی کعبه در محلّ حجر الأسود، در حالی انجام می‌شود که:

- یاران سیصد و سیزده گانه‌ی آن حضرت در آن مکان حاضر هستند.^۴
- جبرئیل امین در لحظه‌ی ظهور بر بام خانه‌ی کعبه رفته با فریادی که همه‌ی مردم عالم می‌شنوند و مفهوم آن را می‌فهمند ظهور آن حضرت را اعلان می‌نماید.^۵
- مؤمنین از هر گوشه‌ی عالم برای بیعت با آن حضرت و یاری او می‌شتابند.
- حضرت عیسی از آسمان فرود آمده، با آن حضرت بیعت نموده، در زمره سپاه ایشان قرار می‌گیرد و در نماز به ایشان اقتدا می‌کند.^۶

^۱ کمال الدین، ص ۴۸۴، حدیث ۴.

^۲ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۵۴، حدیث ۴۹.

^۳ بحار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، حدیث ۸۱.

^۴ مراجعه کنید به روایات ذیل تفسیر آیه‌ی ۱۴۸ سوره‌ی بقره: «أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا».

^۵ مراجعه کنید به روایات ذیل تفسیر آیه‌ی ۴ سوره‌ی شعراء: «إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ».

^۶ منتخب الاثر، فصل ۷، باب ۸.

- عده‌ای از مؤمنین که مشتاق یاری آن حضرت بوده و در گذشته‌اند، زنده شده (رجعت می‌کنند) و به سپاه او می‌پیوندند.
- و آن هنگام که یاوران آن حضرت به ده‌هزار نفر رسید آن حضرت قیام نموده؛ مکه را فتح و به مدینه می‌روند. از آنجا به کوفه رفته، در آنجا استقرار یافته و کوفه را پایتخت حکومت جهانی خویش قرار می‌دهند.^۲
- آنگاه از آنجا لشکر خویش را به نقاط گوناگون عالم ارسال می‌کنند.

یاران آفتاب

- از ویژگی‌های یاران امام زمان آن است که لشکر آن حضرت در هیچ جبهه‌ای شکست نخورده، همواره پیروز و سرافراز است.^۳ از جمله دلایل این پیروی‌ها این است که اکثر مردم در برابر لشکر آن حضرت تسلیم می‌شوند؛ چرا که با دیدن معجزات و نشانه‌های الهی آن حضرت، منطق و کلام دلربای ایشان، اخلاق و انسانیت و معنویت آن حضرت و یارانشان، جایی برای انکار نمی‌ماند. اندک مقاومتی هم که از سوی بعضی مخالفین اسلام چون یهود و برخی مخالفین متعصب و دشمن با اهل بیت انجام می‌شود نیز به سادگی درهم می‌شکند.^۴ لذا شرق و غرب عالم برای آن حضرت در عرض هشت ماه فتح می‌گردد.^۵
- در این جنگ و فتوحات علاوه بر یارانی که روز به روز بر مقدارشان افزوده می‌شود،
- ملائکه‌ی آسمانی نیز در خدمت آن حضرتند.^۶
 - نیروها و عوامل طبیعت به فرمان آن حضرت می‌باشند.^۱

^۱ کمال الدین، ص ۳۷۸، حدیث ۲.

^۲ الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۷۵؛ کامل الزیارات، ص ۲۶، حدیث ۱۱.

^۳ بحار، ج ۵۱، ص ۵۹، حدیث ۵۶ (امام صادق) و ص ۲۱۸، حدیث ۶ (امام باقر).

^۴ مراجعه کنید به تفسیر اهل بیت از آیه‌ی ۸۳ سوره‌ی آل عمران که در صدر این درس نقل شد.

^۵ بحار، ج ۵۲، ص ۳۶۱، حدیث ۱۲۹ (امام صادق).

^۶ بحار، ج ۵۲، ص ۳۱۲، حدیث ۵ (رسول اکرم).

..... ۴-.

.....

.....

.....

.....

.....

- ترس و رعب شدیدی همه‌ی ارکان سپاه دشمن را فرا گرفته آنها را از هر اقدامی مانع می‌گردد.^۲
- امام مهدی در این نبردها،
- با ظالمین و طاغوت‌ها درگیر می‌شود و حقّ مظلومان را از آنها ستانده، انتقام ظلم‌های آنها را می‌گیرد؛
- کفار و مشرکین اگر بر کفر خویش پافشاری کنند کشته می‌شوند.
- دشمنان اهل بیت سرکوب می‌گردند.^۳
- عوامل فساد و انحراف شیاطین انسی و جنّی به جزای خویش می‌رسند.
- گردنکشان و سرکشان و منکران حق و حقیقت به قتل می‌رسند.
- و سراسر زمین در سایه‌ی فرهنگ الهی تشیع به رهبری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار می‌گیرد.
- اکنون در ادامه به طرح آثار و فوائد انتظار قیام حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه - می‌پردازیم. چرا که دشمنان شیعه با بدبینی و کوتاه‌نظری، بدان می‌تازند که:
- شیعیان معتقد هستند که باید دنیا پر از ظلم و جور شود و آنگاه رهبر آسمانی آنها بیاید و آن را از عدالت و مساوات مالا مال سازد. بر این پایه ایشان از دیدن و پذیرفتن واقعیات چشم می‌پوشند و از اقدامات اصلاحی دریغ می‌نمایند. در برابر ستم و نابرابری به سکوت و خاموشی می‌گیرند و سرانجام به گسترش جور و فساد کمک می‌کنند تا بلکه منجی آنان زودتر از راه برسد. تمام بی‌سامانی‌ها و پریشانی‌ها و درماندگی‌ها و عقب افتادگی‌های شیعیان از داشتن چنین عقیده‌ی تحذیر کننده ای، سرچشمه گرفته که همچون تریاک و آفیون، جامعه‌ی شیعه را سست، بیمار، راکد و بی‌حال ساخته است و شیعه برای دست یابی به سعادت باید دست از این خیال باطل بردارد.

^۱ بحار، ج ۵۲، ص ۳۸۸، حدیث ۲۰۶ و ص ۳۲۷، حدیث ۴۳ (امام باقر) و ص ۳۲۴، حدیث ۳۶ (امام صادق).

^۲ بحار، ج ۵۲، ص ۳۵۶، حدیث ۱۱۹ (امام صادق).

^۳ بحار، ج ۵۲، ص ۳۷۳، حدیث ۱۶۷ (امام صادق).

.....

.....

.....

.....

.....

.....

بهترین پاسخ این گونه سخنان بیهوده، بیان حقیقت انتظار و تصویر چهره‌ای درخشان از نتایج گرانبهای آن است:

- شیعه از سویی معتقد است که دوازدهمین رهبرش به سبب ناشایستگی و عدم آمادگی جهانیان از آنان رخ برتافته و در نهان زیست می‌کند و هرگاه که آدمیان دست از بدخواهی و ستیزه جویی بشویند و از صمیم دل وی را بجویند، خویشان را خواهد شناساند و زمام پیشوایی جهان را به دست توانای خود خواهد گرفت.

- از سویی دیگر شیعه اعتقاد دارد که اگر آدمیان هم چنان به عصیان و طغیان ادامه دهند و خیره سری و ستمگری پیشه کنند، در آخرین لحظاتی که نابودی حق به دست باطل نزدیک باشد، آن پیشوای مقتدر ربّانی با قوّت و نیروی الهی به پا خواهد خواست و جهان را به سامان و نظام الهی خواهد آراست.

- شیعیان با عنایت به چهره‌ی نخست این عقیده می‌کوشند تا گیتی را مهیای پذیرش حکومت حق و مستعدّ گزینش راه سعادت نمایند و عوامل مخالف حضرت مهدی ارواحنا فداه را از میان بردارند تا حضرتش آشکار شود؛ و آنان را زعامت و امامت کند.

از این جنبه آنان جدّ و جهد می‌نمایند، به تلاش و تکاپو می‌پردازند، لکن دشمن قوی‌تر از آن است که به این سادگی‌ها از پای درآید.

اینجاست که شیعیان با توجّه به چهره‌ی دیگر عقیده‌ی خود، یقین دارند که روزی رهبرشان قیام خواهد فرمود و نجاتشان خواهد داد. بنابراین در مجاهدات و مبارزات خود نومید از پیروزی نگشته، از پای نمی‌ایستند و پشت به جبهه نمی‌کنند. مثل ایشان همچون جنگاورانی است که می‌دانند اگر در نبرد با دشمنان پیروز شوند، سیادت و آقایی از آن ایشان و سالارشان خواهد بود؛ و اگر هم چیره نگردند پیش از نابودی کامل، مولا و منجی آنان می‌رسد و به ایشان رهایی می‌بخشد.

لطف این انتظار هم در این است که برای آمدن حضرت مهدی زمانی تعیین نشده تا شیعیان همیشه چشم به راه ظهورش باشند و هیچگاه از آن مأیوس نشوند.

.....-۴-

.....

.....

.....

.....

.....

.....

چنین اعتقاد و انتظاری برای فرد و جامعه، آثار و نتایج با ارزش و گران‌بهایی در بر دارد که می‌تواند مایه‌ی پیشرفت و تکامل، و ضامن دوام و پایداری گردد. به برخی از این آثار گرانسنگ در ذیل اشاره می‌نمائیم.

۱ - انتظار در روح فرد و روان جامعه امید و باور به فتح را جایگزین سستی و ناامیدی می‌نماید. پیداست چنین احساسی آنان را در قلمرو هدفشان قرار داده، به سوی مقصدشان هدایت می‌کند.

۲ - انتظار انگیزه‌بخش برای سعی، کوشش، حرکت و جنبش می‌شود. پیشرفت و ترقی می‌آورد و آمادگی برای درک و پذیرش حکومت حق و عدالت تولید می‌نماید.

۳ - انتظار در برابر پیشامدهای ناگوار و وقایع دشوار به انسان‌ها انگیزه‌ی پایداری و ثبات می‌بخشد؛ تا بقاء و دوام امت تأمین گردد.

پس انتظار قیام مصلح منتظر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نه فقط موجب رکود و سکون جامعه نیست، بلکه مردم را وامی‌دارد تا در هر لحظه با ایمان تمام بکوشند و بجوشند و بخروشند، کمالات معنوی و مادی کسب کنند و آماده و مهیای برقراری دولت پُرشکوه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه باشند؛ و شاید به پاخواستن شیعیان به هنگام شنیدن نام حضرتش، اعلام همین آمادگی و چشم به راهی باشد. بسیار نکوست که سخن خود را با چند کلام پر ارج از ائمه‌ی طاهرین در باب فضیلت انتظار به انجام رسانیم:

۱ - امام صادق: «هر کس دوست دارد که از اصحاب قائم ما () باشد، بایستی انتظار او را داشته به پاک دامنی و نیک خویی رفتار نماید که اگر پیش از خروج مهدی () بمیرد از یاران او به شمار خواهد آمد. پس بکوشید و تلاش کنید و انتظار کشید که بر شما گوارا باد».^۱

۲ - امام باقر: «اگر به سفارش‌ها و دستورهای ما بدون کم و کاست رفتار نمایید و کسی از شما در این حال پیش از قیام قائم () بمیرد، در زمره شهیدان به شمار خواهد آمد».^۲

^۱ منتخب الاثر، ص ۴۹۷ به نقل از غیبت نعمانی.

^۲ اثبات الهداه، ج ۷ فصل ۲۳.

۳ - امام سجّاد: «همانا مردم زمان غیبت که به امامت مهدی () معتقد و ظهور او را منتظر باشند، از تمام مردم زمان‌ها برترند. خدا به آنان دانش و فهم و خردی بخشیده که در غیبت برای آنان حکم مشاهده را دارد و خداوند به آنان منزلت شهیدان صدر اسلام را عطا فرموده است. ایشان پیروان راستین و بی‌آلایش ما و دعوت‌کنندگان مردم به دین خدا در آشکار و پنهان هستند. چنین انتظاری خود بزرگترین فرج و گشایش می‌باشد»^۱.

خداوند بزرگ تحقّق آن دوران را زودتر و آسان‌تر گرداند.

سؤالات

- ۱- حضرت مهدی راجع به زمان ظهور چه فرموده‌اند؟
- ۲- چگونگی ظهور آن حضرت را اندکی توضیح دهید.
- ۳- مدت زمان جنگ و درگیری چه قدر است؟
- ۴- محل حکومت حضرت مهدی کجاست و ایشان چه زمانی قیام می‌فرمایند؟
- ۵- پاسخ این شبهه که «شیعیان اعتقاد دارند که در مقابل ظلم و ستم نباید مقاومت کرد تا حضرت مهدی زودتر قیام کنند» چیست؟
- ۶- فواید انتظار چیست؟
- ۷- حدیث امام صادق راجع به انتظار را بنویسید.

^۱ کمال الدین، ص ۳۱۹؛ منتخب الاثر، ص ۲۴۳.

..... ۴- ..

.....

.....

.....

.....

.....

مبحث هشتم: حکومت امام مهدی

﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾^۱

بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده خواهد کرد.

با قیام امام مهدی و جنگ و جهاد چند ماهه‌ی ایشان علیه دشمنان، سرانجام مشرکین، گردنکشان، ستمگران، مخالفین، افراد فاسد و منحرف، تسلیم اسلام می‌شوند و یا نابود شده و کلّ زمین تسلیم فرمان خدا و در تحت حاکمیت و تا قرار خواهد گرفت. قرآن، اهداف اصلی حکومت آن حضرت را این گونه ترسیم فرموده است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۲

خداوند مومنان و نیکوکاران شما وعده داده است که آنان را هم چون پیشینیان به خلافت در زمین رسانیده، دینی که به آن دین برای آنان خشنود است را قدرت داده، ترس آنان را به امنیت تبدیل کند. همه مرا می-پرستند و به من شرک نخواهند آورد.

بنا بر آیه‌ی فوق اهداف حکومت آن حضرت را می‌توان به چهار دسته ذیل تقسیم بندی کنیم چهار نکته‌ی ذیل می‌باشد:

۱. از بین رفتن شرک: بندگی خدا و سر به آستان جز خدا نساییدن که هدف غایی آفرینش است، در عصر حکومت امام زمان در تمامی جهان تحقق می‌یابد؛ زیرا آن حضرت سخت‌ترین مبارزه را با کفار و

^۱ سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۱۷.

^۲ سوره‌ی نور، آیه‌ی ۵۵.

مشرکین نموده، شرک و چندگانه پرستی را تحت هر عنوانی که باشد از بین می‌برد. بنابراین در آن زمان در کل جهان فقط خدا پرستش می‌شود.

قرآن این ویژگی حکومت آن حضرت را این گونه بیان می‌کند:

﴿الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ﴾^۱؛ آنها کسانی هستند که چون آنها را در زمین به قدرت برسانیم، نماز را برپا داشته، زکات می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند.

پیامبر اکرم (ص) آن دو زن را این گونه توصیف می‌فرماید: «فَلَا يَبْقَى عَلَى ظَهْرِ إِلَّا مَنْ يَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»^۲؛ در روی زمین جز گوینده‌ی شعار توحید و یکتا پرستی کسی باقی نمی‌ماند.

۲. حاکمیت اسلام و تشیع: قانون آن دولت جهانی و فرهنگ حاکم بر جهان آن عصر، اسلام خواهد بود -

آن هم اسلامی که «خدا به آن خشنود است» که همان اسلام روز عید سعید غدیر^۳؛ یعنی اسلام حاوی امامت و اسلام شیعی است. در آن زمان، اسلام بر همه‌ی ادیان غلبه یافته، حاکمیت اسلام بر همه‌ی دنیا ظاهر خواهد گردید. قرآن این واقعیت را در آیه‌ی زیر نیز یادآور شده است:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۴

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن دین را بر همه‌ی ادیان دیگر غلبه دهد، هر چند که مشرکان از آن ناخشنود باشند.

^۱ سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۱.

^۲ البیان فی اخبار صاحب الزمان گنجی شافعی؛ منتخب الاثر، ص ۱۵۸.

^۳ آیه‌ی سوم سوره‌ی مائده (آیه‌ی اکمال دین) که در روز غدیر نازل شده بیانگر این حقیقت است که «اسلام مورد رضایت اسلام معتقد به ولایت و غدیر، یعنی همان تشیع است، زیرا خداوند فرموده: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾.

^۴ سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۳۳؛ سوره‌ی صف، آیه‌ی ۹؛ سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۲۸ به لفظی مشابه.

..... ۴-.

.....

.....

.....

.....

.....

آن حضرت منافقان و دشمنان اهل بیت را نابود می‌کند؛ تمامی بدعت‌هایی که در اسلام وارد شده است را از بین برده، احکام و سننی که فراموش گردیده است را برقرار و احیا ساخته، اسلام را تجدید بنا می‌کند برای اولین بار حکومت الهی در همه‌ی ابعاد آن، در سراسر عالم اجرا می‌شود.

پیامبر اکرم در این باره می‌فرماید: «يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَشَرِيْعَتِي وَيَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ»؛ مردم را به شریعت و دیانت حق (یعنی اسلام) استوار می‌دارد و ایشان را به کتاب خدا (یعنی قرآن) دعوت می‌کند. امام صادق نیز فرموده‌اند: «لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُوْدِيَ فِيهَا شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»؛ هیچ سرزمینی نمی‌ماند مگر آن که بانگ شهادتین اسلام در آن برمی‌خیزد.

۳. **برقراری عدالت و امنیت:** از برترین اهداف حکومت آن حضرت، برقراری عدالت و از بین بردن ظلم و جور در همه‌ی اشکال و آن می‌باشد. در جامعه‌ای که ظلم نباشد امنیت خواهد بود و این امنیت باعث ایجاد امنیت و ثروت خواهد شد. از ویژگی‌های حکومت امام مهدی این است که آن حضرت در اختلافات بین افراد از طریق علم الهی به باطن آنها و دیگر از صورت ظاهری و از راه شاهد و بینة حکم صادر نمی‌نماید. از این جهت نحوه‌ی قضاوت آن حضرت، به قضاوت حضرت داود شباهت دارد. امام باقر در این باره می‌فرماید: «وَيُعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ»؛ میان همه‌ی آفریدگان خدای مهربان چه نیکان و چه بدان به عدالت رفتار می‌نماید.

امام صادق نیز در همین رابطه می‌فرماید: «يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا وَنُورًا»؛ زمین را از برابری و دادگری و روشنی آکنده می‌سازد.

^۱ بحار، ج ۵۲، ص ۳۷۶، حدیث ۱۷۷.

^۲ الارشاد، نوشته‌ی شیخ مفید، ص ۳۴۶؛ بحار، ج ۵۲، ص ۳۵۲، حدیث ۱۰۸.

^۳ کمال الدین، ص ۴۱۱؛ منتخب الاثر، ص ۱۸۲.

^۴ منتخب الاثر، ص ۲۹۳.

^۵ غیبت نعمانی؛ منتخب الاثر، ص ۳۱۰.

^۶ غیبت نعمانی؛ منتخب الاثر، ص ۳۱۰.

۴. **تشکیل دولت جهانی:** دولت امام زمان عجل الله تعالی فرجه دولتی جهانی است؛ یعنی پنج قاره‌ی جهان تبدیل به یک کشور شده، مرزها برچیده می‌شود، دولت‌ها از بین رفته، اختلافات و جنگ‌ها خاتمه یافته، کلّ انسان‌ها یک ملّت گردیده و بر کلّ جهان یک دولت و یک حاکمیت حکم‌فرما خواهد بود. چنان که امام باقر می‌فرمایند: «وَيَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ»^۱ و سلطنت او خاور و باختر زمین را می‌گیرد.

به امید آن روز که تمامی جهان از بانگ توحید و ولایت سرشار گردد...

سؤالات

۱- اهداف حکومت حضرت مهدی را ذکر نمایید.

^۱ کمال الدین، ص ۳۳۱؛ منتخب الاثر، ص ۲۹۳.

..... ۴- ..

.....

.....

.....

.....

.....

۲- قضاوت حضرت مهدی چگونه است و به کدام پیامبر شبیه است؟

..... ✍

مبحث نهم: برخی از فضائل امام مهدی

﴿السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾^۱

«آنان که سبقت در ایمان دارند مقرب درگاه خداوند».

فضائل و کمالات همه‌ی پیشوایان دین به ویژه امام زمان بالاتر از آن است که انسان‌ها بتوانند بر آن احاطه پیدا کنند؛ زیرا مقام آنها از دسترس فکر و اندیشه‌ی بشر بالاتر بوده، صرفاً خداوند و دیگر حجّت‌های الهی به اوج مقام آنها واقف هستند؛ اما به جهت بهره‌مندی و آگاهی از صفات امام محبوب مان، در این بخش برخی از فضائل و کمالات امام مهدی که بر گرفته از متون این روایات اسلامی است را، بررسی می‌نماییم.

۱- امام زمان هم چون دیگر رهبران الهی معصوم از هر گناه و مصون از هر خطا و منزّه از هر گونه نقص و پیراسته‌ی از هر گونه آلودگی بوده، آیه‌ی تطهیر^۲ در شأن آن بزرگوار نیز می‌باشد. لذا امر آن حضرت - ارواحنا فداه - فرمان خدا، خشنودی حضرت رضایت خدا، و خشم او غضب خدای متعال می‌باشد.

چنان‌که در زیارت آن حضرت می‌خوانیم:

«فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ وَالْبَاطِلُ مَا اسَخْتُمُوهُ وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُم بِهِ وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُم عَنْهُ»؛

حق آن است که شما به آن خشنود باشید، و باطل آن است که شما بر آن خشمگین شوید، و پسندیده آن است که شما به آن فرمان دهید، و ناپسند آن است که شما از آن بازدارید.^۳

۲- مقام و منزلت امام زمان از همه‌ی فرشتگان و پیامبران الهی (جز پیامبر اکرم) بالاتر است. جبرئیل به هنگام ظهور بر دست آن حضرت بوسه می‌زند.^۱ حضرت عیسی وقتی برای یاری آن حضرت از آسمان به

^۱ سوره‌ی واقعه، آیه‌ی ۱۰.

^۲ سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۳: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾.

^۳ مفاتیح الجنان، زیارت آل یس.

.....-۴-

.....

.....

.....

.....

.....

زمین فرود آید، - طبق حدیثی مشهور که شیعه و اهل سنت نقل کرده‌اند- در نماز جماعت به آن حضرت اقتدا کرده و در زمره یاران و افسران سپاه آن حضرت قرار می‌گیرد. امام صادق آرزوی خدمتگزاری آن حضرت را داشته.^۳ امام رضا به هنگام شنیدن لقب قائم () به پا خاسته دست بر سر نهاد و برای ظهور آن حضرت دعا کرده‌اند.^۴

۳ - امام زمان از علم الهی برخوردار بوده، جهان و همه ی خلایق در محضر آن حضرت بوده، ملائکه گزارش افعال بندگان را هر روز به خدمت آن حضرت ابلاغ می‌کنند.^۵

امام ما را می‌بیند و از اعمال و افکار ما با خبر هستند. آن حضرت شاهد الهی بر بندگان بوده، راز دل ما را می‌داند؛ چنانچه ایشان در نامه‌ای به شیخ مفید اینچنین مرقوم فرمودند:

«فَإِنَّا يُحِيطُ عَلَمُنَا بِأَنْبَاكُمْ وَلَا يَغْزُبُ عَنْ شَيْءٍ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»؛ به درستی که دانش ما بر اخبار شما احاطه دارد و چیزی از مطالب شما از ما پوشیده نیست.

۴ - حضرت مهدی نماینده ی رأفت و رحمت خدا در زمین هستند. آن حضرت همچون پدری مهربان و مادری دلسوز بوده،^۶ همه ی انسان‌ها امت و رعیت آن حضرت به حساب می‌آیند و شیعیان، به ویژه آنان که به یاد حضرت بود و متوسل به ایشان باشند، از عنایات و رسیدگی‌های خاصه ی آن حضرت ارواحنا فداه بهره‌مند می‌گردند.

در جمله‌ای دیگر از نامه ی آن حضرت به جناب شیخ مفید آمده است:

^۱ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸ به نقل از امام صادق .

^۲ منتخب الاثر، فصل ۷، باب ۸ .

^۳ بحار، ج ۵۱، ص ۱۴۸، حدیث ۲۲: لَوْ أَدْرَكْتُه لَخِدْمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي.

^۴ منتخب الاثر، ص ۵۰۶، ح ۳.

^۵ مراجعه کنید به تفسیر اهل بیت از آیه ی ۱۴۳ سوره ی بقره و آیه ی ۱۰۵ سوره ی توبه.

^۶ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵، حدیث ۷.

^۷ کافی، ج ۱، ص ۲۰۰ از حضرت رضا .

«إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ»؛ ما در رسیدگی به حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما از خاطرمان نمی‌رود.

۵ - حضرت مهدی ارواحنا فدا از بسیاری صفات و سنت‌های انبیا و ائمه‌ی قبل بهره‌مند هستند. ایام حمل و ولادت ایشان چون تولّد حضرت ابراهیم و موسی مخفیانه بوده است.^۲ امامت ایشان چون حضرت عیسی و یحیی و حضرت جواد و امام هادی در کودکی آغاز شده است.^۳ عمر حضرت هم‌چون حیات حضرت نوح و حضرت خضر طولانی است.^۴ غیبت ایشان همانند غیبت حضرت ادریس و صالح و ابراهیم و یوسف و موسی است.^۵ جوان زیستی آن حضرت به حضرت یونس شبیه است.^۶ صبر امام بر تنهایی و مشکلات عصر غیبت، چون صبر حضرت ایوب می‌باشد، قیام آن حضرت - عجل الله تعالی فرجه الشریف - پس از ظهور هم‌چون جدّش رسول خدا به شمشیر است.

حضرت سجّاد فرمودند: «در مهدی سنت‌هایی از انبیاء وجود دارد، از آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و ایوب و محمد. پس سنت آدم و نوح در او، طول عمر است. سنت ابراهیم در او، پنهانی ولادت و دوری از مردم می‌باشد. سنت موسی ترس و غیبت است. سنت عیسی اختلاف مردم درباره‌ی او است. سنت ایوب گشایش مشکلات بوده سنت پیامبر قیام به شمشیر می‌باشد».^۷

در پایان به محضر خداوند متعال دست نیایش بلند کرده و ضمن دعا بر فرج آن امام عزیز از پروردگار مهربان چنین می‌خواهیم:

^۱ بحار الانوار [ج ۵۳، ص ۱۷۵، حدیث ۷.

^۲ در درس پنجم آمد.

^۳ در درس ششم طرح گردید.

^۴ به درس هشتم بنگرید.

^۵ کمال الدین، باب ۱ تا باب ۷.

^۶ منتخب الاثر، ص ۲۸۴ و ۲۸۵ حدیث ۲.

^۷ کمال الدین، ص ۳۲۲، حدیث ۳.

..... ۴- ..

.....

.....

.....

.....

.....

خداوندا، معرفت حجت حضرت مهدی را به ما عطا کن که اگر او را به ما
شناسانی از دین خود گمراه شده‌ایم.^۱

سؤالات

- ۱- مقام و منزلت امام زمان نسبت به فرشتگان و پیامبران الهی چگونه است؟ توضیح دهید.
- ۲- آیه‌ی تطهیر را بنویسید و ترجمه نمایید.
- ۳- حضرت مهدی در توقیعی به شیخ مفید در مورد علم و دانش خویش چه فرمودند؟
- ۴- «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ» را ترجمه نمایید و توضیح دهید.
- ۵- حضرت سجاد چه سنت‌هایی را از انبیای پیشین برای حضرت مهدی ذکر فرموده‌اند؟

^۱ مفاتیح الجنان، دعای عصر غیبت.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مبحث دهم: یاران امام مهدی

﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾^۱

پس به زودی خداوند گروهی را می آورد که آنان را دوست داشته، ایشان نیز دوستدار خدایند. در برابر مؤمنین سرافکنده و بر کافران سرافرازند. در راه خدا جهاد نموده و از ملامت هیچ سرزنش کننده ای نمی هراسند.

یاران خاص امام زمان حضرت مهدی، در آغاز به تعداد جنگاوران جنگ بدر، سیصد و سیزده نفر بوده^۲، تدریجاً بر عده ای آنها افزوده می گردد تا آنجا که به ده هزار نفر می رسند.^۳ این افراد از مقامی بس بلند برخوردار هستند که حتی انبیاء و اولیای الهی نیز آرزومند آن بوده اند که از یاران حضرت بقیه الله به شمار آیند. در درس هشتم گفتیم که امام صادق در آرزوی خدمتگزاری آن حضرت بوده، می فرموده اند: «لَوْ أَدْرَكْتُه لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»؛ اگر من ایام مهدی را درک کنم، تمام عمرم را در خدمت او می گذرانم. هم چنین در ادعیه وارد شده از ائمه (ع)، مکرراً این مقام از خداوند متعال درخواست شده است، آنجا که می گوئیم:

^۱ سوره ی مائده، آیه ی ۵۴.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۳، حدیث ۳۳ از امام سجاد .

^۳ کمال الدین، ص ۶۵۴، حدیث ۲ از امام صادق .

^۴ الغیبة نعمانی، ص ۲۴۵، ح ۱۳.

..... ۴- ..

.....

.....

.....

.....

.....

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُتَثَلِّينَ لِأَوَامِرِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ»؛ خدایا مرا از یاران و یاوران مهدی () و مدافعان قرار ده و از آنان که در انجام نیازهای او می‌شتابند و فرمان‌های او را اطاعت می‌کنند و از او حمایت می‌کنند و در تحقق خواست او سبقت می‌گیرند و در پیشاپیش او به شهادت می‌رسند.

صفات یاوران مهدی

ولی این مقام بلند در پرتو چه صفات و کمالاتی نصیب یاران آن حضرت گردیده است؟ چه نیکو است که با آگاهی از ویژگی‌ها و صفات آنان و تلاش در جهت اکتساب آن صفات بکوشیم تا به عنایت خداوند متعال در صف یاران آن حضرت قرار گیریم. برخی از صفات یاران حضرت بقیه الله ارواحناده- آن گونه که از روایات برمی‌آید،- به قرار زیر است:

۱- عبادت و پارسایی

یاران حضرت مهدی بندگان واقعی خداوند متعال بوده، اهل عبادت و تقوی می‌باشند. امام صادق در توصیف آنان می‌فرماید: «آنان مردانی شب زنده‌دار هستند که شب را به عبادت گذرانیده به هنگام نماز زمزمه‌ای چون صدای زنبور عسل دارند».^۱ ولی از آن جهت که معمولاً دو صفت تلاش و شب زنده‌داری کمتر در یک فرد گرد می‌آید، در روایت دیگری از آن حضرت این گونه آمده است: «سجده بر پیشانی آنها اثر گذارده، آنان شیران روز و نیایشگران شب‌اند».^۲

^۱ مفاتیح الجنان، دعای عهد.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸، حدیث ۸۲.

^۳ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶، حدیث ۲۰۲.

۲- قدرت و تلاش

اصحاب امام زمان جوان بوده، سالخورده در میان آنها جز اندکی یافت نمی‌شود. امیرالمؤمنین فرمودند: «اصحاب مهدی () جوان بوده، سالخورده در میان آنها نیست، مگر به مقدار سُرْمه در چشم و نمک در غذا».^۱

جوان بودن رمز توانایی و تلاش و بی‌باکی و جهادگری آنها است. زیرا آنان وظایف سنگینی بر عهده دارند که جز با قدرت و شجاعت و خستگی ناپذیری، انجام شدنی نیست.

امام صادق فرمودند: «هر یک از آنان قدرت چهل مرد را داراست. آنها دل‌هایی استوارتر از پاره‌های آهن دارند، تا به آنجا که اگر از برابر کوه‌های آهنین بگذرند آن را ریشه کن می‌کنند. شمشیرها را غلاف نمی‌کنند تا آن زمان که خدا خشنود گردد».^۲

در روایت دیگری از آن حضرت می‌خوانیم: «اگر مأموریت سرکوب شهری را داشته باشند، آن را ویران ساخته، (در سرعت عمل) هم چون عقاب نشسته بر اسب می‌باشند».^۳

۳- ایمان و بصیرت

یاران امام مهدی از ایمانی قوی، همراه با علم و بصیرت بهره‌مند می‌باشند. آنان خدا را به حقیقت معرفت می‌شناسند^۴ و هرگز شبهه‌ای درباره‌ی خداوند در قلب آنان راه نمی‌یابد.^۵ آنها کسانی هستند که معارف

^۱ الغیبة شیخ طوسی، ص ۴۷۶، حدیث ۵۰۱.

^۲ کمال الدین، ص ۶۷۳، حدیث ۲۶.

^۳ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸، حدیث ۸۲.

^۴ در روایات بسیاری یاران آن حضرت اینگونه وصف شده اند: «رجالٌ عرفوا الله حق معرفته»؛ کشف الغمة اربلی، ج ۳، ص ۲۶۸ از امیرالمؤمنین.

^۵ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸، حدیث ۸۲.

.....-۴-

.....

.....

.....

.....

.....

خویش را صرفاً از کتاب خدا و روایات معصومین گرفته، به هیچ وجه به منبع و مأخذ دیگری در کسب علم مراجعه نمی‌کنند. آنان فقیه در دین بوده، از علمی ژرف برخوردار می‌باشند. حضرت امام صادق در وصف آنان فرمودند: «مؤمنینی که خدا مهدی () را در میان آنها به پا می‌دارد، افرادی برگزیده و شایسته‌ی قضاوت و حکومت بوده و فقیه در دین می‌باشند».^۲

۴- دلبستگی و فرمانبرداری

عشق و علاقه به حضرت مهدی قلب یاران آن حضرت را فرا گرفته، هم چون غلامی در برابر ارباب خویش، فرمانبردار آن حضرت بوده، تسلیم فرامین ایشان می‌باشند و در هیچ شرایطی یاری آن حضرت را رها نمی‌کنند.

امام صادق فرمودند: «یاران مهدی () دست‌های خود را بر زین مرکب امام می‌کشند تا به آن تبرک جویند. به دور آن حضرت حلقه می‌زنند و در جنگ‌ها جسم و جان خویش را سپر بلای او می‌کنند و هر آنچه که آن حضرت از آنان بخواهد را انجام می‌دهند».^۳

پایان بخش این بحث رهنمودی از امام ششم حضرت صادق در صفات یاران آن حضرت می‌باشد: «مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ»؛ کسی که می‌خواهد از یاران مهدی () گردد پس باید انتظار ظهور او را کشد و به پاکدامنی و اخلاق نیک عمل کند در حالی که منتظر ظهور آن حضرت است.

چه نیکو است که این درس را با دعایی از حضرت امام رضا پایان داده، و از پروردگار متعال تقاضا کنیم:

^۱ کافی، ج ۱، ص ۴۹۹، حدیث ۸۳ از حضرت باقر در تفسیر آیه ۱۵۷ سوره اعراف: «وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ».

^۲ دلائل الامامة طبری، ص ۳۱۰.

^۳ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸، حدیث ۸۲.

^۴ الغيبة نعمانی، ص ۲۰۰، حدیث ۱۶.

.....
.....
.....
.....
.....
.....

«اللَّهُمَّ ... اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَتُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا»؛^۱

خدایا... ما را از کسانی قرار ده که دینت را توسط آنها یاری می‌دهی و یاری ولایت را به وسیله‌ی آنها بزرگ می‌گردانی و دیگران را در این مقام جایگزین ما مگردان.

سؤالات

- ۱- امام صادق راجع به خدمتگزاری حضرت مهدی چه فرموده‌اند؟
- ۲- ویژگی‌های یاران خاص آن حضرت را ذکر کنید.
- ۳- در مورد عبادت و پارسایی یاران حضرت مهدی حدیثی بنویسید.
- ۴- در مورد قدرت و تلاش یاران حضرت مهدی حدیثی بنویسید.
- ۵- امام صادق برای کسانی که می‌خواهند از یاوران آن حضرت باشند، چه ویژگی‌هایی برشمرده‌اند؟

^۱ مفاتیح الجنان، دعای عصر جمعه.

..... ۴- ..

.....

.....

.....

.....

.....

مبحث یازدهم: حقوق امام مهدی بر ما

﴿أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ﴾^۱

سپاسگزار من و پدر و مادرت باش.

امام مهدی از ابعاد گوناگون حقوق فراوانی بر ما دارند که توجه به آنها ما را در انجام وظائف و تکالیف خویش نسبت به آن حضرت موفق‌تر می‌نماید. اندکی از این حقوق در این درس بررسی می‌گردد:

حق هدایت و تعلیم

هدایت خدا به بشر توسط انبیاء و ائمه اطهار رسیده، هادی و معلّم الهی در زمان ما حضرت مهدی هستند؛ لذا هر حقّی که یک معلّم بر شاگرد خویش دارد و هر حقّی که یک هدایتگر بر هدایت شده دارد، امام عصر ارواحنا فداه بر همه‌ی مؤمنین در این زمان دارا می‌باشند.

حق پدری و مادری

گرچه والدین دارای حقّ بزرگی بر فرزندان خویش هستند؛ امّا ولی حقیقی در هر زمان، امام و پیشوای الهی آن زمان است. لذا پیامبر اکرم خود و امیرالمؤمنین را به عنوان دو پدر برای این امت معرفی فرمودند.^۳

^۱ سوره لقمان، آیه ۱۴.

^۲ جهت مطالعه و بررسی این حقوق به جلد اول کتاب شریف مکیال المکارم تألیف عالم بزرگوار میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی مراجعه نمایید.

^۳ المفردات، تألیف راغب اصفهانی، ذیل لغت «اب».

دلسوزی امام زمان و رسیدگی آن حضرت به حال امت خویش و محبت و دلبستگی ایشان به محبتین و پیروان، به یقین از محبتی که هر کس از پدر و مادر خویش می‌بیند بالاتر است؛ لذا در روایتی حضرت رضا امام معصوم را اینگونه معرفی فرمودند:

«إِلَامُ الْأَنْبِيَاءِ وَالرَّافِقُ وَالْوَالِدُ الشَّقِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ»؛ امام دوست همراه و پدر دلسوز و برادر مهربان و مادر نیکوکار نسبت به فرزند کوچک خویش است.

حق امام بر رعیت

خلیفه و امام منصوب از جانب خدا، حقوق فراوانی بر مردم دارد. حجت‌های الهی خلیفه و حاکم زمان خویش می‌باشند و امروز امام زمان از جانب خداوند، خلیفه، سلطان و امام این دوران بوده و ما رعیت آن حضرت می‌باشیم؛ لذا هر حقی که حاکم بر رعیت و سلطان بر مردم دارد، حضرت مهدی از همه‌ی آن حقوق بر ما برخوردار می‌باشند.

اکنون که مشخص شد امام مهدی ارواح‌فداه راهنما و معلم، پدر و مادر دلسوز، خلیفه و امام عصر ما است، پس در قبال هر یک از این شئون و وظایف فراوانی نسبت به آن بزرگوار بر عهده‌ی ما می‌باشد که انجام آنها ضروری است. بدین جهت در دعای ندبه از خدای متعال تقاضا می‌کنیم: «وَأَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ»؛ خدایا ما را در آرای کامل حق‌هایی که آن حضرت - ارواحنا فداه - بر ما دارند یاری ده.

سوالات

- ۱- حقوق امام عصر بر ما را بیان نمایید.
- ۲- امام رضا امام را چگونه معرفی می‌نمایند؟
- ۳- در دعای ندبه برای جبران حقوق امام عصر چه می‌گوییم؟

^۱ کافی، ج ۱، ص ۲۰۰، حدیث ۱.

^۲ مفاتیح الجنان، اواخر دعای ندبه.

..... ۴-.

.....

.....

.....

.....

.....

مبحث دوازدهم: وظایف ما درباره‌ی امام مهدی

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾^۱

ای افراد با ایمان! تقوی پیشه کرده و با راستگویان همراه باشید.

ما همچون دیگر مسلمانان، نسبت به امام عصر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه تکالیف فراوانی داریم. آن حضرت ارواحنا فداء حقوق فراوانی بر ما دارند؛ و حسن سپاسگزاری که فطری هر انسانی است، ایجاب می‌کند نسبت به انجام آن وظایف کوشا باشیم. این تکالیف آن قدر زیادند که تعدادی از عالمان بزرگوار شیعه کتاب‌ها یا فصل‌هایی از کتاب‌های خود را به این موضوع مهم اختصاص داده‌اند؛ و تعداد این وظایف راتا هشتاد وظیفه ذکر کرده‌اند.^۲

در ادامه با اندکی از این تکالیف آشنا می‌گردیم:

محبت

چنانچه می‌دانیم، قرآن کریم محبت و علاقمندی به اهل بیت پیامبر اکرم (قربی) را بر هر مسلمانی واجب دانسته است.^۳ یقیناً در عصر حاضر در بین بستگان نزدیک رسول خدا شخصیتی چون امام زمان حضرت مهدی وجود ندارد که از هر کس دیگر به آن حضرت نزدیک‌تر باشد. در عصر حاضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف برترین فرزندان آن حضرت می‌باشند. لذا طبق صریح آیه‌ی قرآن، محبت آن بزرگوار بر همه‌ی مسلمان‌ها واجب و لازم است.

^۱ سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۱۹.

^۲ مکیال المکارم، نوشته‌ی عالم بزرگوار میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی، ج ۲ فصل ۸.

^۳ سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۲۳: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

محبت اهل بیت اگر چه اساساً موهبتی الهی است^۱ ولی با کثرت ارتباط و مراجعه به آن بزرگواران، توسل و درخواست از خود ایشان افزون‌تر می‌گردد. پس می‌توان با مطالعه‌ی کتاب‌هایی درباره‌ی آن حضرت، شناخت کرامات و مهربانی‌های آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف در رسیدگی به شیعیان، توسل و مراجعه‌ی به آن پدر مهربان ارواحنا فداه و... محبت خویش را به آن امام عزیز - به اذن و لطف خدا - افزایش داد.

دعا

هر کس به امام زمان علاقمند باشد، قطعاً هجران و دوری آن بزرگوار در ایام غیبت را نپسندیده، با دعای بر ظهور خواهان حضور ایشان است؛ لذا خود آن حضرت در توقیعی این گونه امر فرموده‌اند:

«وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»^۲؛ برای تعجیل در ظهور زیاد دعا کنید، که در این دعا، گشایش کار شما خواهد بود.

انتظار

بزرگ‌ترین عمل و والاترین عبادتی عبادت، انتظار ظهور آن امام همام می‌باشد، زیرا در روایات فراوانی، انتظار بالاترین عبادت، جهاد و عمل معرفی شده است.

رسول خدا فرمودند: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ»^۳؛ برترین اعمال امت من انتظار ظهور مهدی () است.

در برخی از روایات، مقام منتظر به مقام جنگاوران جنگ بدر تشبیه شده^۴؛ و چنین کسی همانند افرادی که در خیمه‌گاه امام زمان به سر برده، با دشمنان آن حضرت می‌جنگند، معرفی شده است.^۵

^۱ تحف العقول، تألیف ابن شعبه، ص ۳۱۳ از امام صادق .

^۲ کمال الدین، باب ۴۵، حدیث ۴.

^۳ بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۲، حدیث ۲ و ۷ و ۱۱ و ۲۱ و ۳۳ و ۶۵؛ کمال الدین، باب ۵۵، حدیث ۳.

^۴ بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۲، حدیث ۱۸ و ۲۴.

^۵ بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۲، حدیث ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۳۰ و ۵۰ و ۵۳ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۶۹.

.....-۴-

.....

.....

.....

.....

.....

اما انتظار چیست که چنین مقام بلندی برای آن در نظر گرفته شده است؟ انتظار چیزی جز بی صبری برای برپایی حق و رسیدن دولت شکوهمند آن بزرگوار، و ناشکیبایی در دیدار آن عزیز نمی باشد.

آیا اتفاق افتاده است که شما منتظر قدوم دوستی باشید؟ مگر نه این است که به اطراف می نگرید؟ به ساعت خود پی درپی نگاه می کنید؟ صلوات و لعن فرستاده، نذر می کنید؟ و خلاصه اینکه قرار ندارید؟! این همان انتظار است. انسان برای ظهور امام غایب باید اینگونه باشد!

بدیهی است چنین انتظاری، ثمره‌ی معرفت و بصیرت به مقام آن حضرت و برنامه‌های الهی او بوده، نتیجه‌ی محبت انسان نیز هست. این گونه انتظاری اثری جز دعا، ثمری جز خودسازی، تقوا، کسب معرفت و بازتابی جز آمادگی برای یاری آن حضرت ارواحنا فداه نخواهد داشت.

ارتباط

از وظایف هر شیعه این است که به امام خویش معتقد بوده، به یاد او باشد. به محضر او در حج و غیر آن مشرف شده، از وجود مقدس و نورانی ایشان فیض ببرد. و خلاصه اینکه در غیبت و حضور، ارتباط خویش را با پیشوای الهی زمان حفظ نماید.

قرآن به این حقیقت اینگونه اشاره می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱ ای افراد مؤمن صبر نموده، مقاومت کنید و با یکدیگر ارتباط برقرار نموده، تقوی پیشه سازید تا شاید رستگار شوید.

حضرت امام باقر آیه‌ی فوق را اینگونه تفسیر فرمودند: «بر انجام واجبات صبر پیشه ساخته، در برابر دشمن شکیا بوده، با امامی که انتظار ظهورش را می کشید ارتباط برقرار نمایید».^۲

^۱ سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۲۰۰.

^۲ تفسیر البرهان، نوشته‌ی سید هاشم بحرانی، ج ۱، ص ۳۳۴، حدیث ۲ و ۳ و ۱۲.

غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه هرگز مانعی برای این ارتباط نیست، زیرا غیبت حداکثر مانع فیض حضور بوده، هرگز از ارتباط معنوی و قلبی مانع نمی‌گردد.

روش عملی این کار چنین است که انسان در مشکلات خویش - که زندگانی هیچ انسانی از آن خالی نیست - چه مشکلات اعتقادی یا اخلاقی، مادی یا معنوی، فردی یا اجتماعی، درسی یا خانوادگی و... به جانب آن امام عزیز و پدر مهربان، متوسل گردد، مشکلات خود را عرضه و از آن حضرت راه خروج از آن مشکل را بطلبد. برخی از ادعیه و زیاراتی که ما را به خواندن آنها امر نموده‌اند، هم چون دعای «اللهم کن لولیک...» در نمازهای یومیه، دعای عهد در هر صبح، زیارت آل یس در طول هفته و... را مرتباً تلاوت کند و به این ترتیب ارتباط خویش را با امام زمان ارواحنافداه برقرار سازد.

خداوند متعال همه‌ی ما را به وظیفه‌شناسی و انجام آن‌ها در برابر آن حضرت موفق‌تر گرداند و دعای خیر امام زمان را بدرقه‌ی راهمان قرار دهد. إنشاءالله...

سؤالات

- ۱- مختصری از وظایف ما نسبت به امام عصر را بیان نمایید.
- ۲- حضرت مهدی در توقیع خویش راجع به دعا چه فرموده‌اند؟
- ۳- حدیثی راجع به انتظار بنویسید و مقام منتظرین به مقام چه کسانی تشبیه شده است؟
- ۴- آیه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» را ترجمه کنید و بیان امام باقر راجع به این آیه را بنویسید.
- ۵- شیعیان برای برقراری اتباط با امام زمان به چه دعا‌هایی و در چه زمان‌هایی امر شده‌اند؟

..... ۴-.

.....

.....

.....

.....

.....

مبحث سیزدهم: احادیث امام مهدی

﴿مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾^۱

هر آنچه پیامبر () به شما داد، پس آن را بگیرید،
و از هر چه شما را باز داشت، باز بایستید.

رهنمودهای فراوانی از امام زمان، حضرت مهدی، به ما رسیده است که بیشتر آنها پاسخ‌های آن حضرت به پرسش‌های مکتوبی است که شیعیان از طریق نواب اربعه از آن حضرت پرسیده‌اند. جواب کتبی حضرت به این نامه‌ها که زینت بخش کتاب‌های متعددی همچون کمال الدین شیخ صدوق و الاحتجاج شیخ طبرسی می‌باشد را «توقیع» می‌نامند. علاوه بر توقیعات، گفتارهای ارجمندی نیز از آن بزرگوار به ما رسیده است که پاسخ آن حضرت به سؤالات شفاهی افراد در تشرفات ایام کودکی، دوران غیبت صغری و یا غیبت کبری می‌باشد.^۲ احادیث امام مهدی گنجینه‌ی ارزشمندی از معارف شیعه است که حاوی موضوعات فراوانی چون توحید، تفسیر قرآن، امامت، بیان مقامات اهل بیت، ردّ عقاید و فرقه‌های منحرف، ردّ بر مدعیان دروغین امامت و نیابت، توضیح مسائل گوناگون مهدویت هم چون غیبت و ظهور، معرفی ادعیه و اذکار،^۳ مباحث اخلاقی، مسائل فقهی و... می‌باشد.

^۱ سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۷.

^۲ مجموعه‌ی توقیعات، فرمایشات، ادعیه و کلاً احادیث منسوب به آن حضرت در کتاب‌های متعددی گردآوری شده است که از مشهورترین آنها «کلمة الامام المهدی» مرحوم سید حسن شیرازی است که همراه با تکمله‌ها و فهرست‌های فراوان در سه جلد به فارسی ترجمه شده است.

^۳ دعا‌های متعددی همچون: دعای افتتاح، زیارت آل یس، دعای عصر غیبت و... در توقیعات امام زمان نقل شده است.

اگر چه در درس‌های گذشته تعدادی از جملات گهربار آن امام همام نقل گردید، ولی اکنون انوار بیشتری از احادیث مهدوی بیان می‌گردد تا روشنگر راه پیروان آن حضرت باشد.

۱ - آفرینش عبث و بی‌هدف نیست:

قال الإمام المهدی: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَخْلُقِ الْخَلْقَ عَبَثًا وَلَا أَهْمَلَهُمْ سُدىً»^۱.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: خدای بزرگ، آفریدگان را بیهوده نیافریده و بی‌هدف رها نکرده است.

۲ - لزوم وجود حجت الهی در هر عصر:

قال الإمام المهدی: «أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ إِلَّا ظَاهِرًا وَإِمَامًا مَغْمُورًا»^۲.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه فرمودند: به درستی که زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند، خواه آشکار و خواه پنهان باشد.

۳ - ردّ بر مدّعیان دروغین امامت:

قال الإمام المهدی: «أَنَّ الْحَقَّ مَعَنَا وَفِينَا لَا يَقُولُ ذَلِكَ سِوَانَا إِلَّا كَذَّابٌ مُفْتَرٌ»^۳.

حضرت حجت الله تعالی فرجه فرمودند: به درستی که حق با ما و نزد ماست و غیر از ما هر کس این سخن را بگوید، دروغگو و افترا زننده است.

۴ - فایده‌ی امام غایب عجل الله تعالی فرجه:

قال الإمام المهدی: «وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَأَنِّي أَنْتَفَاعٌ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ»^۴.

^۱ مراجعه کنید به مباحث ششم، هشتم، نهم، و دهم که طی آنها به هفت نمونه از احادیث امام مهدی استناد شده است.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۴، حدیث ۲۱ پاسخ به احمد بن اسحاق قمی در ردّ ادّعای امامت جعفر کذاب.

^۳ کمال الدین، ص ۵۱۱، حدیث ۴۲ خطاب به نایت اوّل و دوم در ردّ ادّعای جعفر کذاب.

^۴ همان مدرک.

^۵ کمال الدین، ص ۴۸۵، حدیث ۴؛ پاسخ به سؤالات اسحاق بن یعقوب.

..... ۴-.

.....

.....

.....

.....

.....

حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه فرمودند: چگونگی بهره‌وری از من در دوران غیبت من، همانند بهره‌مندی از خورشید است، آن هنگام که ابرها آن را از چشم‌ها پوشانیده است.

۵ - معرفی مقام خویشتن:

قال الإمام المهدي: «أَنَا حَاتِمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِي وَشِيعَتِي».^۱

امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه فرمودند: من پایان دهنده‌ی جانشینان پیامبر هستم و خداوند بزرگ به وسیله‌ی من بلا را از خاندان و شیعه‌ی من دور می‌سازد.

۶ - لزوم کسب علوم دینی از طریق اهل بیت:

قال الإمام المهدي: «طَلَبُ الْمَعَارِفِ مِنْ غَيْرِ طَرِيقِنَا أَهْلُ الْبَيْتِ مُسَاوِقٌ لِانْكَارِنَا».^۲

حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه فرمودند: جستجوی معارف دین غیر از مسیر ما خاندان پیامبر سوق دهنده‌ی فرد به انکار ما می‌باشد.

۷ - هدایت الهی پس از تلاش و جستجو است:

قال الإمام المهدي: «إِنْ اسْتَرْشَدْتَ أُرْشِدْتَ وَإِنْ طَلَبْتَ وَجَدْتَ».^۳

حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه فرمودند: اگر خواستار هدایت باشی، ارشاد خواهی شد و اگر جویا شوی می‌یابی.

۸ - علّت دوری افراد از فیض لقاء آن حضرت:

قال الإمام المهدي: «فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ».^۴

^۱ کمال الدین، ص ۴۴۱، حدیث ۱۲ خطاب به ابونصر طریف در ایام قبل از امامت.

^۲ کتاب دین و فطرت، نوشته‌ی علیرضا مدرس غروی، ج ۱، مقدمه در تشرّف مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی.

^۳ کمال الدین، ص ۵۰۹، حدیث ۳۸ خطاب به فردی که طالب نشانه‌ای درباره‌ی آن حضرت بود.

^۴ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، حدیث ۸ توقیع دوم شیخ مفید در سال ۴۱۲ هـ.ق.

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه فرمودند: پس ما را از ایشان (شیعیان) دور نمی‌کند، مگر آن رفتارهای ناخوشایندی که از آنها به ما گزارش می‌شود.

۹ - وظیفه‌ی شیعه در ایام غیبت:

قال الإمام المهدی: «فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ مَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَلْيَتَجَنَّبْ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهِيَّتِنَا وَسَخَطِنَا».^۱

امام منتظر عجل الله تعالی فرجه فرمودند: پس هر یک از شما باید آن کاری را انجام دهد که وی را به دوستی ما نزدیک می‌کند و از کاری که او را به ناراحتی و خشم ما نزدیک می‌سازد دوری نماید.

۱۰ - فضیلت نماز:

قال الإمام المهدی: «فَمَا أَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ أَفْضَلَ مِنَ الصَّلَاةِ».^۲

امام عصر عجل الله تعالی فرجه فرمودند: هیچ عملی برتر از نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌ساید.

۱۱ - فضیلت سجده‌ی شکر:

قال الإمام المهدی: «سَجْدَةُ الشُّكْرِ مِنَ الزَّيْمِ السُّنَنِ وَأَوْجَبُهَا».^۳

آخرین بازمانده‌ی عترت پیامبر فرمودند: سجده‌ی شکر، از لازم‌ترین و واجب‌ترین سنت‌های دینی است.

۱۲ - عدم سوء استفاده از اموال آن حضرت:

قال الإمام المهدی: «مَنْ أَكَلَ مِنْ أَمْوَالِنَا شَيْئًا فَإِنَّمَا يَأْكُلُ فِي بَطْنِهِ نَارًا وَسَيَصِلُ سَعِيرًا».^۴

خاتم اوصیاء الهی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: کسی که از اموال ما چیزی بخورد، به راستی که در درون خود آتش خورده و به زودی در جهنم افکنده خواهد شد.

^۱ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶، حدیث ۷ توقیع اول شیخ مفید در سال ۴۱۰ هـ.ق.

^۲ کمال الدین، ص ۵۲۰، حدیث ۴۹ پاسخ به پرسش‌های محمد بن جعفر اسدی.

^۳ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۶۱، حدیث ۳ پاسخ به پرسش‌های محمد بن عبدالله حمیری در سال ۳۰۷ هـ.ق.

^۴ کمال الدین، ص ۵۰۲، حدیث ۴۹ پاسخ به پرسش‌های محمد بن جعفر اسدی.

..... ۴-.

.....

.....

.....

.....

.....

در پایان این مباحث از خداوند متعال می‌خواهیم که با تعجیل در ظهور و فرج آن حضرت ارواحنا فداه و عجل الله تعالی فرجه الشریف، و برپایی عدالت، قلب مادر مظلومه‌اش، حضرت زهرا را شاد و مسرور گرداند؛ و ما را در زمره یاران خاص آن حضرت قرار دهد.

آمین یا رب العالمین...

✍